

به نام خدا



این جزوه بصورت اختصاصی توسط دکتر درس تهیه و جمع آوری شده

برای دریافت جزوه‌های بیشتر به سایت دکتر درس مراجعه کنید.

[ورود به بانک جزوه دکتر درس](#)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درسنامه منطق پایه دهم

درس اول

پدرام فر

دبیرستان حضرت خدیجه کبری (س)

شهرستان چرداول

شهریور ۱۳۹۹

منطق ترازوی اندیشه

ریز مباحث درس اول

کاربرد منطق و نقش مغالطه

منطق و مغالطه چیست

دو حیطة اصلی منطق؛ تعریف و استدلال

حیطه کاربرد منطق

منطق علمی است که شیوه ی درست اندیشیدن را می آموزد تا بدین ترتیب قادر به تشخیص خطاهای ذهنی باشیم.

منظور از منطق و مغالطه چیست؟

منطق علمی است که در پی جلوگیری از خطای در اندیشه است

منطق:

به معنای هرگونه نتیجه گیری خطا در اندیشه یا فکر به کار رفته است، که ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد. نام دیگر مغالطه سفسطه است.

مغالطه:

کار منطق دانان چیست

۱- انواع خطاهای ذهنی و دسته بندی آنها را بررسی می کند

۲- راه های جلوگیری از خطای تفکر را نشان می دهند.

۳- نکاتی را که هر متفکری باید رعایت کند تا دچار خطای فکری نشود، مشخص می نماید.

چند ویژگی مغالطات:

همچون بیماری هایی هستند که باید از دچار شدن به آنها برحذر بود
برای مبارزه با مغالطات باید آنها را به درستی شناخت

تاکید اصلی منطق بر : آموزش شیوه درست اندیشیدن است نه فقط مبارزه با مغالطات.

نکته: ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می کند و بدون دانستن نام های این قواعد آنها را در زندگی خود به کار می برد.

منطق علمی کاربردی است به این معنی که:

منطق نیازمند تمرین است.

منطق را با دستورالعمل های نظری نمی توان مسلط شد، بلکه باید آن را به کار گرفت. مانند دوچرخه سواری که باید در عمل یاد گرفت.

نسبت منطق با سایر علوم:

منطق، ابزاری است در خدمت سایر علوم

منطق، مشکلات را در علوم نشان می دهد، اما علم را تولید نمی کند.

منطق، همانند شاقول بنایی است که شرایط را برای ایجاد بنای مستحکم فراهم می سازد، اما بنای مستحکم نمی سازد.

منطق، همچون سیستم های کنترلی یک خودرو است که مشکل را معلوم می کند اما باعث حرکت خودرو نمی شود.

تعریف: هرگاه تصور مجهولی داشته باشیم (مانند مثلث چیست؟) به کمک تصورات معلوم و مرتبگی که با آن تصور مجهول داریم. مانند شکل سه ضلعی. آن تصور مجهول را خواهیم شناخت به این عمل تعریف می گویند.

حیطه علم منطق

استدلال: هرگاه تصدیق مجهولی داشته باشیم (مانند چرا آهن هادی الکتریسته است؟)، به کمک تصدیقات معلوم مرتبگی که با آن تصدیق مجهول داریم مانند آهن فلز است فلز هادی الکتریسته است به آن تصدیق مجهول پاسخ خواهیم داد.

مبحث تعریف با چیستی سروکار دارد: درخت چیست؟ گیوه چیست؟

مبحث استدلال با چرایی سروکار دارد: چرا انسان ناطق است؟ چرا آهن هادی الکتریسته است؟

دقت: دو حیطه اصلی منطق، تعریف و استدلال است و شناخت تعریف و استدلال مشروط به شناخت تصور و تصدیق است.

تصور: درک ما از مثلث، انسان، سیمرغ و واجب بودن و....

دانش بشری به دو حیطه کلی تقسیم می شود.

تصدیق: مانند مثلث شکل سه ضلعی است. در تصدیق حکم و قضاوت وجود دارد. جمله خبری با معنا و صادق تصدیق

نکته: جملات انشایی: امر، نهی، استفهام، آرزو و تعجب تصور هستند. مانند ای کاش

هوا ابری باشد.

هنگام تصور یک مفهوم کاری نداریم که آن مفهوم واقعیت دارد یا ندارد یا آن مفهوم با امور دیگر مرتبط است یا نیست در این حالت به همان تصور می اندیشیم و می خواهیم بدانیم آن مفهوم چیست و چه معنایی دارد.

تمرین

مشخص کنید جملات داده شده تصور هستند یا تصدیق؟

عقاب	چشم‌ت روشن	گرگ درنده است	ساق یا	از مادرم پرسیدم که...	مثلث سه ضلعی است	درخت بلند	کوه سهند مرتفع است	خانه‌ی بزرگ	خانه بزرگ نیست
تصور	تصور	تصدیق	تصور	تصور	تصدیق	تصور	تصدیق	تصور	تصدیق

از میان موارد زیر تصور و تصدیق را مشخص کنید:

سیمرغ (تصور) سیمرغ پرنده‌ای افسانه‌ای است (تصدیق)

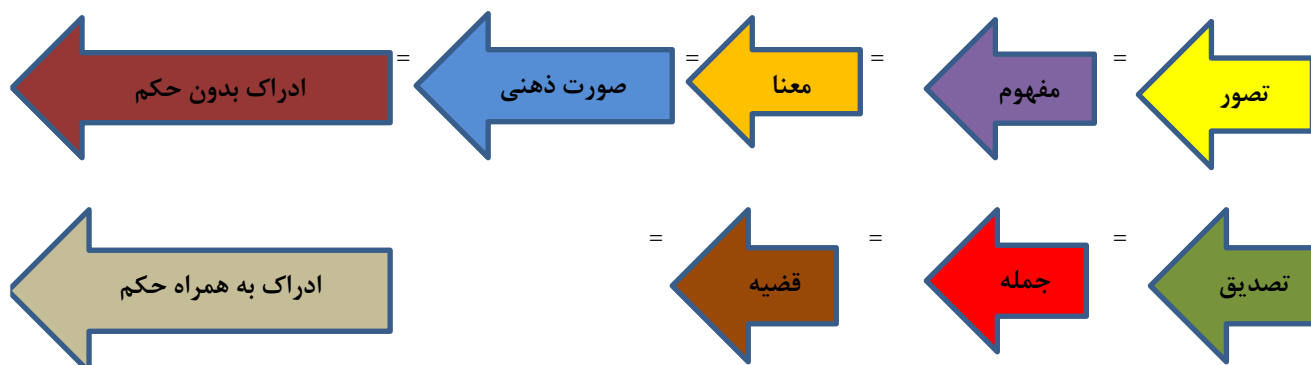
دانا (تصور) توانا بود هر که دانا بود (تصدیق)

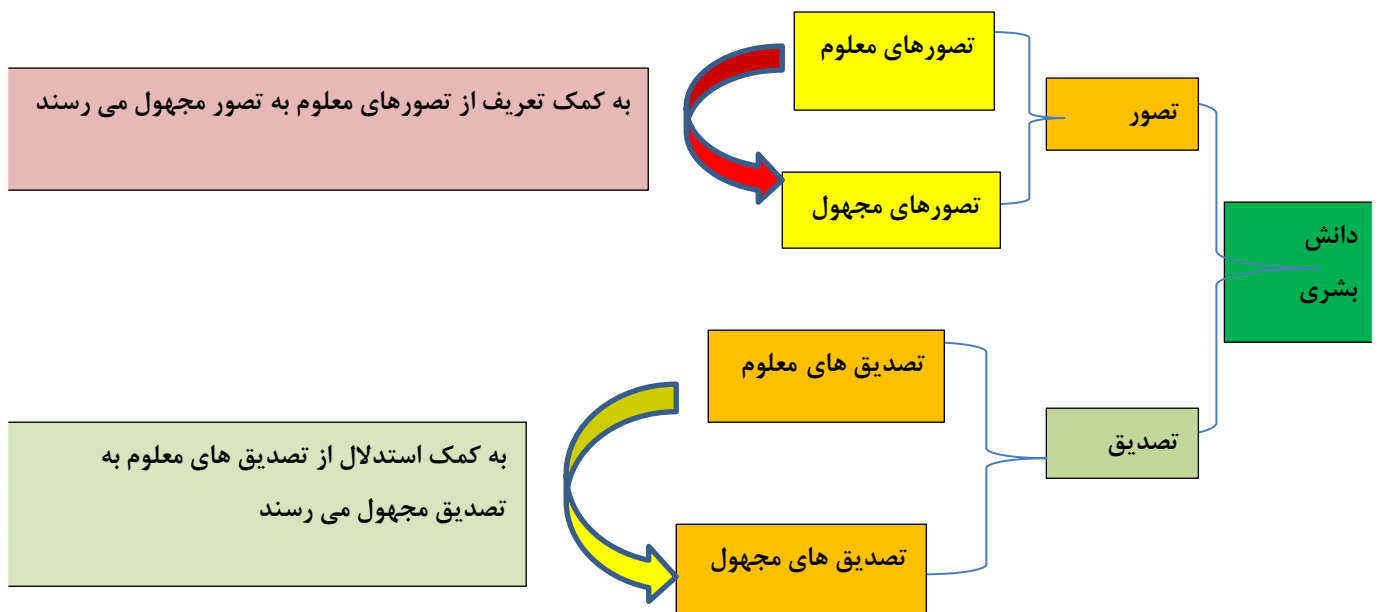
یک نکته حاشیه‌ای ولی مهم در مورد تصور و تصدیق:

۱- هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم، واقعیت دارد یا ندارد.

۲- هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم رابطه‌ای با واقعیات دیگر دارد یا ندارد.

۳- با فکر کردن از نوع تعریف است که به یک تصور، علم پیدا می‌کنیم.





پاسخ تمرین ص ۱۰

۱- استدلال ۲- تعریف ۳- استدلال ۴- تعریف

پاسخ فعالیت‌های تکمیلی:

۱- چیست ---- (تعریف) ۲- چرا..... (استدلال)

۲- تصدیق / تصور / تصدیق / تصور / تصور / تصدیق

نمونه سوالات:

۱- جاهای خالی را کامل کنید:

الف) منطق علمی است که در است.

ب) مغالطات همچون هستند که باید از دچار شدن به آنها برحذر بود.

ج) آموختن منطق مانند است که باید به صورت علمی فرا گرفته شود.

د) ابزاری در خدمت سایر دانش هاست.

- ۲- درستی یا نادرستی عبارات داده شده را مشخص کنید.
- الف) دانش منطق منحصرًا برای فلسفه به کار می رود.
ب) منطق دانان قواعد منطق را ابداع نموده اند.
ج) با خواندن دستورالعمل های نظری می توان منطق را فرا گرفت.
۳- در عبارات داده شده تصور یا تصدیق را مشخص کنید.
الف) مادر خوبم ب) دانش مفید است. ج) ریاضی د) ریاضیات سخت است

- ۴- اقسام علم و ادراک را بنویسید.
۵- استدلال و تعریف را با ذکر مثال توضیح دهید.
۶- منطق چگونه علمی است و تبحر در آن به چه چیزهای نیازمند است؟
۷- برای ساختن یک تصدیق حذاق به چند تصور نیاز است؟
۸- عبارت «هیچ ظالمی خوش عاقبت نمی شود» شامل چند تصدیق و چند تصور می باشد؟
۹- وقتی از معنای یک مفهوم سوال می شود وارد کدام حوزه از علم و ادراک شده ایم.
۱۰- عبارت مثلث، شکل سه ضلعی است. تعریف است یا استدلال؟

پیروز باشید

درس دوم : لفظ و معنا

اهداف کلی درس دوم

به منظور آسان تر ارتباط برقرار کردن بین ذهن و زبان و آشنایی با مبحث مغالطات میتوان به درک اهمیت گفتار و نوشتار برای انتقال دادن پیام به عنوان مهمترین مبحث یادگیری این درس اشاره نمود.

از دانش آموز انتظار می رود که پس از مطالعه درس دوم :

۱. بتواند ارتباط بین ذهن و زبان و عالم خارج در عبارات را بفهمد
۲. با آشنایی با انواع مغالطات کمتر دچار خطای ذهنی گردد
۳. بتواند از قواعد منطقی این درس به خوبی در بیان کلام و سخنان خود استفاده نماید



برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از الفاظ استفاده میکنیم پس لازم است ارتباط الفاظ با "زبان" و "ذهن" و "خارج از ذهن" بشناسیم.

مثالهای مهم سه حیطة : (غیر از کتاب درسی)

۱. رویا در سر دارم (حیطه ذهنی)



۲. رویا دو نقطه دارد (حیطه لفظ و زبان)

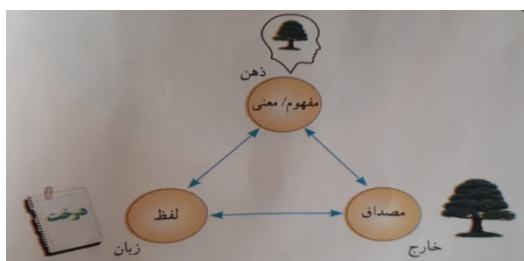
۳. رویا دوست و همکلاسی من است (حیطه خارجی و واقعی)

توضیح مثال ها : به سه مثال ذکر شده خوب دقت کنید

۱. مثال اول : رویا در "ذهن" و "فکر" ما وجود دارد

۲. مثال دوم : رویا در "لفظ و زبان" به عنوان یک اسم که دو نقطه دارد

۳. مثال سوم : رویا در "عالم خارج - واقعی" وجود دارد



به تصویر روبرو نگاه کنید (صفحه ۱۲ کتاب)

آیا میتوانید سه حیطة را به خوبی تشخیص دهید؟

جواب : بله حیطة زبان (لفظی) - حیطة ذهنی - حیطة عالم خارج (واقعی)

آیا اگر در هر کدام از آنها خطایی ایجاد گردد در سایر موارد هم خطایی صورت می گیرد؟

جواب : بله

نکته : برای جلوگیری از خطاهای ذهنی که در بالا ارتباط آن ها را بررسی کردیم باید از قواعد منطقی کمک بگیریم .

در اینجا متوجه یک موضوع مهم دیگر می شویم :

الف) وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه و ذهن است .

ب) ذهن با دو حیطة زبان الفاظ و جهان خارج ارتباط دارد .

نکات مهم درسی

- انتقال افکار به دیگران از طریق الفاظ و زبان انجام می گیرد .
- خطای در الفاظ و معنا می تواند باعث خطا در اندیشیدن (تعریف و استدلال) شود .
- توجه خاص به مبحث الفاظ در منطق .
- علم منطق وابسته به زبان خاصی نیست .

اشتراک لفظ یا مشترک لفظی

الفاظ و کلماتی که از لحاظ نوشتاری و گفتاری به هم شبیه هستند ولی از نظر معنا متفاوت می باشند.

مثال : شیر ، سیر ، دوش ، پیچ ، نیش ، چین ، فرق ، شانه ، چنگ ، کوفته ، داد

حالا شما میتوانید با پیدا کردن کلمات شبیه به هم با الفاظ مشترک بیشتری آشنا شوید .

برای فهمیدن مثالهای بالا به توضیح چند مثال توجه کنید :

توضیح مثال (یک کلمه ولی دارای چند معنی)	مثال	ردیف
 ۱. شیر حیوان درنده ۲. شیر خوراکی	شیر	۱
۱.کشورچین ۲. چین لباس، چین دامن	چین	۲
۱. تفاوت داشتن ۲.فرق سر	فرق	۳
۱.کوفته خوراکی(کوفته تبریزی) ۲.کوفته شدن ، خورد و خمیر شدن	کوفته	۴
۱.داد از مصدر دادن ۲.دادخواهی و عدالت	داد	۵

به دو دلیل باید الفاظ مشترک را خوب بشناسیم :

۱. تا معنای تفاوت هر لفظی ، در جملات را بفهمیم

۲. جلوگیری از مغالطه اشتراک لفظ

مثال : اسم دوست من **شیرین** است ، شکلات **شیرین** است پس : اسم دوست من **شکلات** است .

اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند باعث " بروز مغالطه اشتراک لفظ " میشود و یکی از

شایع ترین انواع خطاهای ذهنی است

حل تمرینات صفحه ۱۴ کتاب :

۱. زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آنها را بیان کنید ؟

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

جواب : (خواب شیرین : خواب خوش) ، (شیرین : عشق فرهاد)

علی کاری است ، کاری غذا را خوشمزه می‌کند ، پس : علی غذا را خوشمزه می‌کند .

جواب : (کاری : فعال و پر کار) ، (کاری : نام نوعی ادویه)

۲. معنای واژه‌های زیر را مشخص کنید ؟

شما نمی توانید وارد بخش مراقبت‌های ویژه بشوید . جواب : (نمی توانی : اجازه ندارید)

چون رانندگی بلد نیستی ، نمی توانی ماشین را داخل پارکینگ بیاوری .

جواب : (نمی توانی : مهارت نداری ، بلد نیستی)

پیر شده ای و دیگر نمی توانی این سنگ را بلند کنی .

جواب : (نمی توانی : قادر نیستی ، توانایی نداری)

نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

قبل از اینکه با این مبحث مهم آشنا شویم بهتر است بگوییم چرا باید دلالت‌های لفظ و معنایشان در عبارات و جملات را یاد بگیریم برای اینکه :

الف (منظور آن جمله را به خوبی درک کنیم .

ب (الفاظ مشترک در عبارات و جملات را به خوبی معنا کنیم .

ج) از هر گونه خطای ذهنی در ارتباط با زبان و گفتار و نوشتار جلوگیری کنیم و مخصوصاً جلوگیری کردن از مغالطه توسل به معنای ظاهری که در بخش دلالت ها صورت میگیرد .

به مثالها توجه کنید:


لفظ "خانه" در هر یک از جمله های زیر به چه معنایی به کار رفته است ؟



خانه ام را فروختم : منظور کل خانه (دلالت مطابقی)

خانه ام را رنگ زدم : منظور بخشی از خانه (دلالت تضمنی)

خانه ام را دزد زد : منظور اثاثیه منزل و اسباب وسایل (دلالت التزامی)

انواع دلالت ها	تعریف انواع دلالت لفظ بر معنا	مثال ها	توضیح مثال ها
دلالت مطابقی	دلالت لفظ بر کل معنای اصلی آن	شیر خوشمزه خوردم	شیر خوراکی 
دلالت تضمنی	دلالت لفظ بر بخشی و یا جزئی از معنای اصلی آن	پاکت شیر پاره شده	بخشی از پاکت پاره شده
دلالت التزامی	دلالت لفظ بر خارج ولی همراه با معنای اصلی آن بر لازمه یک شیء دلالت میکند	علی مانند شیر است	علی شجاع است صفتها جزء دلالت التزامی هستند

حل تمرینات صفحه ۱۵ کتاب :

نوع دلالت لفظ بر معنا را در عبارات زیر تعیین کنید؟

✚ تند ورق نزن، کتابم را پاره کردی! جواب : (دلالت تضمنی)

✚ فلانی شیر است. جواب : (دلالت التزامی).



✚ کتابم را گم کردم. جواب : (دلالت مطابقی)

✚ ماشینم خراب شد. جواب : (دلالت تضمنی)

به کار بردن دلالت مطابقی ، به جای تضمنی و التزامی به خطایی منتهی می شود که آن را

"مغالطه توسل به معنای ظاهری" می نامند

مثال : به دوستم گفتم بیا با هم به پارک برویم ، با هم رفتیم .



دوستم گفت : چه بازی کنیم ؟

گفتم : هیچی !

دوستم گفت : مگر نگفتی با هم به پارک برویم؟

گفتم : بله ولی ، نگفته بودم بازی میکنم .

شیوه نگارش کلمات

انتقال معانی به دیگران به دو صورت انجام می گیرد:

(الف) کتبی (نوشتاری)

(ب) شفاهی (گفتاری)

نکته : اشتباه در نوشتن و نگارش میتواند خطای ذهنی را به وجود بیاورد .

به مثال صفحه ۱۶ کتاب دقت کنید (تغییر جای "ویرگول" چه تغییری از نظر معنایی در جملات ایجاد کرده است؟)

هوشنگ کاشف گنجینه پنهان شده است	گنجینه پنهان شده ، توسط هوشنگ کشف شد
هوشنگ پنهان کننده گنجینه است و دیگران کشف کردند	گنجینه پنهان شده توسط هوشنگ ، کشف شد

به دو دلیل نوشتن درست کلمات و استفاده از حرکات کلمات و علائم سجاوندی در عبارات مهم است:

۱. جلوگیری از به وجود آمدن مغالطه نگارشی کلمات

۲. یاد گرفتن درست دیکته کلمات در عبارات

رعایت نکردن دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات باعث پدید آمدن مغالطه نگارشی کلمات می شوند و این خطا میتواند به جز علائم سجاوندی و حرکات ناشی از دیکته کلمات باشد

کار ویراستاران ، بررسی صحت علائم سجاوندی و در صورت نیاز حرکت گزاری برخی از کلمات و نیز اصلاح غلطهای املائی است .

شیوه مغالطه نگارشی کلمات	
توضیح مثال	مثال
مسافرت	فردا سفر تمام می شود
ماه صفر	فردا صفر تمام می شود
فردی که خان است	دیروز خان به روستا آمد
سفره غذا (خوان) 	دیروز بر سر خوان دوستم نشستم و غذا خوردم

حل تمرینات صفحه ۱۶ کتاب :

با تغییر علائم سجاوندی ، معانی مختلف جملات زیر را مشخص کنید :

به نظر علی احمدی دانشجوی خوبی است .

جواب : به نظر علی ، احمدی دانشجوی خوبی است

جواب : به نظر ، علی احمدی ، دانشجوی خوبی است

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه های نفت در شهر بوشهر بر گزار می شود .

جواب : یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه های نفت در شهر بوشهر ، بر گزار می شود

جواب : یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه های نفت ، در شهر بوشهر ، بر گزار می شود

معنای کلمات زیر را بنویسید:

مُلک = فرمانروایی	أرز = پول
مَلِك = پادشاه	عَرْض = فاصله ، پهنا
مِلک = دارایی و سرمایه	أرض = زمین

ابهام در مرجع ضمیر

با یک سوال شروع می کنم چرا باید ابهام در مرجع ضمیر را به خوبی بشناسیم ؟ (قبل از پاسخ دادن به

سوال به این مثال خوب توجه کنید) "دوستم تا مادرش را دید لباسش را مرتب کرد"

این عبارت دو پهلو و مبهم است ، زیرا ضمیر هم به مادر دوستم و هم مادر خودش بر می گردد.

ابهام موجود در عباراتی که مرجع ضمیر آن مشخص نیست می تواند منشاء خطای اندیشه گردد و آن را "مغالطه ابهام در مرجع ضمیر" می نامند.

مغالطه ابهام در مرجع ضمیر	
مثال	توضیح مثال
رستم بر اسب نشست ، دستی بر سرش کشید و حرکت کرد.	۱. سر اسب ۲. سر رستم
پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به طرف آن شلیک کرد.	۱. به پلنگ ۲. به آهو

مغالطه ابهام در مرجع ضمیر به دو علت است :

۱. مرجع ضمیر به علت دو ضمیر داشتن نا مشخص است .
۲. جملات و عبارات دو پهلوی و مبهم می شوند .

حل تمرینات صفحه ۱۸ کتاب :

دو پهلوی بودن عبارتهای زیر را توضیح دهید:

🚩 فرمانروای ظالمی یکی از مبارزان را دستگیر کرد و با او شرط کرد در صورتیکه به فلان شخصیت در

ملاءعام دشنام دهد ، او را آزاد خواهد کرد . مبارز در برابر مردم گفت : ای مردم ! فرمانروا از من

خواسته است که فلان شخصیت را لعنت کنم ، پس لعنت خدا بر او باد !

جواب : ۱. لعنت بر فرمانروا ۲. لعنت بر شخصی که فرمانروا گفته است .

🚩 سارا کتابهای احمد را به برادرش داد .

جواب : ۱. برادر سارا ۲. برادر احمد

حل فعالیت تکمیلی صفحه ۱۸ کتاب :

۱. در عبارات زیر امکان پدید آمدن چه برداشت های متفاوتی وجود دارد توضیح دهید.

مثال عبارات	برداشتها و توضیح مثال
الف) خانم پزشکی دیروز به عیادت بیماران آمد	۱. خانمی که فامیل او پزشکی است ۲. خانمی که کارش پزشکی است "مغالطه اشتراک لفظ"
ب) او گفت که این کتاب من است	۱. کتاب مال خودش ۲. کتاب مال گوینده مطلب "مغالطه ابهام در مرجع ضمیر"
ج) مردم در پاسخ سخنرانی که میگفت : "افزایش بودجه عمرانی دولت صحیح نیست" گفتند : "صحیح است ، صحیح است"	۱. مردم ۲. سخنران "مغالطه ابهام در مرجع ضمیر"
د) چون از او گشتی همه چیز از تو گشت	۱. هنگامی که با او همراه شدی همه چیز از آن تو شد ۲. هنگامیکه از او روی بر گرداندی همه چیز به تو پشت خواهد کرد "مغالطه"
ه) سعید همسایه اش را تکریم میکند او فرد متدینی است	۱. سعید ۲. همسایه "مغالطه ابهام در مرجع ضمیر"
و) عفو لازم نیست اعدامش کنید	۱. عفو ، لازم نیست اعدامش کنید ۲. عفو لازم نیست ، اعدامش کنید "مغالطه شیوه نگارشی کلمات"

۲. الف) با مراجعه به کتاب علوم و فنون ادبی (۱) کدامیک از اقسام جناس ، می تواند باعث مغالطه

اشتراک لفظ شود ؟

جواب : جناس تام زیرا کلمه از نظر تلفظ و نوشتن یکی است ولی از نظر معنا مختلف هستند

ب) یک مثال از اشتراک لفظ در ادبیات ذکر کنید که باعث زیبایی کلام شده باشد

جواب : مانند ماه (ماه آسمان) یا ماه (ماه در سال)

یا بفرما به سراپم ، یا بفرما به سر ، آیم هدفم وصل تو باشد ، چه تو آیی ، چه من آیم

جواب : به سراپم در بیت اول: یعنی به خانه من به سر ، آیم در بیت اول : یعنی با سر آمدن

ج) در کنایه و استعاره در ادبیات از دلالت مطابقه استفاده میشود یا دلالت التزامی ؟

جواب : دلالت التزامی

۳. دلالت الفاظ زیر را از میان مطابقه ، تضمن و التزام مشخص کنید:

الف) او حاتم بخشی میکند . جواب : دلالت التزامی

ب) دزد ماشینم را برد. جواب : دلالت مطابقی

ج) کفشم را واکس زدم . جواب : دلالت تضمنی

د) خانه خرابم کردی. جواب : دلالت التزامی



۴. نوع مغالطات زیر را تعیین کنید:

الف) چرا تمرینها را حل نمی کنی و نشسته ای . کتاب داستان می خوانی ؟ چون دبیرمان گفت

بروید مطالعه کنید ، نگفت بروید تمرین حل کنید

جواب : مغالطه توسل به معنای ظاهری

ب) سلمانی با تیغ دور سر فردی را اصلاح میکرد که ناگهان تیغ پوست وی را برید . فرد اعتراض


کرد که سرم را بریدی . سلمانی گفت : سر بریده که حرف نمی زند !

جواب : مغالطه توسل به معنای ظاهری

۵. نشان دهید چگونه با تغییر حرکات کلمات زیر معنای آنها تغییر میکند .

کُشت	کِشت
شُکر	شِکر
سُم	سِم
سِحْر	سِخَر
نَشُسته	نِشَسته

نکته های پایانی

توضیح مثال	مثال	انواع مغالطات
بهار فصل 	بهار دوست من است بهار فصل زیبایی است دوست من فصل زیبایی است	مغالطه اشتراک لفظ
من در حیاط مدرسه هستم	وقتی معلم آمد ، بگو من نیستم (در حیاط مدرسه بودن)	مغالطه توسل به معنای ظاهری
خوار = ذلت و پست شدن	در دستم خار رفت او خیلی خوار شد	مغالطه شیوه نگارش کلمات
ضمیر نا مشخص لعنت به دشمن	او گفت: برو دشمن مرا لعنت بگو گفتم : لعنت خدا بر او باد (لعنت بر دشمن-لعنت بر دوستم)	مغالطه ابهام در مرجع ضمیر

نکات دیگر :

- آنچه در ادبیات فارسی جناس تام می خوانیم ، همان اشتراک لفظ است
- نسبت جناس تام با اشتراک لفظی " رابطه تساوی " است
- اشتراک لفظ که منجر به مغالطه می شود وقتی جناس تام می گیریم که از نظر گفتاری و نوشتاری "یکی" باشند . مانند: شیرین = مزه و طعم عسل = ماده خوراکی
شیرین = اسم دختر عسل = اسم دختر
- اشتراک لفظ در جناس ناقص فقط از لحاظ نوشتاری ایجاد میگردد ولی از لحاظ گفتاری "یکی" است که همان مغالطه نگارشی کلمات می گویند . مانند : علیم = دانا الیم = دردناک
- مغالطه نگارشی کلمات خود از چند عامل ایجاد می گردد :
از نظر نگارش و کتبی اشتباه باشند مثل خار و خوار - سفر و صفر
ولی از نظر گفتاری یک جور تلفظ میگردند مثل علیم و الیم
از نظر دیکته کلمات اشتباه باشند مثل سفر و صفر
از نظر حرکات اشتباه باشند که قبلا بررسی شد مثل کِشت و کُشت



لطفاً دانش آموزان عزیز با توجه به درسنامه تهیه شده و با مطالعه دقیق کتب درسی منطق به
سئوالات پایانی در این درسنامه به درستی پاسخ دهید

سئوالات پایانی درس دوم.

"سئوالات صحیح و غلط"

تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام عبارت نادرست است ؟

الف) وقتی که از روی دفترچه تلفن دو فامیل خود را با هم اشتباه بگیرید منجر به خطای ذهنی خواهد شد

ص غ

ب) اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند باعث بروز مغالطه اشتراک لفظ می شود

ص غ

ج) علم منطق وابسته به زبان خاص منطقیون است و از نظر قواعد صرفی و نحوی ورود پیدا می کند

ص غ

د) آرزو داشت کتاب می خواند آرزو به حیثه زبان و لفظی اشاره دارد

ص غ

"سئوالات تکمیلی"

جاهای خالی را با کلمات مناسب در متن کتاب درسی آمده کامل کنید.

ه) در عبارات پیراهنم پاره شد، پیراهنم دلالت است.

و) به تعبیر مولانا دائم رهن است .

ز) معانی را میتوان به دو صورت و به دیگران منتقل کرد

"سئوالات تطبیقی و جور کردنی"

ط) موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق داده و وصل کنید

۱. دلالت ضمنی الف) دلالت کل لفظ بر معنای اصلی

۲. دلالت التزامی ب) فردا صفر تمام میشود

۳. دلالت مطابقی ج) کتابم پاره شد

۴. مغالطه شیوه نگارش کلمات د) علی شیر است

ه) او گفت این کتاب من است

"سئوالات پاسخ کوتاه"

به پرسشها و سئوالات زیر پاسخ کوتاه دهید .

ی) در عبارات رویا در سر دارم کلمه رویا به کدام حیطة اشاره دارد؟

ک) وقتی در عبارت او و دوستش هفت سال اختلاف داشتند را می گوییم چه نوع از مغالطه ایجاد شده است؟

ل) ویراستاران چه کسانی هستند و چه کاری انجام می دهند؟

م) به لحاظ وجود رابطه میان حیطة ذهن و زبان چه مبحثی در منطق مطرح میکنند؟

"سئالات تشریحی و کامل"

به پرسشهای زیر بطور کامل پاسخ دهید

(ن) مغالطه توسل به معنای ظاهری را تعریف کنید؟

(س) مغالطه ابهام در مرجع ضمیر چگونه ایجاد می گردد؟

(ع) یک مثال بیاورید که مغالطه اشتراک لفظ نشان داده شود؟

(ف) در این درس با چند نوع مغالطه آشنا شدید؟ نام ببرید؟

(ز) مغالطه و یا سفسطه را تعریف کنید؟

سر گروه فلسفه و منطق ناحیه ۲ بندرعباس

طراح درسنامه : خدیجه فیض

۱۳۹۹-۱۴۰۰

درس سوم نام طراح: فاطمه ابراهیمی	بنام خدا معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبردی کشوری تولید شده در استان کرمان	محتوای نوشتاری کتاب درسی منطق سال تحصیلی 1399-1400
-------------------------------------	---	---

اهداف یادگیری:

آشنایی با مفهوم و مصداق
آشنایی با مفهوم کلی و جزئی و اقسام آنها
آشنایی با نسبت های 4 گانه
آشنایی با طبقه بندی مفاهیم

انتظارات پس از مطالعه:

بتواند برای مفهوم، مصداق، مفهوم کلی، مفهوم جزئی و نسبت های 4 گانه مثال زده و آنها را از هم تشخیص دهد
بتواند مفاهیم را به درستی طبقه بندی کند

درسنامه درس سوم



در درس گذشته با چند نوع مغالطه و نحوه ارتباط ذهن و زبان آشنا شدید. در این درس ارتباط ذهن و خارج (مفهوم و مصداق) بیان می شود:

- ✓ به معنایی که از کلمات و الفاظ می فهمید و درک می کنید مفهوم گویند مثلاً به معنایی که از کلمه درخت می فهمید و درک می کنید مفهوم درخت گفته می شود.
- ✓ به آن چیزی که مفهوم بر آن صدق کند مصداق گویند مثلاً مفهوم مثلث، شکل سه ضلعی است و هر مثلثی که در خارج رسم شود، مصداق این مفهوم است. یا مریم و علی که مفهوم انسان بر آنها صدق می کند، مصداق انسان هستند.

✓ مفهوم همیشه در ذهن است اما مصداق گاهی اوقات در ذهن است (مصداق ذهنی یا فرضی) و گاهی اوقات در خارج از ذهن (مصداق واقعی)، مثلاً مفهوم «کوه» در ذهن است اما برخی از مصداق‌های کوه در خارج از ذهن هستند (کوه دماوند) و برخی مصداق‌های آن فرضی (در ذهن) هستند (کوه یاقوت)

مفهوم کلی و مفهوم جزئی

- مفهوماها یا کلی هستند یا جزئی.
- اگر مفهومی، مصداق آن کاملاً مشخص باشد و قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را نداشته باشد (نتوان برای آن افراد متعدد فرض کرد) مفهومی جزئی است.
- مفهوم جزئی اقسام متعددی دارد:
 - 1- هر مفهومی که به آن اشاره شود جزئی است مانند: آن قلم - این کتاب‌ها
 - 2- اسامی خاص بر مفهوم جزئی دلالت دارند مانند: رود ارس - کوه سبلان - سعدی - رودخانه هلیل رود - دانشگاه شهید باهنر - فرزاد
- مفهومی که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را دارد، مفهومی کلی است، خواه مصداق‌های آن واقعی و در خارج از ذهن باشند و یا خیالی و فرضی. (به عبارت دیگر مفهوم کلی، مفهومی است که بتوان افراد متعددی برای آن فرض کرد)
- برای تشخیص کلی بودن یک مفهوم، صرفاً به مصادیق واقعی و موجود آن توجه نمی‌کنیم بلکه مصادیق فرضی و خیالی آن را هم مورد توجه قرار می‌دهیم.
- مفهوم کلی اقسام متعددی دارد:
 - 1- مفهومی که هم مصداق‌های متعدد خارجی دارد و هم مصداق‌های فرضی مانند: «ماشین»
 - 2- مفهومی که فقط یک مصداق خارجی دارد (کلی واحد المصداق) و بقیه مصداق‌های آن فرضی است مانند: «خدا» - «آخرین پیامبر»
 - 3- مفهومی که هیچ مصداق خارجی ندارد و فقط مصداق‌های فرضی یا خیالی دارد مانند: «اسب بالدار»، «کوه یاقوت»، «شریک برای خداوند»

نکاتی راجع به کلی و جزئی

- هر تعداد مفاهیم کلی به یک مفهوم کلی اضافه شود آن را جزئی نمی‌کند بلکه تعداد مصادیق آن را کم‌تر می‌کند مثلاً از مفاهیم «معلم»، «معلم منطق»، «معلم منطق مدرسه دخترانه دو»، مفهوم «معلم» نسبت به مفاهیم دیگر دارای بیشترین مصداق و مفهوم «معلم منطق مدرسه دخترانه ناحیه دو» دارای کمترین مصداق است اما هر دو مفهوم، کلی‌اند.
- اگر یک مفهوم کلی به یک مفهوم جزئی اضافه شود، آن مفهوم، بازهم کلی است در اینجا منظور از اضافه، اضافه تعلقی است یعنی مضاف نوعی تعلق به مضاف الیه داشته باشد؛ مانند کتابِ مریم، دوستِ محمد، خواهرِ من، تنها فرزندِ علی. مفاهیم ذکر شده همگی کلی هستند زیرا هم ممکن است مصادیق متعدد خارجی داشته باشند و هم می‌توان برایشان مصادیق متعددی فرض کرد مثلاً در مورد «تنها فرزند علی» می‌توان فرض کرد که علی تنها فرزند خود را از دست بدهد و بعد از مدتی صاحب فرزند دیگری شود که مفهوم «تنها فرزند علی» بر او هم صدق کند.
- ترکیب‌هایی مانند «خیابان حافظ»، «شهر کرمان»، از نوع اضافه تعلقی نیستند زیرا منظور خیابانی متعلق به حافظ و یا شهری متعلق به کرمان نیست بلکه منظور خیابانی که نامش حافظ و شهری که نامش کرمان است، می‌باشد از این‌رو مفاهیم ذکر شده اسم خاص و جزئی می‌باشند.
- القاب و عناوین تاریخی مانند «بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران»، «رهبر کبیر انقلاب» و «ضامن آهو» گرچه در طول تاریخ برای افراد خاصی به کاررفته‌اند اما اسم خاص نیستند و جزئی به شمار نمی‌آیند مگر آن‌که در موردی به اسم خاص تبدیل شده باشند. (مثلاً «باقر» که لقب امام پنجم (ع) است و به اسم خاص ایشان تبدیل شده است.)
- مجموعه‌های مشخص جزئی هستند مانند: «این کتاب‌ها»، «معلمان مدرسه ما 20 نفرند» و ...
- آوردن ادات جمع «ها» در انتهای کلمه، آن را کلی نمی‌کند زیرا مثلاً به جای این‌که فرد بگوید این کتاب و این کتاب و این کتاب، گفته «این کتاب‌ها».
- وقتی می‌گوییم «معلمان مدرسه ما 20 نفرند»، معلمان مدرسه ما یک مجموعه خاص و معین است.
- «سیندرلا»، «بتمن»، «رخش» و غیره که اسم خاص افراد و قهرمان‌های خیالی هستند بر مفهومی جزئی دلالت دارند.
- اگر مفهومی جزئی به جزئی دیگری اضافه شود بازهم جزئی است مانند: رخسِ رستم - ذوالفقار علی (ع)

سؤال: ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چرا باوجود اینکه مثلاً نام افراد زیادی حمید، حسن و زهرا است و یا در بیشتر شهرهای ایران میدانی به نام میدان آزادی داریم اما گفته می‌شود که هر یک از این اسامی بر یک مفهوم جزئی دلالت می‌کند؟

پاسخ این است که اولاً اسامی وقتی نام خاص افراد، مکان‌ها، حیوانات و غیره قرار می‌گیرند معنای اولیه خود را از دست می‌دهند و صرفاً معنی «این فرد یا این شیء معین» را به خود می‌گیرند یعنی مانند اسم اشاره عمل می‌کنند، مثلاً لفظ علی در اصل برای معنی «بلندمرتبه» گذاشته شده است ولی وقتی به عنوان اسم خاص بر روی افراد گذاشته می‌شود برای هر فرد، معنی «آن شخص» را به خود می‌گیرد از این رو جزئی محسوب می‌شود، مثلاً وقتی گفته می‌شود علی دانش آموز است منظور این نیست که انسان بلندمرتبه‌ای دانش آموز است بلکه یعنی آن فرد معین، دانش آموز است در حالی که هرگاه لفظ علی به عنوان یک صفت یعنی به معنی (بلندمرتبه) به کار رود، کلی خواهد بود، زیرا قابل انطباق بر افراد متعدد می‌باشد

ثانیاً وضع (قرار دادن و گذاشتن) اسامی خاص بر روی افراد و بر روی مکان‌ها، به نحو جداگانه صورت گرفته است یعنی حسن بودن نام فرزند یک نفر، ربطی به حسن بودن نام فرزند فرد دیگری ندارد و یا اگر در تمام شهرهای ایران میدانی به نام میدان آزادی وجود داشته باشد، میدان آزادی اسم خاص و جزئی است زیرا برای هر میدان در هر بار، وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است.

نسبت های 4 گانه

بین دو مفهوم کلی از لحاظ مصداق‌هایشان، چهار نسبت برقرار می‌شود که به نسبت‌های چهارگانه شهرت دارند: 1- تساوی: دو مفهوم کلی مصداقی کاملاً مشترکی دارند، یعنی هر فردی که مفهوم اول بر آن صدق کند مصداق مفهوم دوم نیز هست و برعکس.

در این رابطه می‌توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن‌ها در قالب (هر است) دو قضیه صادق ساخت:


مثال: یک متر و صد سانت هر یک متری صد سانت است، هر صد سانتی یک متر است.



دایره‌های مصداقی در تساوی، منطبق بر هم است

2- تباین: دو مفهوم کلی هیچ مصداق مشترکی ندارند، مانند «کوه» و «دریا»
در این رابطه می‌توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن‌ها در قالب (هیچ ... نیست)، دو قضیه صادق ساخت:

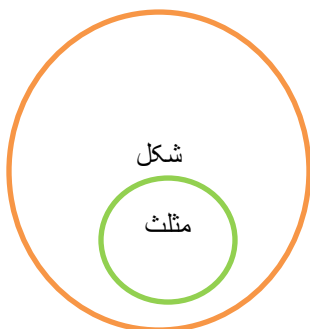
مثال: کوه و دریا هیچ کوهی دریا نیست و هیچ دریایی کوه نیست.
دایره‌های مصادیق در تباین، متخارج است



3- عموم و خصوص مطلق: دایره مصادیق یکی از دو مفهوم کلی، بزرگ‌تر از دیگری است و تمام مصادیق مفهوم کوچک‌تر را نیز شامل می‌شود.

در این رابطه می‌توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن‌ها در قالب (هر ... است)، (بعضی ... است) و (بعضی ... نیست)، سه قضیه صادق ساخت:

مثال: شکل و مثلث هر مثلثی شکل است، اما بعضی شکل‌ها مثلث هستند و بعضی شکل‌ها مثلث نیستند.
نکته: به مفهومی که دایره مصادیقش بزرگ‌تر است (مصادیق بیشتری دربرمی‌گیرد) مفهوم «عام» و به مفهومی که دایره مصادیقش کوچک‌تر (مصادیق کمتری دربرمی‌گیرد) مفهوم «خاص» گویند. کلمه «مطلق» بیان‌گر این است که فقط یک مفهوم از مفهوم دیگر عام‌تر است.
دایره‌های مصادیق در عموم و خصوص مطلق، متداخل است.



4- عموم و خصوص من وجه: در این حالت، دو مفهوم، بعضی مصداق‌هایشان مشترک است و بعضی مصداق‌هایشان مشترک نیست.

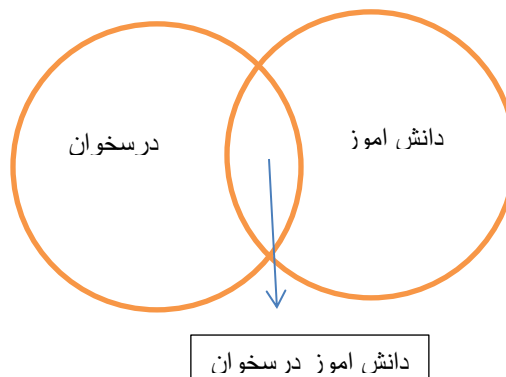
در این رابطه می‌توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن‌ها در قالب (بعضی ... است) و (بعضی ... نیست)، چهار قضیه صادق ساخت:

مثال: دانشجو و درسخوان بعضی دانشجوها درسخوان هستند و بعضی دانشجوها درسخوان نیستند. بعضی درسخوان‌ها دانشجو هستند و بعضی درسخوان‌ها دانشجو نیستند.

نکته: «من وجه» به معنای «از جهتی» است و منظور این است که هر یک از دو مفهوم، نسبت به دیگری از جهتی عام است یعنی مصادیقی دارد که مفهوم دیگر ندارد و از جهتی خاص است یعنی مفهوم دیگر، مصادیقی

دارد که این مفهوم ندارد.

دایره‌های مصادیق در عموم و خصوص من وجه، متقاطع است.



یکراه دیگر برای تشخیص نسبت‌های چهارگانه:

می‌توان هر مثالی را در قالب «هر الف ب است و هر ب الف است» بازسازی کرد. اگر هر دو درست بودند (نسبت تساوی)، اگر یکی درست و یکی غلط بود (نسبت عموم و خصوص مطلق) و اگر هر دو غلط بودند نسبت یا تباین یا عموم و خصوص من وجه است مانند:

الف) جسم و دارای مکان

هر جسمی دارای مکان است، هر دارای مکانی، جسم است (هر دو درست، پس تساوی است)

ب) چنار و درخت

هر درختی، چنار است، هر چناری، درخت است (جمله اول غلط و جمله دوم درست است یعنی بعضی درختان چنار هستند، بعضی درختان چنار نیستند اما هر چناری درخت است، پس عموم و خصوص مطلق است)

ج) انسان و درخت

هر انسانی درخت است و هر درختی انسان است (هر دو غلط است زیرا هیچ انسانی درخت و هیچ درختی انسان نیست، پس تباین است)

د) لباس و سبز

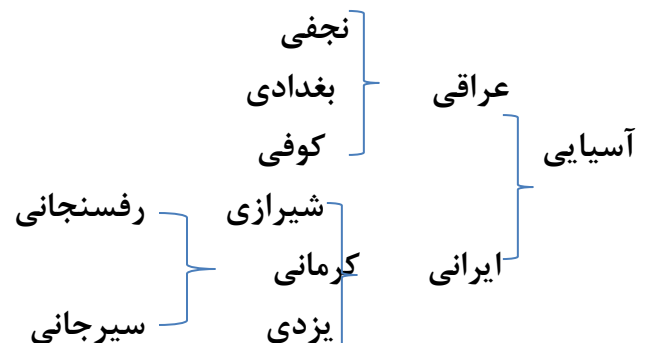
هر لباسی سبز است و هر سبزی لباس است (هر دو غلط است اما لباس سبزرنگ وجود دارد، یعنی بعضی لباس‌ها سبز هستند، بعضی لباس‌ها سبز نیستند، بعضی سبزه‌ها لباس هستند، بعضی سبزه‌ها لباس نیستند پس عموم و خصوص من وجه است)

کاربرد نسبت های 4گانه در طبقه بندی مفاهیم:

- مفاهیم کلی و رابطه میان آنها در بحث تعریف و اقسام قضایا کاربرد دارد .
- در یک طبقه بندی صحیح، از مفهوم عام آغاز می کنیم تا به مفهومی خاص برسیم. لازم است بین مفاهیم هر طبقه با مفاهیم طبقه دیگر نسبت «عموم و خصوص مطلق» و بین اقسام یک طبقه نسبت «تباین» برقرار باشد.

❖ طبقه بندی مفاهیم

- وقتی تعدادی مفاهیم مرتبط باهم داشته باشیم می توانیم آنها را به طور منطقی دسته بندی و سپس طبقه بندی کنیم مثلاً فرض کنیم می خواهیم مفاهیم زیر را طبقه بندی کنیم:
آسیایی - عراقی - نجفی - شیرازی - رفسنجانی - کوفی - یزدی - بغدادی - ایرانی - کرمانی - سیرجانی
نخست مفاهیمی که نسبت بین آنها عموم و خصوص مطلق است را مشخص می کنیم مثلاً:
(آسیایی و ایرانی) - (آسیایی و عراقی) - (عراقی و نجفی) - (عراقی و بغدادی) - (عراقی و کوفی) - (ایرانی و شیرازی) - (سیرجانی و کرمانی) و غیره
در مرحله بعد، مفاهیم عام تر را قبل و مفاهیم خاص تر را بعد از آنها یعنی به عنوان اقسام مفهوم عام تر قرار می دهیم.



- همان طور که ملاحظه می کنید اقسام مختلف یک طبقه با یکدیگر نسبت تباین دارند مانند نجفی و بغدادی یا عراقی و ایرانی و هر طبقه از مفاهیم نسبت به طبقه دیگر رابطه عموم و خصوص مطلق دارند مانند آسیایی و عراقی یا ایرانی و یزدی.

تفاوت کل و کلی

هرگز مفاهیم «کل» و «کلی»؛ «جزء» و «جزئی» را با یکدیگر اشتباه نگیرید. کلی در مقابل جزئی قرار دارد و کل در مقابل جزء. برای فهم تفاوت این دو به این نکات توجه کنید:

1- کل از اجتماع اجزاء خود و پس از شکل‌گیری آن‌ها پدید می‌آید

مثلاً ساعت یک کل است و پس از درست شدن عقربه، صفحه، باطری و... شکل می‌گیرد، اما رابطه کلی با جزئی این‌گونه نیست.

- 2- کل بدون جزء بی‌معناست و با از بین رفتن اجزایش، از میان می‌رود، ولی کلی می‌تواند هیچ مصداق واقعی (خارج از ذهن) نداشته باشد، مانند مفهوم کلی «دریای جیوه» و یا ممکن است مصادیق آن، همه از بین بروند مانند مفهوم «دایناسور»

3- بین کل با هر یک از اجزایش نسبت تباین برقرار است و نه عموم و خصوص مطلق، مثل - «اتومبیل» و «چرخ اتومبیل»

(هیچ اتومبیلی، چرخ اتومبیل نیست و هیچ چرخ اتومبیلی، اتومبیل نیست)

4- کل و جزء می‌توانند هم کلی لحاظ شوند و هم جزئی، مثلاً میز یک کل است و پایه میز، جزء محسوب می‌شود.

حال اگر پرسیده شود مفاهیم میز و پایه میز کلی هستند یا جزئی؟ پاسخ درست، کلی است اما اگر گفته شود این میز یا این پایه میز، این مفاهیم جزئی هستند اما باز هم «این میز» یک کل و «این پایه میز»، جزء محسوب می‌شود

..... پاسخ تمرین‌های کتاب درسی

درس سوم 

تمرین ص 21

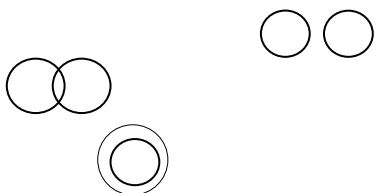
کلی: خداوند- مولود کعبه- درخت- درخت سرو- کتاب- پسر- پسر احمد- مشهد (به معنای محل شهادت) جزئی: الله - حضرت علی علیه‌السلام - این کتاب- آن پسر- مریخ- مشهد (نام شهری در استان خراسان رضوی)

تمرین ص 24

آفریقایی - آسیایی

مسلمان- آسیایی (عموم و خصوص من وجه)

هندی- آسیایی (عموم و خصوص مطلق)





فعالیت تکمیلی ص 26





سؤال 1

جزئی: میدان آزادی، جبرئیل، خوشه پروین، خلیج فارس، ابن سینا، این کلاس، نرگس (اسم خاص)
کلی: عدد، خیابان، نرگس (نوعی گل)

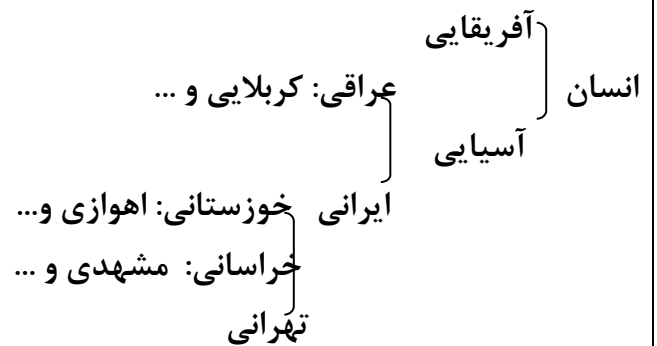
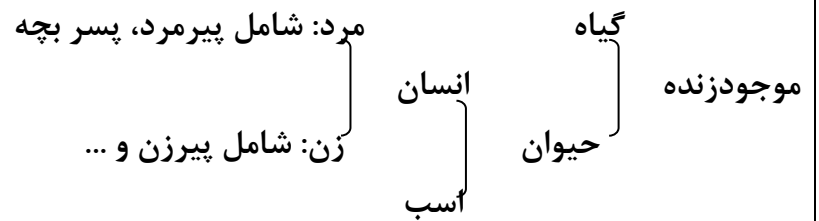
سؤال 2

الف) حافظ نخست جزئی و حافظ دوم کلی است.
ب) بهمن در هر دوموردکلی (پدیده بهمن) و (اسم خاص یک ماه) است.
ج) «نجف اشرف» جزئی و «مرقد امامزادگان» کلی است.

سؤال 3

تساوی: عدد قابل تقسیم بر دو-زوج 
تباين: مثلث - دایره، موازی - متقاطع 
عموم و خصوص من وجه: پرنده و سیاه - شاعر و دانش آموز 
عموم و خصوص مطلق: مثلث و شکل، مثلث و مثلث متساوی الاضلاع، شعر و غزل 

سؤال 4



نمونه سوال با پاسخ

📖 به سؤالات پاسخ مناسب دهید:

1) کدام گزینه به «مفهوم» و کدام گزینه به «مصدق» اشاره دارد؟
الف) درک معنای «عدم و نیستی» (ب) این کتاب به زبان فرانسوی است.

2) عبارات زیر به کدام یک از نسبت‌های چهارگانه اشاره دارد؟

الف) دو مفهوم مصداق مشترک ندارند.

1- عموم و خصوص من وجه

ب) فقط یک مفهوم عام تراز مفهوم دیگر است.

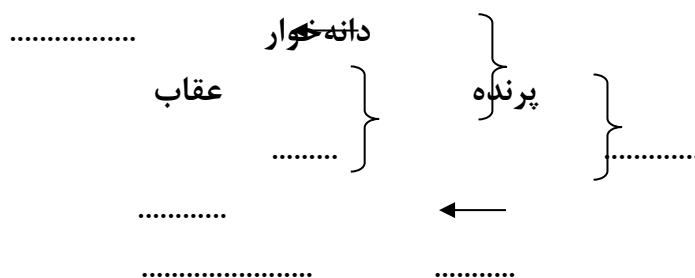
2- تباین

ج) دو مفهوم، فقط بعضی از مصادیقشان مشترک است.

3- عموم و خصوص مطلق

4- تساوی

3) ابتدا مشخص کنید میان کدام یک از مفاهیم پرنده، دانه خوار، عقاب، گوشت خوار، پروانه، حیوان، کبوتر، حشره و کرکس نسبت عموم و خصوص مطلق و میان کدام یک نسبت تباین برقرار است و سپس با کمک مفاهیم ذکر شده، طبقه‌بندی زیر را تکمیل کنید.



4) بین مفاهیم زیر چه نسبتی از نسبت‌های چهارگانه وجود دارد؟ جاخالی را با توجه به همان نسبت تکمیل نمائید.

الف) نقره و فلز (.....)، بعضی فلزات نقره هستند، (.....) نام نسبت (.....)

5) دایره‌های زیر، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه را نشان می‌دهد و بین پاسخ‌های داده شده، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟



ج) نسبت بین «الف» و «ب»

ب)

الف)

.....

6) برای موارد خواسته شده مثال بزنید:

الف) مفهوم کلی‌ای که هم مصادیق متعدد خارجی و هم مصادیق ذهنی دارد.

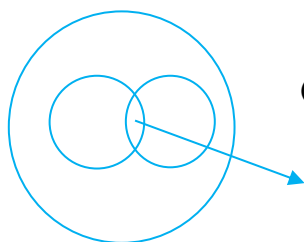
ب) مفهوم کلی‌ای که فقط یک مصداق خارجی دارد.

ج) مفهوم کلی‌ای که هیچ مصداقی در خارج ندارد.

7) میان مفاهیم زیر چه نسبتی از نسبت‌های چهارگانه (نسب اربعه) وجود دارد؟

الف) مفهوم کلی و مفهوم جزئی (ب) علم و تصور (ج) تعریف و استدلال (د) فکر و تعریف (ه) نسبت‌های چهارگانه و تساوی

8) برای هر یک از مفاهیم زیر حداقل دو مصداق بنویسید و سپس مشخص کنید که هر یک از دایره‌های روبرو مربوط به مصادیق کدام یک از مفاهیم ذکر شده می‌باشد؟



1- (شکل) 2- (چهارضلعی) 3- (چهارضلعی قائم‌الزاویه) 4- (قائم‌الزاویه)

شماره 1 شماره 2 شماره 3 شماره 4

9) مفاهیم زیر را از اعم به اخص مرتب کنید و بگویید که هر چه محتوای مفهوم بیشتر باشد تعداد مصادیق بیشتر می‌شود یا کمتر؟

«مدرسه ابتدایی دخترانه»، «مدرسه»، «مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک»، «مدرسه ابتدایی»

10- کدام یک از مفاهیم زیر کلی و کدام یک جزئی است؟

«خیابان حافظ»- «میدان انقلاب»، «ایرانی»، «قاره»، «قاره آسیا»، «عدالت»، «عدالت امام علی علیه‌السلام»، «بهترین دوست من»

11) میان مصادیق «شتر» و «چهارپا» چه رابطه‌ای از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

12) با توجه به جمله (حسن دانش‌آموز باهوش و مؤدبی است) به سؤالات طرح‌شده، پاسخ مناسب دهید:

الف) در عبارت فوق، یک «مفهوم جزئی» و یک «مفهوم کلی» بیابید.

ب)- در عبارت فوق مفاهیمی بیابید که نسبتشان «عموم و خصوص من وجه» باشد.

13) مفاهیم زیر را طبقه‌بندی کنید:

خطاطی، فیلم جنایی، موسیقی، فیلم کمدی، هنرهای تجسمی، نستعلیق، هنر، فیلم

14) با مرور دوباره تعریف جزئی و کلی توضیح دهید که خود مفاهیم جزئی و کلی جزئی هستند یا کلی؟

15) آیا در عبارات زیر «مفهوم» و «مصداق» در جایگاه اصلی خود بکار رفته‌اند؟ اگر چنین نیست عبارات را

تصحیح کنید:

الف) آن کاغذی که پیش رودارید، مفهومی برای لفظ کاغذ است.

ب) در قضیه «سعدی شاعر است»، سعدی یکی از مصداق‌های شاعر است.

16) به ازاء هر یک از عبارتهای زیر چند مورد از نسبت‌های چهارگانه ممکن است برقرار باشد؟

الف) هیچ الف ب نیست ب) هر الف ب است

17) از نسبت دادن دو مفهومی که بینشان رابطه تباین برقرار است، چند قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

18) از نسبت دادن دو مفهومی که بینشان رابطه تساوی برقرار است چند قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

19) حاصل کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه، سه قضیه است؟ مثال بزنید.

20) در کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه است که چهار قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

21) با ذکر مثال و ترسیم شکل (دایره‌ها) مشخص نمایید در کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه مصادیق یک مفهوم عام‌تر از دیگری است.

 جملات را با ذکر دلیل مناسب کامل کنید:

22) «عدد یک» مفهومی جزئی نیست زیرا.....

23) بین دو مفهوم (حجم و مکعب) نسبت «عموم و خصوص مطلق» برقرار است زیرا.....

 جاخالی‌ها را تکمیل کنید:

24) به افراد یا اشیائی که مفهوم بر آن صدق می‌کند گویند.

25) مفهومی که فقط قابلیت انطباق بر یک فرد را داشته باشد گویند.

26) اسامی خاص و هر چه با «این» و «آن» بیاید، بر مفهومی دلالت می‌کند.

27) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که مصداق مشترکی نداشته باشند، نسبتشان است.

28) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که مصداق‌هایشان کاملاً مشترک باشد، نسبتشان است.

29) اگر دایره یکی از مفاهیم بزرگ‌تر از دیگری باشد و تمام مصادیق دیگری را در برگیرد، نسبتشان است.

30) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که در برخی مصادیق اشتراک داشته باشند، نسبتشان است.

31) با توجه به وجوه میان مفاهیم مشابه و وجوه میان مفاهیم غیرمشابه، مفاهیم را طبقه‌بندی می‌کنیم.

32) رابطه میان دو مفهوم کلی در مبحث و کاربرد دارد.

 درستی یا نادرستی عبارات را مشخص کنید:

33) برخی مفاهیم کلی فقط دارای یک مصداق خارجی می‌باشند و برخی هیچ مصداق خارجی ندارند.

34) میان مصادیق دو مفهوم جزئی نسبت‌های چهارگانه برقرار می‌شود.

35) میان مصادیق دو مفهوم (مغالطه و مغالطه اشتراک لفظ) نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است.

- 36) مفاهیمی مانند «مسجد و نماز» هیچ مصداق مشترکی ندارند.
- 37) وقتی گفته می‌شود مفهوم کلی قابلیت صدق بر افراد متعدد را دارد، به این معناست که حتماً افرادی در خارج دارد.
- 38) بین «صندلی» و «پایه صندلی» نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.
- 39) بین یک مفهوم کلی و یک مفهوم جزئی مانند «کشور» و «ایران» نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد.
- 40) اقسام مختلف یک مفهوم نسبت به یکدیگر رابطه تباین دارند مانند «موجود و موجود زنده»
- 41) مفاهیم «گره و وحشی» به گونه‌ای هستند که بعضی از مصداقشان غیرمشترک است.
- 42) گاهی اوقات مفاهیم کلی قابلیت انطباق بر افراد واقعی دارد مانند «انسان» و گاهی اوقات بر افراد فرضی و خارجی مانند «شریک خدا»

پاسخ

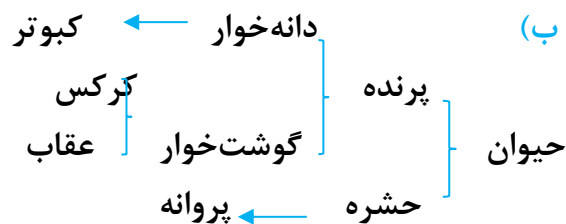
1-الف) مفهوم ب) مصداق

2-الف) تباین

ب) عموم و خصوص مطلق

ج) عموم و خصوص من وجه

3-الف) عموم و خصوص مطلق (حیوان و پرنده، حیوان و حشره، حیوان و دانه‌خوار، حیوان و گوشت‌خوار، گوشت‌خوار و عقاب، حشره و پروانه، حیوان و کبوتر)
تباین (عقاب و کرکس - کبوتر و پروانه، دانه‌خوار و گوشت‌خوار، حشره و پرنده)



4- (هر نقره‌ای فلز است - بعضی فلزات نقره نیستند) نام نسبت (عموم و خصوص مطلق)

5-الف) تباین ب) عموم و خصوص مطلق ج) تباین

(بین نسبت تباین و نسبت عموم و خصوص مطلق، تباین برقرار است)

6-الف) انسان، صندلی، سیاره

ب) اولین امام شیعیان که مصداق واقعی آن حضرت علی علیه السلام است.

ج) کوه یاقوت

7- الف) تباین ب) عموم و خصوص مطلق ج) تباین

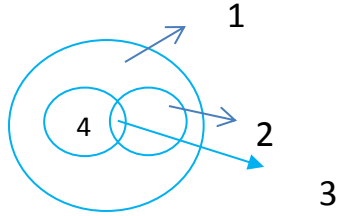
د) عموم و خصوص مطلق ه) عموم و خصوص مطلق

8- شماره 1 (مثلث، دایره، مربع و...)

شماره 2 (مربع، لوزی، ذوزنقه و غیره)

شماره 3 (مربع و مستطیل)

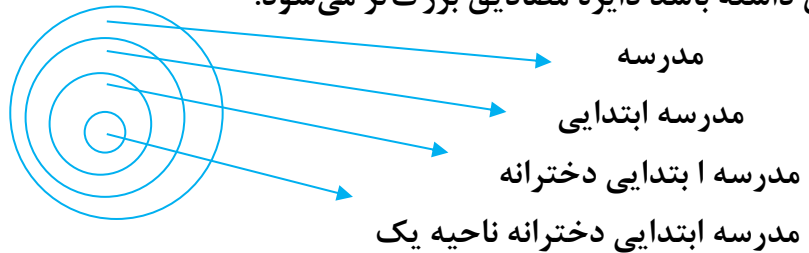
شماره 4 (مثلث قائم الزاویه، مربع، مستطیل و غیره)



9- ترتیب مفاهیم از اعم به اخص عبارت اند از:

مدرسه < مدرسه ابتدایی < مدرسه ابتدایی دخترانه < مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک

هر چه محتوای مفهوم اجزای بیشتری داشته باشد، دایره مصادیق کوچک تر می شود و هرچه مفهوم اجزای کمتری داشته باشد دایره مصادیق بزرگ تر می شود.



10- جزئی (خیابان حافظ، میدان انقلاب و قاره آسیا) کلی (ایرانی - قاره - عدالت - عدالت امام علی - بهترین

دوست من)

11- عموم و خصوص مطلق

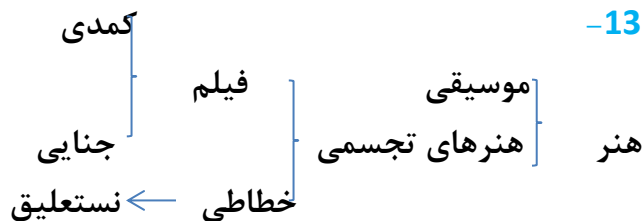
(هر شتری چهارپا است، بعضی چهارپایان شتر هستند، بعضی چهارپایان شتر نیستند).

12- الف) مفهوم جزئی (حسن)

مفهوم کلی (دانش آموز، باهوش، مؤدب، دانش آموز باهوش)

ب) (دانش آموز و باهوش)، (دانش آموز و مؤدب)، (باهوش و مؤدب)

13-



14- خودِ «مفهوم جزئی» و «مفهوم کلی» هر دو کلی اند زیرا مصادیق متعددی دارند. مثال برای مصادیق مفهوم

جزئی: ایران، سهیل، قله اورست

مثال برای مصادیق مفهوم کلی: انسان، خانه، مربع

15- الف) نادرست، لفظ کاغذ مفهومی دارد که آن کاغذ پیش رو، مصداق آن است.

ب) درست

16- الف) هیچ الف ب نیست (بین الف و ب تنها رابطه تباین برقرار است مثلاً هیچ سنگی اسب نیست. بین

سنگ و اسب تباین برقرار است)

ب) هر الف ب است (بین الف و ب ممکن است رابطه تساوی و یا عموم و خصوص مطلق که الف کوچک تر است

برقرار باشد).

17- دو قضیه، مانند نسبت بین دو مفهوم (تعریف و استدلال). هیچ تعریفی استدلال نیست، هیچ استدلالی

تعریف نیست.

18- دو قضیه به دست می آید مانند (مثلث و سه ضلعی).

هر مثلثی سه ضلعی است، هر سه ضلعی مثلث است.

19- در عموم و خصوص مطلق، سه قضیه به دست می آید مانند: (شکل و بیضی). هر بیضی شکل است، بعضی

شکلها بیضی هستند، بعضی شکلها بیضی نیستند.

20- در عموم و خصوص من وجه، چهار قضیه به دست می آید مانند: (کاغذ و سفید). بعضی سفیدها کاغذ

هستند، بعضی سفیدها کاغذ نیستند، بعضی کاغذها سفید هستند، بعضی کاغذها سفید نیستند.

21- نسبت عموم و خصوص مطلق مانند (میوه و گیلان). مصادیق میوه از مصادیق گیلان بیشتر است.

22- می توان افراد متعددی برای آن فرض نمود.

23- مفهوم «حجم» همه مصادیق مکعب را دربرمی گیرد و علاوه بر آن مصادیق دیگری را نیز دربرمی گیرد.

24- مصداق

25- مفهوم جزئی

26- جزئی

27- تباین

28- تساوی

29- عموم و خصوص مطلق

30- عموم و خصوص من وجه

31- اشتراک، افتراق

32- تعریف و اقسام قضایا

33- درست

34- نادرست، این نسبت‌ها میان مصادیق دو مفهوم کلی برقرار می‌شود.

35- نادرست، عموم و خصوص مطلق

36- درست

37- نادرست، زیرا ممکن است مصداق خارجی نداشته باشد.

38- نادرست، تباین برقرار است چون صندلی یک «کل» و پایه آن «جزء» است و بین کل با اجزائش، نسبت تباین برقرار است.

39- نادرست؛ با توجه به کتاب درسی نسبت‌های چهارگانه فقط بین دو مفهوم کلی برقرار می‌شوند. «کشور» کلی و «ایران» جزئی است.

40- نادرست، مانند موجود غیرزنده و موجود زنده

41- درست، نسبتشان عموم و خصوص من وجه است و هر یک از مفاهیم «گره» و «وحشی» هم مصادیق مخصوص به خود دارند و هم مصادیق مشترک.

42- نادرست، کلمه خارجی باید از عبارت حذف شود زیرا «شریک خدا» مفهومی خیالی است و هیچ مصداق واقعی در خارج از ذهن ندارد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درسنامه درس چهارم منطق

پدرام فر

دیرستان حضرت خدیجه (س)

استان ایلام شهرستان چرداول

شهریور ۱۳۹۹

اقسام و شرایط تعریف

در علوم: برای فهم اصطلاحات تخصصی نیاز داریم که در آن علم تعریف شوند

در بحث و گفتگوی میان افراد: چرا که بسیاری از اختلافات در مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریف دقیق از آن هاست. پس به تعریف مشترک نیاز داریم.

در زندگی: یادگیری تعریف و قواعد آن، ما را از خطاهای ذهنی و مغالطات دور می کند.

چرا بحث تعریف اهمیت دارد؟

اقسام تعریف

هرگاه ما در مورد «چیستی» یک مفهوم بپرسیم؛ به چند روش می توانیم به این پرسش پاسخ دهیم.

روش اول

مراجعه به کتاب لغت: معنای آن مفهوم مجهول را می توانیم مطالعه کنیم. هرگاه به کمک

معنای لغوی یک مفهوم را تعریف کنیم به آن «**تعریف لغوی**» می گوییم.

چند نکته:

۱- در تعریف لغوی، «معنای لغوی یک مفهوم» یا « مترادف های آن» و یا «نحوه شکل گیری لغوی آن» بیان می شود.

۲- در تعریف لغوی، از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود.

۳- نام دیگر تعریف لغوی: **تعریف لفظی** است.

نمونه:

طاس چیست: در لغت طشت بزرگ ، نوعی کاسه مسی ، پیاله و..

تعریف از طریق ذکر مصادیق: در این روش نمونه خارجی و مصداق را نشان می دهیم.

نکته:

در این تعریف از نمونه ها یا تصاویری از مصادیق مفهوم مورد نظر استفاده می کنیم. این تعریف در ارتباط با واژگانی مناسب است که بتوان به نحوی مصادیق آن مفهوم را به افراد معرفی کرد.

این تعریف برای مفاهیم انتزاعی به کار نمی رود.

نام دیگر تعریف از طریق ذکر مصادیق: **تعریف به مثال** است.



نمونه: **طاس**

تعریف مفهومی (تعریف به مفاهیم عام و خاص): ابتدا تعریف را با مفهوم «عام» شروع می کنیم و

سپس مفهوم «خاص» را به کار می گیریم.

مثلت: شکل سه ضلعی

خاص

عام

ترکیب انواع تعریف با یکدیگر: از آنجا که هدف از تعریف کردن، شناساندن مفاهیم و تصورات مجهول برای شنونده است در بیشتر موارد ارائه مجموعه ای از چند نوع مختلف از تعریف، به معرفی بهتر آن مفهوم کمک می کند.

نمونه: انتشارات: جمع انتشار و نشر ، سازمانی است که فرآیند تولید کتاب را برعهده دارد. مانند انتشارات مشاوران، سمت و...

ذکر مصادیق

مفهومی

لغوی

لغوی (لفظی)

ذکر مصادیق

مفهومی

اقسام تعریف :

تمرین: ۳۳ : اقسام تعریف های زیر را مشخص کنید.

لغوی	نبی: ذکر مصادیق	نبی: مفهومی	بیماری های ویروسی: ذکر مصادیق
سوبسید: لغوی	مسجد: مفهومی	خانه: ذکر مصادیق	خفاش: مفهومی
			انسان: مفهومی

واضح بودن: از واژه های آشنا برای شنونده استفاده کنیم تا واضح و قابل فهم باشد. از واژه هایی که درک آنها برای شنونده دشوارتر است استفاده نکنیم. و از مفاهیم روشن و شناخته تر استفاده کنیم.

نمونه: قله: چکاد بیم: قماقم

جامع بودن: تعریف باید تمامی مصادیق آن مفهوم را در بر گیرد. و به عبارتی جامع افراد باشد.

نمونه: مثلث شکلی که دارای سه ضلع مساوی است شامل برخی مثلث مانند مثلث قائم الزاویه نمی شود

مانع بودن: تعریف باید تنها بر مصادیق آن مفهوم صدق کند و بر مصادیق مفاهیم دیگر صدق نکند. و به عبارتی مانع اغیار باشد.

نمونه: تعریف آئینه به شی که نور را منعکس می کند درست نیست زیرا تنها بر آئینه صدق نمی کند و سایر اشیا صیقلی رو شامل می شود.

دوری نبودن: تعریف یک چیز با استفاده از خودش مانند زمان: امری که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری زمان است سنجیده می شود.

شرایط تعریف صحیح

روش تشخیصی برای جامع بودن و مانع نبودن

مفهوم انار شیرین

سوال اول: آیا همه ی انارها شیرین هستند. بله (جامع است) خیر (جامع نیست)

سوال اول برای دریافت جامع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی جامع است جواب خیر شد یعنی جامع نیست

سوال دوم: آیا فقط انار میوه شیرین است. بله (مانع است) خیر (مانع نیست)

سوال دوم برای مانع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی مانع است و جواب خیر شد یعنی مانع نیست.

تمرین ص ۳۶

انسان : حیوان راست قامت:	مانع نیست
زمان: امری است که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری است سنجیده می شود:	دوری است
پرنده: حیوانی که پرواز می کند.	جامع نیست
خورشید: سکه طلایی آسمان	واضح نیست
یم: قماقم	واضح نیست

منابع: مجموعه کتابهای هدف دارمنطق دهم انتشارات مشاوران

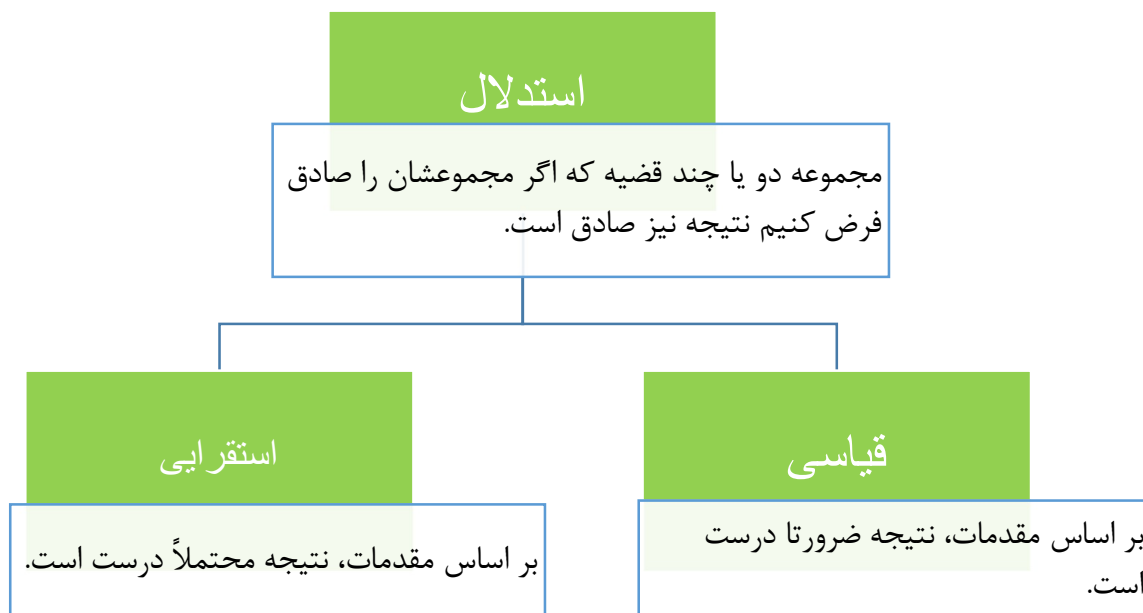
به نام خدا

درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی

آشنایی با استدلال استقرایی و انواع آن

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این درس بتواند استدلال استقرایی را تعریف کند، تفاوتش با استدلال قیاسی را بیان کند. انواع استدلال استقرایی را در مصادیق تشخیص دهد. بتواند توضیح دهد چرا یک استدلال استقرایی اشتباه است.

۱. محتوای درس:



درس سوم نام طراح: فاطمه ابراهیمی	بنام خدا معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبردی کشوری تولید شده در استان کرمان	محتوای نوشتاری کتاب درسی منطق سال تحصیلی 1399-1400
-------------------------------------	---	---

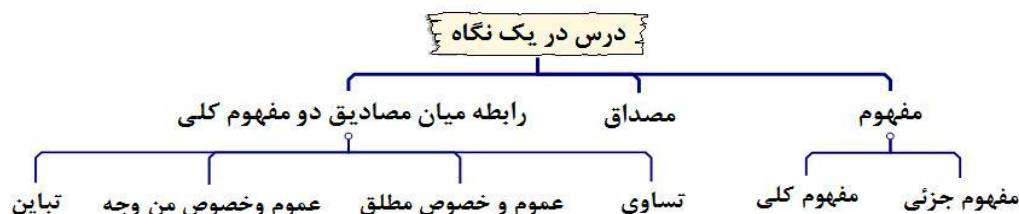
اهداف یادگیری:

- آشنایی با مفهوم و مصداق
- آشنایی با مفهوم کلی و جزئی و اقسام آنها
- آشنایی با نسبت های 4 گانه
- آشنایی با طبقه بندی مفاهیم

انتظارات پس از مطالعه:

بتواند برای مفهوم، مصداق، مفهوم کلی، مفهوم جزئی و نسبت های 4 گانه مثال زده و آنها را از هم تشخیص دهد
بتواند مفاهیم را به درستی طبقه بندی کند

درسنامه درس سوم



در درس گذشته با چند نوع مغالطه و نحوه ارتباط ذهن و زبان آشنا شدید. در این درس ارتباط ذهن و خارج (مفهوم و مصداق) بیان می شود:

- ✓ به معنایی که از کلمات و الفاظ می فهمید و درک می کنید مفهوم گویند مثلاً به معنایی که از کلمه درخت می فهمید و درک می کنید مفهوم درخت گفته می شود.
- ✓ به آن چیزی که مفهوم بر آن صدق کند مصداق گویند مثلاً مفهوم مثلث، شکل سه ضلعی است و هر مثلثی که در خارج رسم شود، مصداق این مفهوم است. یا مریم و علی که مفهوم انسان بر آنها صدق می کند، مصداق انسان هستند.

✓ مفهوم همیشه در ذهن است اما مصداق گاهی اوقات در ذهن است (مصداق ذهنی یا فرضی) و گاهی اوقات در خارج از ذهن (مصداق واقعی)، مثلاً مفهوم «کوه» در ذهن است اما برخی از مصداق‌های کوه در خارج از ذهن هستند (کوه دماوند) و برخی مصداق‌های آن فرضی (در ذهن) هستند (کوه یاقوت)

مفهوم کلی و مفهوم جزئی

- مفهوماها یا کلی هستند یا جزئی.
- اگر مفهومی، مصداق آن کاملاً مشخص باشد و قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را نداشته باشد (نتوان برای آن افراد متعدد فرض کرد) مفهومی جزئی است.
- مفهوم جزئی اقسام متعددی دارد:
 - 1- هر مفهومی که به آن اشاره شود جزئی است مانند: آن قلم - این کتاب‌ها
 - 2- اسامی خاص بر مفهوم جزئی دلالت دارند مانند: رود ارس - کوه سبلان - سعدی - رودخانه هلیل رود - دانشگاه شهید باهنر - فرزاد
- مفهومی که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را دارد، مفهومی کلی است، خواه مصداق‌های آن واقعی و در خارج از ذهن باشند و یا خیالی و فرضی. (به عبارت دیگر مفهوم کلی، مفهومی است که بتوان افراد متعددی برای آن فرض کرد)
- برای تشخیص کلی بودن یک مفهوم، صرفاً به مصادیق واقعی و موجود آن توجه نمی‌کنیم بلکه مصادیق فرضی و خیالی آن را هم مورد توجه قرار می‌دهیم.
- مفهوم کلی اقسام متعددی دارد:
 - 1- مفهومی که هم مصداق‌های متعدد خارجی دارد و هم مصداق‌های فرضی مانند: «ماشین»
 - 2- مفهومی که فقط یک مصداق خارجی دارد (کلی واحد المصداق) و بقیه مصداق‌های آن فرضی است مانند: «خدا» - «آخرین پیامبر»
 - 3- مفهومی که هیچ مصداق خارجی ندارد و فقط مصداق‌های فرضی یا خیالی دارد مانند: «اسب بالدار»، «کوه یاقوت»، «شریک برای خداوند»

نکاتی راجع به کلی و جزئی

- هر تعداد مفاهیم کلی به یک مفهوم کلی اضافه شود آن را جزئی نمی‌کند بلکه تعداد مصادیق آن را کم‌تر می‌کند مثلاً از مفاهیم «معلم»، «معلم منطق»، «معلم منطق مدرسه دخترانه دو»، مفهوم «معلم» نسبت به مفاهیم دیگر دارای بیشترین مصداق و مفهوم «معلم منطق مدرسه دخترانه ناحیه دو» دارای کمترین مصداق است اما هر دو مفهوم، کلی‌اند.
- اگر یک مفهوم کلی به یک مفهوم جزئی اضافه شود، آن مفهوم، بازهم کلی است در اینجا منظور از اضافه، اضافه تعلقی است یعنی مضاف نوعی تعلق به مضاف الیه داشته باشد؛ مانند کتابِ مریم، دوستِ محمد، خواهرِ من، تنها فرزندِ علی. مفاهیم ذکر شده همگی کلی هستند زیرا هم ممکن است مصادیق متعدد خارجی داشته باشند و هم می‌توان برایشان مصادیق متعددی فرض کرد مثلاً در مورد «تنها فرزند علی» می‌توان فرض کرد که علی تنها فرزند خود را از دست بدهد و بعد از مدتی صاحب فرزند دیگری شود که مفهوم «تنها فرزند علی» بر او هم صدق کند.
- ترکیب‌هایی مانند «خیابان حافظ»، «شهر کرمان»، از نوع اضافه تعلقی نیستند زیرا منظور خیابانی متعلق به حافظ و یا شهری متعلق به کرمان نیست بلکه منظور خیابانی که نامش حافظ و شهری که نامش کرمان است، می‌باشد از این‌رو مفاهیم ذکر شده اسم خاص و جزئی می‌باشند.
- القاب و عناوین تاریخی مانند «بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران»، «رهبر کبیر انقلاب» و «ضامن آهو» گرچه در طول تاریخ برای افراد خاصی به کاررفته‌اند اما اسم خاص نیستند و جزئی به شمار نمی‌آیند مگر آن‌که در موردی به اسم خاص تبدیل شده باشند. (مثلاً «باقر» که لقب امام پنجم (ع) است و به اسم خاص ایشان تبدیل شده است.)
- مجموعه‌های مشخص جزئی هستند مانند: «این کتاب‌ها»، «معلمان مدرسه ما 20 نفرند» و ...
- آوردن ادات جمع «ها» در انتهای کلمه، آن را کلی نمی‌کند زیرا مثلاً به جای این‌که فرد بگوید این کتاب و این کتاب و این کتاب، گفته «این کتاب‌ها».
- وقتی می‌گوییم «معلمان مدرسه ما 20 نفرند»، معلمان مدرسه ما یک مجموعه خاص و معین است.
- «سیندرلا»، «بتمن»، «رخش» و غیره که اسم خاص افراد و قهرمان‌های خیالی هستند بر مفهومی جزئی دلالت دارند.
- اگر مفهومی جزئی به جزئی دیگری اضافه شود بازهم جزئی است مانند: رخسِ رستم - ذوالفقار علی (ع)

سؤال: ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چرا باوجود اینکه مثلاً نام افراد زیادی حمید، حسن و زهرا است و یا در بیشتر شهرهای ایران میدانی به نام میدان آزادی داریم اما گفته می‌شود که هر یک از این اسامی بر یک مفهوم جزئی دلالت می‌کند؟

پاسخ این است که اولاً اسامی وقتی نام خاص افراد، مکان‌ها، حیوانات و غیره قرار می‌گیرند معنای اولیه خود را از دست می‌دهند و صرفاً معنی «این فرد یا این شیء معین» را به خود می‌گیرند یعنی مانند اسم اشاره عمل می‌کنند، مثلاً لفظ علی در اصل برای معنی «بلندمرتبه» گذاشته شده است ولی وقتی به عنوان اسم خاص بر روی افراد گذاشته می‌شود برای هر فرد، معنی «آن شخص» را به خود می‌گیرد از این رو جزئی محسوب می‌شود، مثلاً وقتی گفته می‌شود علی دانش آموز است منظور این نیست که انسان بلندمرتبه‌ای دانش آموز است بلکه یعنی آن فرد معین، دانش آموز است در حالی که هرگاه لفظ علی به عنوان یک صفت یعنی به معنی (بلندمرتبه) به کار رود، کلی خواهد بود، زیرا قابل انطباق بر افراد متعدد می‌باشد

ثانیاً وضع (قرار دادن و گذاشتن) اسامی خاص بر روی افراد و بر روی مکان‌ها، به نحو جداگانه صورت گرفته است یعنی حسن بودن نام فرزند یک نفر، ربطی به حسن بودن نام فرزند فرد دیگری ندارد و یا اگر در تمام شهرهای ایران میدانی به نام میدان آزادی وجود داشته باشد، میدان آزادی اسم خاص و جزئی است زیرا برای هر میدان در هر بار، وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است.

نسبت های 4 گانه

بین دو مفهوم کلی از لحاظ مصداق‌هایشان، چهار نسبت برقرار می‌شود که به نسبت‌های چهارگانه شهرت دارند: 1- تساوی: دو مفهوم کلی مصادیق کاملاً مشترکی دارند، یعنی هر فردی که مفهوم اول بر آن صدق کند مصداق مفهوم دوم نیز هست و برعکس.

در این رابطه می‌توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن‌ها در قالب (هر است) دو قضیه صادق ساخت:


مثال: یک متر و صد سانت هر یک متری صد سانت است، هر صد سانتی یک متر است.



دایره‌های مصادیق در تساوی، منطبق بر هم است

2- تباین: دو مفهوم کلی هیچ مصداق مشترکی ندارند، مانند «کوه» و «دریا»
 در این رابطه می توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن ها در قالب (هیچ ... نیست)، دو قضیه صادق ساخت:

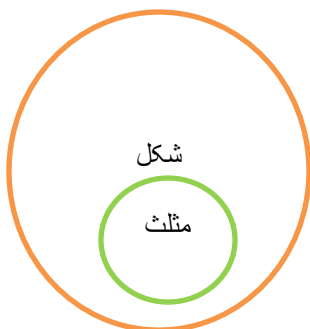
مثال: کوه و دریا هیچ کوهی دریا نیست و هیچ دریایی کوه نیست.
 دایره های مصادیق در تباین، متخارج است



3- عموم و خصوص مطلق: دایره مصادیق یکی از دو مفهوم کلی، بزرگ تر از دیگری است و تمام مصادیق مفهوم کوچک تر را نیز شامل می شود.

در این رابطه می توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن ها در قالب (هر ... است)، (بعضی ... است) و (بعضی ... نیست)، سه قضیه صادق ساخت:

مثال: شکل و مثلث هر مثلثی شکل است، اما بعضی شکل ها مثلث هستند و بعضی شکل ها مثلث نیستند.
 نکته: به مفهومی که دایره مصادیقش بزرگ تر است (مصادیق بیشتری دربرمی گیرد) مفهوم «عام» و به مفهومی که دایره مصادیقش کوچک تر (مصادیق کمتری دربرمی گیرد) مفهوم «خاص» گویند. کلمه «مطلق» بیان گر این است که فقط یک مفهوم از مفهوم دیگر عام تر است.
 دایره های مصادیق در عموم و خصوص مطلق، متداخل است.



4- عموم و خصوص من وجه: در این حالت، دو مفهوم، بعضی مصداق هایشان مشترک است و بعضی مصداق هایشان مشترک نیست.

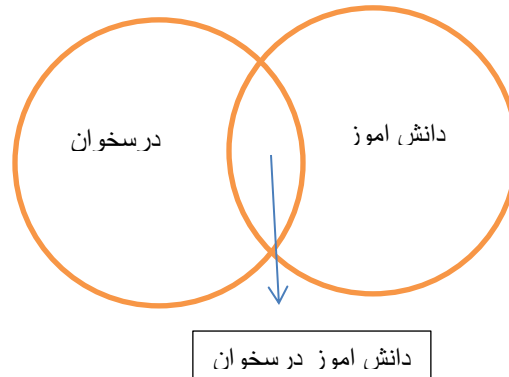
در این رابطه می توان با جابجا کردن دو مفهوم و بکار بردن آن ها در قالب (بعضی ... است) و (بعضی ... نیست)، چهار قضیه صادق ساخت:

مثال: دانشجو و درسخوان بعضی دانشجوها درسخوان هستند و بعضی دانشجوها درسخوان نیستند. بعضی درسخوان ها دانشجو هستند و بعضی درسخوان ها دانشجو نیستند.

نکته: «من وجه» به معنای «از جهتی» است و منظور این است که هر یک از دو مفهوم، نسبت به دیگری از جهتی عام است یعنی مصادیقی دارد که مفهوم دیگر ندارد و از جهتی خاص است یعنی مفهوم دیگر، مصادیقی

دارد که این مفهوم ندارد.

دایره‌های مصادیق در عموم و خصوص من وجه، متقاطع است.



یکراه دیگر برای تشخیص نسبت‌های چهارگانه:

می‌توان هر مثالی را در قالب «هر الف ب است و هر ب الف است» بازسازی کرد. اگر هر دو درست بودند (نسبت تساوی)، اگر یکی درست و یکی غلط بود (نسبت عموم و خصوص مطلق) و اگر هر دو غلط بودند نسبت یا تباین یا عموم و خصوص من وجه است مانند:

الف) جسم و دارای مکان

هر جسمی دارای مکان است، هر دارای مکانی، جسم است (هر دو درست، پس تساوی است)

ب) چنار و درخت

هر درختی، چنار است، هر چناری، درخت است (جمله اول غلط و جمله دوم درست است یعنی بعضی درختان چنار هستند، بعضی درختان چنار نیستند اما هر چناری درخت است، پس عموم و خصوص مطلق است)

ج) انسان و درخت

هر انسانی درخت است و هر درختی انسان است (هر دو غلط است زیرا هیچ انسانی درخت و هیچ درختی انسان نیست، پس تباین است)

د) لباس و سبز

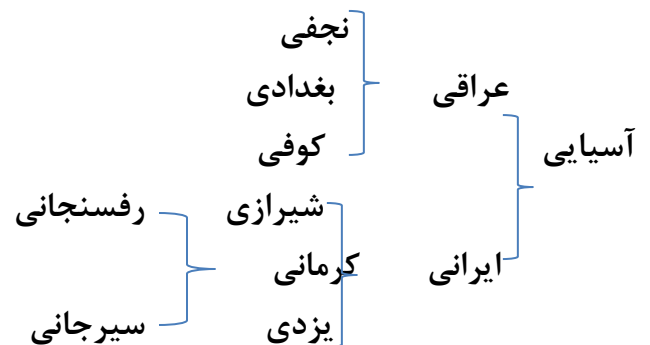
هر لباسی سبز است و هر سبزی لباس است (هر دو غلط است اما لباس سبزرنگ وجود دارد، یعنی بعضی لباس‌ها سبز هستند، بعضی لباس‌ها سبز نیستند، بعضی سبزه‌ها لباس هستند، بعضی سبزه‌ها لباس نیستند پس عموم و خصوص من وجه است)

کاربرد نسبت های 4گانه در طبقه بندی مفاهیم:

- مفاهیم کلی و رابطه میان آنها در بحث تعریف و اقسام قضایا کاربرد دارد .
- در یک طبقه بندی صحیح، از مفهوم عام آغاز می کنیم تا به مفهومی خاص برسیم. لازم است بین مفاهیم هر طبقه با مفاهیم طبقه دیگر نسبت «عموم و خصوص مطلق» و بین اقسام یک طبقه نسبت «تباین» برقرار باشد.

❖ طبقه بندی مفاهیم

- وقتی تعدادی مفاهیم مرتبط باهم داشته باشیم می توانیم آنها را به طور منطقی دسته بندی و سپس طبقه بندی کنیم مثلاً فرض کنیم می خواهیم مفاهیم زیر را طبقه بندی کنیم:
آسیایی - عراقی - نجفی - شیرازی - رفسنجانی - کوفی - یزدی - بغدادی - ایرانی - کرمانی - سیرجانی
نخست مفاهیمی که نسبت بین آنها عموم و خصوص مطلق است را مشخص می کنیم مثلاً:
(آسیایی و ایرانی) - (آسیایی و عراقی) - (عراقی و نجفی) - (عراقی و بغدادی) - (عراقی و کوفی) - (ایرانی و شیرازی) - (سیرجانی و کرمانی) و غیره
در مرحله بعد، مفاهیم عام تر را قبل و مفاهیم خاص تر را بعد از آنها یعنی به عنوان اقسام مفهوم عام تر قرار می دهیم.



- همان طور که ملاحظه می کنید اقسام مختلف یک طبقه با یکدیگر نسبت تباین دارند مانند نجفی و بغدادی یا عراقی و ایرانی و هر طبقه از مفاهیم نسبت به طبقه دیگر رابطه عموم و خصوص مطلق دارند مانند آسیایی و عراقی یا ایرانی و یزدی.

تفاوت کل و کلی

هرگز مفاهیم «کل» و «کلی»؛ «جزء» و «جزئی» را با یکدیگر اشتباه نگیرید. کلی در مقابل جزئی قرار دارد و کل در مقابل جزء. برای فهم تفاوت این دو به این نکات توجه کنید:

1- کل از اجتماع اجزاء خود و پس از شکل‌گیری آن‌ها پدید می‌آید

مثلاً ساعت یک کل است و پس از درست شدن عقربه، صفحه، باطری و... شکل می‌گیرد، اما رابطه کلی با جزئی این‌گونه نیست.

- 2- کل بدون جزء بی‌معناست و با از بین رفتن اجزایش، از میان می‌رود، ولی کلی می‌تواند هیچ مصداق واقعی (خارج از ذهن) نداشته باشد، مانند مفهوم کلی «دریای جیوه» و یا ممکن است مصادیق آن، همه از بین بروند مانند مفهوم «دایناسور»

3- بین کل با هر یک از اجزایش نسبت تباین برقرار است و نه عموم و خصوص مطلق، مثل - «اتومبیل» و «چرخ اتومبیل»

(هیچ اتومبیلی، چرخ اتومبیل نیست و هیچ چرخ اتومبیلی، اتومبیل نیست)

4- کل و جزء می‌توانند هم کلی لحاظ شوند و هم جزئی، مثلاً میز یک کل است و پایه میز، جزء محسوب می‌شود.

حال اگر پرسیده شود مفاهیم میز و پایه میز کلی هستند یا جزئی؟ پاسخ درست، کلی است اما اگر گفته شود این میز یا این پایه میز، این مفاهیم جزئی هستند اما باز هم «این میز» یک کل و «این پایه میز»، جزء محسوب می‌شود

..... پاسخ تمرین‌های کتاب درسی

درس سوم

تمرین ص 21

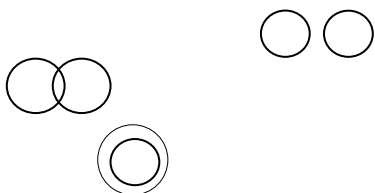
کلی: خداوند- مولود کعبه- درخت- درخت سرو- کتاب- پسر- پسر احمد- مشهد (به معنای محل شهادت) جزئی: الله - حضرت علی علیه‌السلام - این کتاب- آن پسر- مریخ- مشهد (نام شهری در استان خراسان رضوی)

تمرین ص 24

آفریقایی - آسیایی

مسلمان- آسیایی (عموم و خصوص من وجه)

هندی- آسیایی (عموم و خصوص مطلق)





فعالیت تکمیلی ص 26

سؤال 1


جزئی: میدان آزادی، جبرئیل، خوشه پروین، خلیج فارس، ابن سینا، این کلاس، نرگس (اسم خاص)
کلی: عدد، خیابان، نرگس (نوعی گل)

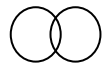
سؤال 2


الف) حافظ نخست جزئی و حافظ دوم کلی است.
ب) بهمن در هر دوموردکلی (پدیده بهمن) و (اسم خاص یک ماه) است.
ج) «نجف اشرف» جزئی و «مرقد امامزادگان» کلی است.

سؤال 3

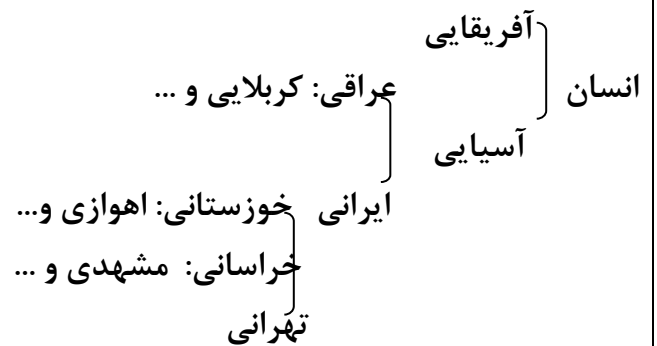
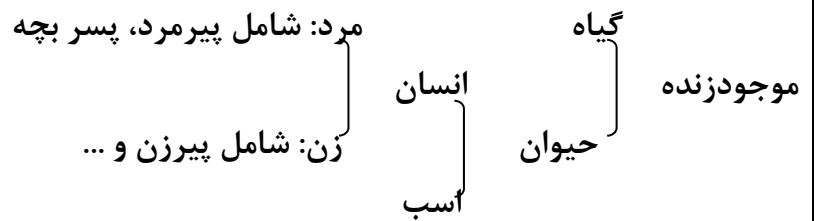
تساوی: عدد قابل تقسیم بر دو-زوج 

تباين: مثلث - دایره، موازی - متقاطع 

عموم و خصوص من وجه: پرنده و سیاه - شاعر و دانش آموز 

عموم و خصوص مطلق: مثلث و شکل، مثلث و مثلث متساوی الاضلاع، شعر و غزل 

سؤال 4



نمونه سوال با پاسخ

📖 به سؤالات پاسخ مناسب دهید:

1) کدام گزینه به «مفهوم» و کدام گزینه به «مصدق» اشاره دارد؟
الف) درک معنای «عدم و نیستی» (ب) این کتاب به زبان فرانسوی است.

2) عبارات زیر به کدام یک از نسبت‌های چهارگانه اشاره دارد؟

الف) دو مفهوم مصداق مشترک ندارند.

1- عموم و خصوص من وجه

ب) فقط یک مفهوم عام تراز مفهوم دیگر است.

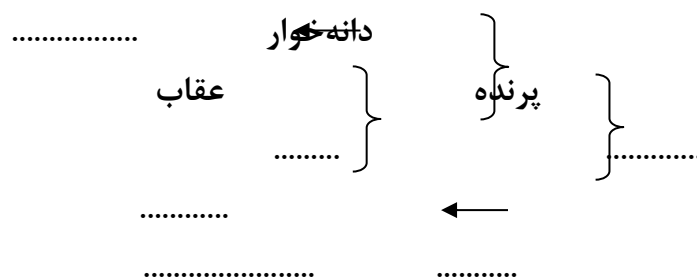
2- تباین

ج) دو مفهوم، فقط بعضی از مصادیقشان مشترک است.

3- عموم و خصوص مطلق

4- تساوی

3) ابتدا مشخص کنید میان کدام یک از مفاهیم پرنده، دانه خوار، عقاب، گوشت خوار، پروانه، حیوان، کبوتر، حشره و کرکس نسبت عموم و خصوص مطلق و میان کدام یک نسبت تباین برقرار است و سپس با کمک مفاهیم ذکر شده، طبقه‌بندی زیر را تکمیل کنید.



4) بین مفاهیم زیر چه نسبتی از نسبت‌های چهارگانه وجود دارد؟ جاخالی را با توجه به همان نسبت تکمیل نمائید.

الف) نقره و فلز (.....)، بعضی فلزات نقره هستند، (.....) نام نسبت (.....)

5) دایره‌های زیر، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه را نشان می‌دهد و بین پاسخ‌های داده شده، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟



ج) نسبت بین «الف» و «ب»

ب)

الف)

.....

6) برای موارد خواسته شده مثال بزنید:

الف) مفهوم کلی‌ای که هم مصادیق متعدد خارجی و هم مصادیق ذهنی دارد.

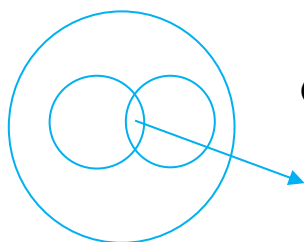
ب) مفهوم کلی‌ای که فقط یک مصداق خارجی دارد.

ج) مفهوم کلی‌ای که هیچ مصداقی در خارج ندارد.

7) میان مفاهیم زیر چه نسبتی از نسبت‌های چهارگانه (نسب اربعه) وجود دارد؟

الف) مفهوم کلی و مفهوم جزئی (ب) علم و تصور (ج) تعریف و استدلال (د) فکر و تعریف (ه) نسبت‌های چهارگانه و تساوی

8) برای هر یک از مفاهیم زیر حداقل دو مصداق بنویسید و سپس مشخص کنید که هر یک از دایره‌های روبرو مربوط به مصادیق کدام یک از مفاهیم ذکر شده می‌باشد؟



1- (شکل) 2- (چهارضلعی) 3- (چهارضلعی قائم‌الزاویه) 4- (قائم‌الزاویه)

شماره 1 شماره 2 شماره 3 شماره 4

9) مفاهیم زیر را از اعم به اخص مرتب کنید و بگویید که هر چه محتوای مفهوم بیشتر باشد تعداد مصادیق بیشتر می‌شود یا کمتر؟

«مدرسه ابتدایی دخترانه»، «مدرسه»، «مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک»، «مدرسه ابتدایی»

10- کدام یک از مفاهیم زیر کلی و کدام یک جزئی است؟

«خیابان حافظ»- «میدان انقلاب»، «ایرانی»، «قاره»، «قاره آسیا»، «عدالت»، «عدالت امام علی علیه‌السلام»، «بهترین دوست من»

11) میان مصادیق «شتر» و «چهارپا» چه رابطه‌ای از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

12) با توجه به جمله (حسن دانش‌آموز باهوش و مؤدبی است) به سؤالات طرح‌شده، پاسخ مناسب دهید:

الف) در عبارت فوق، یک «مفهوم جزئی» و یک «مفهوم کلی» بیابید.

ب)- در عبارت فوق مفاهیمی بیابید که نسبتشان «عموم و خصوص من وجه» باشد.

13) مفاهیم زیر را طبقه‌بندی کنید:

خطاطی، فیلم جنایی، موسیقی، فیلم کمدی، هنرهای تجسمی، نستعلیق، هنر، فیلم

14) با مرور دوباره تعریف جزئی و کلی توضیح دهید که خود مفاهیم جزئی و کلی جزئی هستند یا کلی؟

15) آیا در عبارات زیر «مفهوم» و «مصداق» در جایگاه اصلی خود بکار رفته‌اند؟ اگر چنین نیست عبارات را

تصحیح کنید:

الف) آن کاغذی که پیش رودارید، مفهومی برای لفظ کاغذ است.

ب) در قضیه «سعدی شاعر است»، سعدی یکی از مصداق‌های شاعر است.

16) به ازاء هر یک از عبارتهای زیر چند مورد از نسبت‌های چهارگانه ممکن است برقرار باشد؟

الف) هیچ الف ب نیست ب) هر الف ب است

17) از نسبت دادن دو مفهومی که بینشان رابطه تباین برقرار است، چند قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

18) از نسبت دادن دو مفهومی که بینشان رابطه تساوی برقرار است چند قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

19) حاصل کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه، سه قضیه است؟ مثال بزنید.

20) در کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه است که چهار قضیه به دست می‌آید؟ مثال بزنید.

21) با ذکر مثال و ترسیم شکل (دایره‌ها) مشخص نمایید در کدام‌یک از نسبت‌های چهارگانه مصادیق یک مفهوم عام‌تر از دیگری است.

 جملات را با ذکر دلیل مناسب کامل کنید:

22) «عدد یک» مفهومی جزئی نیست زیرا.....

23) بین دو مفهوم (حجم و مکعب) نسبت «عموم و خصوص مطلق» برقرار است زیرا.....

 جاخالی‌ها را تکمیل کنید:

24) به افراد یا اشیائی که مفهوم بر آن صدق می‌کند گویند.

25) مفهومی که فقط قابلیت انطباق بر یک فرد را داشته باشد گویند.

26) اسامی خاص و هر چه با «این» و «آن» بیاید، بر مفهومی دلالت می‌کند.

27) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که مصداق مشترکی نداشته باشند، نسبتشان است.

28) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که مصداق‌هایشان کاملاً مشترک باشد، نسبتشان است.

29) اگر دایره یکی از مفاهیم بزرگ‌تر از دیگری باشد و تمام مصادیق دیگری را در برگیرد، نسبتشان است.

30) اگر دایره دو مفهوم به‌گونه‌ای باشد که در برخی مصادیق اشتراک داشته باشند، نسبتشان است.

31) با توجه به وجوه میان مفاهیم مشابه و وجوه میان مفاهیم غیرمشابه، مفاهیم را طبقه‌بندی می‌کنیم.

32) رابطه میان دو مفهوم کلی در مبحث و کاربرد دارد.

 درستی یا نادرستی عبارات را مشخص کنید:

33) برخی مفاهیم کلی فقط دارای یک مصداق خارجی می‌باشند و برخی هیچ مصداق خارجی ندارند.

34) میان مصادیق دو مفهوم جزئی نسبت‌های چهارگانه برقرار می‌شود.

35) میان مصادیق دو مفهوم (مغالطه و مغالطه اشتراک لفظ) نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است.

- 36) مفاهیمی مانند «مسجد و نماز» هیچ مصداق مشترکی ندارند.
- 37) وقتی گفته می‌شود مفهوم کلی قابلیت صدق بر افراد متعدد را دارد، به این معناست که حتماً افرادی در خارج دارد.
- 38) بین «صندلی» و «پایه صندلی» نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است.
- 39) بین یک مفهوم کلی و یک مفهوم جزئی مانند «کشور» و «ایران» نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد.
- 40) اقسام مختلف یک مفهوم نسبت به یکدیگر رابطه تباین دارند مانند «موجود و موجود زنده»
- 41) مفاهیم «گره و وحشی» به گونه‌ای هستند که بعضی از مصداقشان غیرمشترک است.
- 42) گاهی اوقات مفاهیم کلی قابلیت انطباق بر افراد واقعی دارد مانند «انسان» و گاهی اوقات بر افراد فرضی و خارجی مانند «شریک خدا»

پاسخ

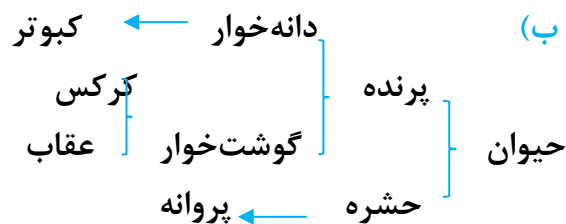
1-الف) مفهوم ب) مصداق

2-الف) تباین

ب) عموم و خصوص مطلق

ج) عموم و خصوص من وجه

3-الف) عموم و خصوص مطلق (حیوان و پرنده، حیوان و حشره، حیوان و دانه‌خوار، حیوان و گوشت‌خوار، گوشت‌خوار و عقاب، حشره و پروانه، حیوان و کبوتر)
تباین (عقاب و کرکس - کبوتر و پروانه، دانه‌خوار و گوشت‌خوار، حشره و پرنده)



4- (هر نقره‌ای فلز است - بعضی فلزات نقره نیستند) نام نسبت (عموم و خصوص مطلق)

5-الف) تباین ب) عموم و خصوص مطلق ج) تباین

(بین نسبت تباین و نسبت عموم و خصوص مطلق، تباین برقرار است)

6-الف) انسان، صندلی، سیاره

ب) اولین امام شیعیان که مصداق واقعی آن حضرت علی علیه السلام است.

ج) کوه یاقوت

7- الف) تباین ب) عموم و خصوص مطلق ج) تباین

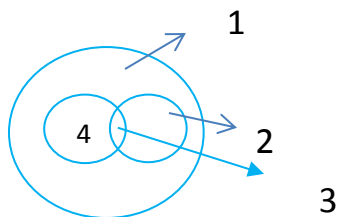
د) عموم و خصوص مطلق ه) عموم و خصوص مطلق

8- شماره 1 (مثلث، دایره، مربع و...)

شماره 2 (مربع، لوزی، ذوزنقه و غیره)

شماره 3 (مربع و مستطیل)

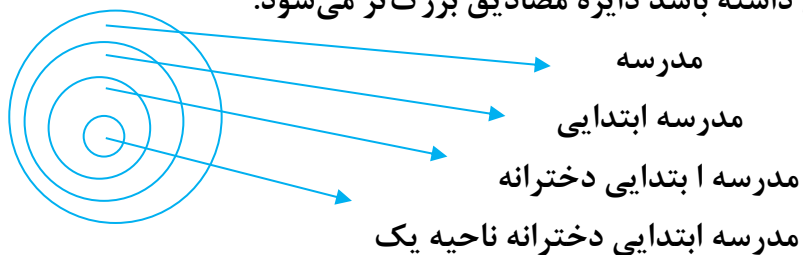
شماره 4 (مثلث قائم الزاویه، مربع، مستطیل و غیره)



9- ترتیب مفاهیم از اعم به اخص عبارت اند از:

مدرسه < مدرسه ابتدایی < مدرسه ابتدایی دخترانه < مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک

هر چه محتوای مفهوم اجزای بیشتری داشته باشد، دایره مصادیق کوچک تر می شود و هر چه مفهوم اجزای کمتری داشته باشد دایره مصادیق بزرگ تر می شود.



10- جزئی (خیابان حافظ، میدان انقلاب و قاره آسیا) کلی (ایرانی - قاره - عدالت - عدالت امام علی - بهترین دوست من)

11- عموم و خصوص مطلق

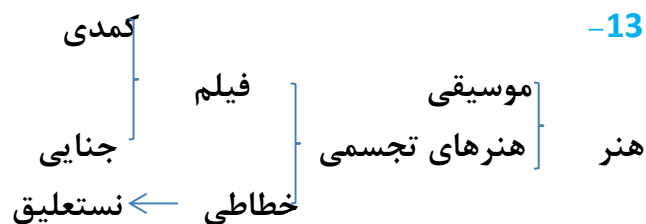
(هر شتری چهارپا است، بعضی چهارپایان شتر هستند، بعضی چهارپایان شتر نیستند).

12- الف) مفهوم جزئی (حسن)

مفهوم کلی (دانش آموز، باهوش، مؤدب، دانش آموز باهوش)

ب) (دانش آموز و باهوش)، (دانش آموز و مؤدب)، (باهوش و مؤدب)

13-



14- خودِ «مفهوم جزئی» و «مفهوم کلی» هر دو کلی اند زیرا مصادیق متعددی دارند. مثال برای مصادیق مفهوم

جزئی: ایران، سهیل، قله اورست

مثال برای مصادیق مفهوم کلی: انسان، خانه، مربع

15- الف) نادرست، لفظ کاغذ مفهومی دارد که آن کاغذ پیش رو، مصداق آن است.

ب) درست

16- الف) هیچ الف ب نیست (بین الف و ب تنها رابطه تباین برقرار است مثلاً هیچ سنگی اسب نیست. بین

سنگ و اسب تباین برقرار است)

ب) هر الف ب است (بین الف و ب ممکن است رابطه تساوی و یا عموم و خصوص مطلق که الف کوچک تر است

برقرار باشد).

17- دو قضیه، مانند نسبت بین دو مفهوم (تعریف و استدلال). هیچ تعریفی استدلال نیست، هیچ استدلالی

تعریف نیست.

18- دو قضیه به دست می آید مانند (مثلث و سه ضلعی).

هر مثلثی سه ضلعی است، هر سه ضلعی مثلث است.

19- در عموم و خصوص مطلق، سه قضیه به دست می آید مانند: (شکل و بیضی). هر بیضی شکل است، بعضی

شکلها بیضی هستند، بعضی شکلها بیضی نیستند.

20- در عموم و خصوص من وجه، چهار قضیه به دست می آید مانند: (کاغذ و سفید). بعضی سفیدها کاغذ

هستند، بعضی سفیدها کاغذ نیستند، بعضی کاغذها سفید هستند، بعضی کاغذها سفید نیستند.

21- نسبت عموم و خصوص مطلق مانند (میوه و گیلان). مصادیق میوه از مصادیق گیلان بیشتر است.

22- می توان افراد متعددی برای آن فرض نمود.

23- مفهوم «حجم» همه مصادیق مکعب را دربرمی گیرد و علاوه بر آن مصادیق دیگری را نیز دربرمی گیرد.

24- مصداق

25- مفهوم جزئی

26- جزئی

27- تباین

28- تساوی

29- عموم و خصوص مطلق

30- عموم و خصوص من وجه

31- اشتراک، افتراق

32- تعریف و اقسام قضایا

33- درست

34- نادرست، این نسبت‌ها میان مصادیق دو مفهوم کلی برقرار می‌شود.

35- نادرست، عموم و خصوص مطلق

36- درست

37- نادرست، زیرا ممکن است مصداق خارجی نداشته باشد.

38- نادرست، تباین برقرار است چون صندلی یک «کل» و پایه آن «جزء» است و بین کل با اجزائش، نسبت تباین برقرار است.

39- نادرست؛ با توجه به کتاب درسی نسبت‌های چهارگانه فقط بین دو مفهوم کلی برقرار می‌شوند. «کشور» کلی و «ایران» جزئی است.

40- نادرست، مانند موجود غیرزنده و موجود زنده

41- درست، نسبتشان عموم و خصوص من وجه است و هر یک از مفاهیم «گره» و «وحشی» هم مصادیق مخصوص به خود دارند و هم مصادیق مشترک.

42- نادرست، کلمه خارجی باید از عبارت حذف شود زیرا «شریک خدا» مفهومی خیالی است و هیچ مصداق واقعی در خارج از ذهن ندارد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درسنامه درس چهارم منطق

پدرام فر

دیرستان حضرت خدیجه (س)

استان ایلام شهرستان چرداول

شهریور ۱۳۹۹

اقسام و شرایط تعریف

در علوم: برای فهم اصطلاحات تخصصی نیاز داریم که در آن علم تعریف شوند

در بحث و گفتگوی میان افراد: چرا که بسیاری از اختلافات در مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریف دقیق از آن هاست. پس به تعریف مشترک نیاز داریم.

در زندگی: یادگیری تعریف و قواعد آن، ما را از خطاهای ذهنی و مغالطات دور می کند.

چرا بحث تعریف اهمیت دارد؟

اقسام تعریف

هرگاه ما در مورد «چیستی» یک مفهوم بپرسیم؛ به چند روش می توانیم به این پرسش پاسخ دهیم.

روش اول

مراجعه به کتاب لغت: معنای آن مفهوم مجهول را می توانیم مطالعه کنیم. هرگاه به کمک

معنای لغوی یک مفهوم را تعریف کنیم به آن «**تعریف لغوی**» می گوییم.

چند نکته:

۱- در تعریف لغوی، «معنای لغوی یک مفهوم» یا « مترادف های آن» و یا «نحوه شکل گیری لغوی آن» بیان می شود.

۲- در تعریف لغوی، از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود.

۳- نام دیگر تعریف لغوی: **تعریف لفظی** است.

نمونه:

طاس چیست: در لغت طشت بزرگ ، نوعی کاسه مسی ، پیاله و..

روش دوم

تعریف از طریق ذکر مصادیق: در این روش نمونه خارجی و مصداق را نشان می دهیم.

نکته:

در این تعریف از نمونه ها یا تصاویری از مصادیق مفهوم مورد نظر استفاده می کنیم. این تعریف در ارتباط با واژگانی مناسب است که بتوان به نحوی مصادیق آن مفهوم را به افراد معرفی کرد.

این تعریف برای مفاهیم انتزاعی به کار نمی رود.

نام دیگر تعریف از طریق ذکر مصادیق: **تعریف به مثال** است.



نمونه: طاس

تعریف مفهومی (تعریف به مفاهیم عام و خاص): ابتدا تعریف را با مفهوم «عام» شروع می کنیم و

سپس مفهوم «خاص» را به کار می گیریم.

روش سوم

مثلت: شکل سه ضلعی

خاص

عام

ترکیب انواع تعریف با یکدیگر: از آنجا که هدف از تعریف کردن، شناساندن مفاهیم و تصورات مجهول برای شنونده است در بیشتر موارد ارائه مجموعه ای از چند نوع مختلف از تعریف، به معرفی بهتر آن مفهوم کمک می کند.

نمونه: انتشارات: جمع انتشار و نشر، سازمانی است که فرآیند تولید کتاب را برعهده دارد. مانند انتشارات مشاوران، سمت و...

ذکر مصادیق

مفهومی

لغوی

لغوی (لفظی)

ذکر مصادیق

مفهومی

اقسام تعریف :

تمرین: ۳۳ : اقسام تعریف های زیر را مشخص کنید.

نبی: لغوی	نبی: ذکر مصادیق	نبی: مفهومی	بیماری های ویروسی: ذکر مصادیق
سوبسید: لغوی	مسجد: مفهومی	خانه: ذکر مصادیق	خفاش: مفهومی
انسان: مفهومی			

واضح بودن: از واژه های آشنا برای شنونده استفاده کنیم تا واضح و قابل فهم باشد. از واژه هایی که درک آنها برای شنونده دشوارتر است استفاده نکنیم. و از مفاهیم روشن و شناخته تر استفاده کنیم.

نمونه: قله: چکاد بیم: قماقم

جامع بودن: تعریف باید تمامی مصادیق آن مفهوم را در بر گیرد. و به عبارتی جامع افراد باشد.

نمونه: مثلث شکلی که دارای سه ضلع مساوی است شامل برخی مثلث مانند مثلث قائم الزاویه نمی شود

مانع بودن: تعریف باید تنها بر مصادیق آن مفهوم صدق کند و بر مصادیق مفاهیم دیگر صدق نکند. و به عبارتی مانع اغیار باشد.

نمونه: تعریف آئینه به شی که نور را منعکس می کند درست نیست زیرا تنها بر آئینه صدق نمی کند و سایر اشیا صیقلی رو شامل می شود.

دوری نبودن: تعریف یک چیز با استفاده از خودش مانند زمان: امری که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری زمان است سنجیده می شود.

شرایط تعریف صحیح

روش تشخیصی برای جامع بودن و مانع نبودن

مفهوم انار شیرین

سوال اول: آیا همه ی انارها شیرین هستند. بله (جامع است) خیر (جامع نیست)

سوال اول برای دریافت جامع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی جامع است جواب خیر شد یعنی جامع نیست

سوال دوم: آیا فقط انار میوه شیرین است. بله (مانع است) خیر (مانع نیست)

سوال دوم برای مانع بودن مطرح می شود. که جواب بله شد یعنی مانع است و جواب خیر شد یعنی مانع نیست.

تمرین ص ۳۶

انسان : حیوان راست قامت:	مانع نیست
زمان: امری است که با ساعت که همان ابزار اندازه گیری است سنجیده می شود:	دوری است
پرنده: حیوانی که پرواز می کند.	جامع نیست
خورشید: سکه طلایی آسمان	واضح نیست
یم: قماقم	واضح نیست

منابع: مجموعه کتابهای هدف دارمنطق دهم انتشارات مشاوران

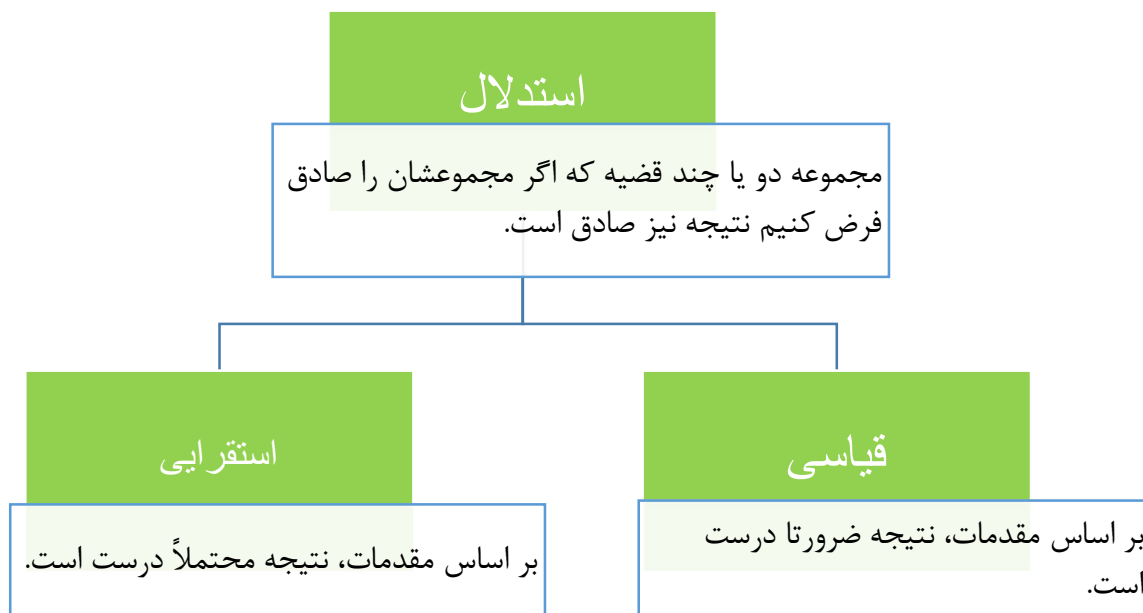
به نام خدا

درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی

آشنایی با استدلال استقرایی و انواع آن

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این درس بتواند استدلال استقرایی را تعریف کند، تفاوتش با استدلال قیاسی را بیان کند. انواع استدلال استقرایی را در مصادیق تشخیص دهد. بتواند توضیح دهد چرا یک استدلال استقرایی اشتباه است.

۱. محتوای درس:



- سرایت دادن ویژگی یک امر به امر دیگر به دلیل مشابهت میان آنها
- مثال: آهن و جیوه فلز هستند. آهن رسانای الکتریسیته است. (احتمالاً) جیوه رسانای الکتریسیته است
- هر چه مشابهت دو امر بیشتر باشد نتیجه قوی تر است
- گاهی موجب مغالطه تمثیل ناروا میشود.
- در این صورت از طریق:
 ۱. توجه به **وجوه اختلاف**
 ۲. یافتن **مثال مخالف** با آن مقابله میکنیم.

استقرای تمثیلی

- صدور حکم کلی بر اساس مشاهده چند مورد جزئی با نمونه تصادفی
- مثال: در بررسی ۳۰ دبیرستان از ۱۵۰ دبیرستان، مشخص شد ۶۰ درصد دانش آموزان افت تحصیلی داشته اند. پس ۶۰ درصد دانش آموزان این شهر افت داشته اند.
- شرایط استقرای تعمیمی قویتر:
 ۱. نمونه ها تصادفی باشند
 ۲. دربردارنده همه طیفهای جامعه باشند.
 ۳. تعداد نمونه ها متناسب با تعداد کل جامعه آماری باشد.

استقرای تعمیمی

- با بررسی احتمال های مختلف، تبیین های اشتباه را حذف میکنیم تا بهترین تبیین را پیدا کنیم.
- مثال: موقع خروج از خانه معمولاً در خانه را قفل میکنم. این بار در را باز میکنم و میبینم قفل نیست. آیا دزدی به خانه آمده است؟ آیا کس دیگری که کلید داشته به خانه آمده است؟ آیا این بار فراموش کرده بودم در را قفل کنم؟ (بهترین تبیین را بر اساس شواهد انتخاب میکنیم) چون چیزی از خانه کم نشده و فرد دیگری هم نیست پس احتمال سوم درست است.

استنتاج بهترین تبیین

۲. نمونه سوال های بیشتر:

با توجه به قواعد درس استدلال استقرایی بیان کنید: الف. نوع استدلال چیست؟ ب. آیا صحیح است یا ناصحیح و ج. چرا؟

۱. معلم: مگر نگفته بودم که کاغذ تقلب به جلسه امتحان نیاورید!

دانش آموز: آقا اجازه! این یادداشتهای من است؛ اما من از آن استفاده نکردم!

معلم: این حرف تو مثل این است که کسی با اسلحه وارد بانک شود و چون او را به حرم سرقت مسلحانه دستگیر کنند بگوید: «من که به کسی شلیک نکردم!»

۲. تمام محصولات این کارخانه تولید وسایل الکترونیکی دچار نقص فنی است. این هفته یک گوشی تلفن را که از تولیدات این کارخانه بود خریداری کردم و متوجه شدم صدا را خیلی ضعیف به آن طرف منتقل می کند، به طوری که باید داد بزیند. سال گذشته هم از این کارخانه رادیو ضبطی خریدم که موج MW را نمیگرفت و بسته بندی آن هم به خوبی انجام نشده بود.

۳. پژوهشگران ژاپنی در یک سلسله تحقیقات گسترده متوجه این حقیقت شدند که افزایش آپارتمان نشینی در شهرهای مختلف ژاپن موجب افزایش طلاق میشود. محققان یک موسسه پژوهشی که در موضوعات مختلف اجتماعی در کشور ژاپن تحقیق می کند، به طور اتفاقی به این حقیقت پی بردند و متوجه شدند که نمودار افزایش آپارتمان نشینی و افزایش طلاق در دو دهه گذشته تقریباً همیشه با یکدیگر منطبق بوده اند.

۴. مدیریت دبیرستان برای برگزاری کلاسهای فوق برنامه، پرسش نامه ای را با پاسخ بله یا خیر تنظیم کرد که می پرسید آیا مایل به شرکت در کلاسهای فوق برنامه هستید یا خیر. این پرسشنامه در اختیار ۵۰۰ دانش آموز قرار گرفت. ۱۸۴ پاسخنامه به دفتر مدیریت تحویل داده شد که ۱۲۸ نفر (حدود ۷۰ درصد) پاسخ بله داشت. مدیر نتیجه گرفت که ۷۰ درصد دانش آموزان در کلاسهای فوق برنامه ثبت نام خواهند کرد.

۵. من معتقدم که مصرف چای به خاطر اینکه نیکوتین آرامش بخش دارد برای سلامتی مضر است؛ پس پیشنهاد میکنم همان طور که روی پاکتهای سیگار تذکر داده میشود که مصرف دخانیات برای سلامتی مضر است، چنین جمله ای بر روی پاکتها و جعبه های چای نیز درج شود.

۶. خانم الف مسئول سازمان حمایت از کودکان شده است، ولی خودش هیچ بچه ای ندارد. این جریان مثل این است که یک قصاب را مسئول انجمن حمایت از حیوانات کنند.

۳. پاسخ تمرینها:

۱. استقرای تمثیلی. صحیح نیست. برگه یادداشت مثل اسلحه نیست چون اسلحه قابلیت کشتن دیگران را دارد ولی برگه ندارد. (وجه اختلاف) بلکه میتواند مثل کارت شناسایی فرد دیگری باشد که شخصی که وارد بانک شده آن را همراه دارد، اما به جای کارت خودش تحویل متصدی باجه بانک نمیدهد. (تمثیل مخالف)
۲. استقرای تعمیمی. صحیح نیست. زیرا فقط دو وسیله از یک کارخانه در یک مدت طولانی خریداری شده است درحالی که کارخانه سالانه هزاران دستگاه مختلف تولید میکند. پس تعداد نمونه ها با جامعه آماری تناسب ندارد.
۳. استقرای تعمیمی. صحیح نیست. زیرا نمونه های تصادفی و از اقشار مختلف جامعه گردآوری نشده است.
۴. استقرای تعمیمی. صحیح نیست. زیرا نمونه ها با جامعه آماری تناسب ندارد و حدود ۳۰۰ دانش آموز اصلا پاسخنانه تحویل نداده اند.
۵. استقرای تمثیلی. صحیح نیست. زیرا نیکوتین چای به اندازه مواد مضر سیگار نیست. مثل این است که بگوئیم چربی کره هم موجب ضرر به بدن میشود پس روی بسته کره بنویسیم برای سلامتی مضر است.
۶. استقرای تمثیلی. صحیح نیست. زیرا قصاب به گوسفندان آسیب میزند اما سازمان حمایت از کودکان نهایتا کمکی به کودکان نمی کند نه اینکه آسیب بزند. به علاوه اینکه برای حمایت از کودکان حتما باید مادر بود مثل این است که بگوئیم برای حمایت از حیات وحش حتما باید گیاه خوار بود.

منبع: کتاب منطق کاربردی، تألیف علی اصغر خندان، انتشارات سمت

تهیه: فاطمه عظیمی

دبیر فلسفه و منطق منطقه ۱۹ تهران

قضیه حملی

جملات دودسته‌اند: خبری و انشایی

جملات، خبری در مورد عالم واقع می‌دهند و خود این جملات نیز دو دسته‌اند: بامعنا مثل «برف سفید است.» بی‌معنا مثل «رنگ صدا قرمز است»

جملات انشایی، خبری در مورد عالم واقع نمی‌دهند این جملات عبارتند از: امر، نهی، تعجب، استفهام (سوالی) و... مثل ۱- درس بخوان ۲- از قانون سرپیچی نکن، ۳- به به چه غذای خوشمزه‌ای (تعجب) ۴- آیا باران می‌بارد؟

به جملات خبری با معنا، قضیه گفته می‌شود و می‌توانیم درباره صدق (درستی) یا کذب (نادرستی) آنها سخن بگوییم. یعنی می‌توانیم بگوییم صادق (درست) است یا کاذب (نادرست) است. اما در مورد جملات انشایی نمی‌توان گفت درست است یا نادرست، چون در مورد چیزی خبر نداده که بگوییم این خبر درست است یا نادرست.

اقسام قضیه

به قضایای زیر توجه کنید:

- هر مثلثی سه ضلعی است.

- اگر شکلی مثلث باشد، آنگاه سه ضلع خواهد داشت.

در قضیه نخست ویژگی سه ضلع داشتن به مثلث نسبت داده شده است و در قضیه دوم این مطلب به صورت مشروط بیان شده است، بنابراین قضیه دو قسم است:

۱- قضیه حملی: به ثبوت چیزی برای چیزی حکم شده مثل زمین کروی است. ثبوت یعنی داشتن، پس در این مثال حکم کردیم که زمین ویژگی کروی را دارد یا به نفی چیزی از چیزی حکم شده است. مثل برف سیاه نیست. نفی یعنی نداشتن پس در این مثال حکم کردیم که برف ویژگی سیاه را ندارد.

۲- قضیه شرطی: حکم به اتصال دو نسبت می‌کند مثل: اگر تلاش کنی موفق می‌شوی.

«اگر تلاش کنی» یک نسبت قضیه

«موفق می‌شوی» نسبت دیگر قضیه

حکم به انفصال دو نسبت می‌کند. یا عدد زوج است یا عدد فرد است.

«یا عدد زوج است» یک نسبت قضیه
 «یا عدد فرد است» نسبت دیگر قضیه
 در درس ۹ با اقسام قضیه شرطی بیشتر آشنا خواهید شد.

قضیه حملی

قضایای حملی همان جملات خبری در ادبیات هستند. در منطق به نهاد جمله «موضوع»، به مسند آن «محمول» و به فعل ربطی (اسنادی) «رابطه» می‌گویند.

است	درس خوان	دانش آموز	
فعل ربطی	مسند	نهاد	اجزای قضیه در ادبیات
رابطه (نسبت)	محمول	موضوع	اجزای قضیه در منطق

نکته: موضوع آن چیزی است که از آن خبر می‌دهیم.

محمول چیزی است که بوسیله آن خبر می‌دهیم.
 گاهی ممکن است موضوع، اول قضیه نیاید. با استفاده از نکته فوق به راحتی می‌توان موضوع و محمول را تشخیص داد مثل: پایتخت ایران تهران است.

در قضیه فوق از تهران خبر داده شده است، بنابراین تهران موضوع است هر چند در ابتدای قضیه نیامده است. برای تشخیص موضوع و محمول می‌توان سوال کرد چه چیز، چه چیز است؟

همین سوال را در مورد قضیه فوق به کار ببریم، جواب به صورت زیر است، «تهران پایتخت ایران است»

اگر فعل ربطی مثبت باشد، آن قضیه را موجبه می‌گویند مثل: «انسان عالم است» و اگر فعل ربطی منفی باشد آن قضیه را سالبه می‌گویند، مثل: «درخت سنگ نیست»

اقسام قضیه حملی

در درس سوم دانستیم که مفهوم یا جزئی است یا کلی، اگر موضوع قضیه، مفهوم جزئی باشد، آن قضیه شخصی است مثل: «تهران پایتخت ایران است»، «این میز تمیز نیست»؛ چون «تهران» و «این میز» تصور جزئی‌اند، دو قضیه فوق شخصی است.

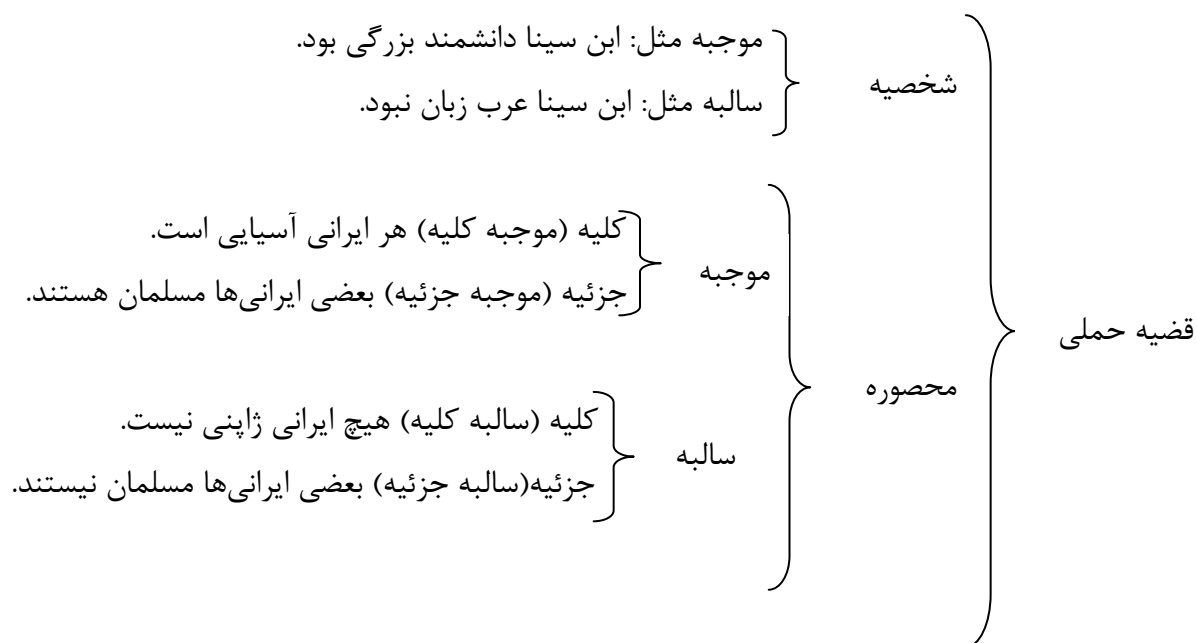
اگر موضوع قضیه تصور کلی باشد، آن قضیه را محصوره می‌گویند در این حالت قیدی بر سر موضوع می‌آید تا تعداد افراد و مصادیق موضوع را مشخص کند که به آن «سور» می‌گویند، سور «هر» و «هیچ» بیانگر تمام افراد موضوع هستند و سور «بعضی» بیانگر تمام افراد موضوع نیست.

نکته

۱- قضیه حملی بر اساس موضوع به شخصیه (موضوعش تصور جزئی است) و محصوره (موضوعش تصور کلی است) تقسیم می‌شود.

۲- قضیه حملی (چه شخصیه و چه محصوره) بر اساس فعل ربطی به موجبه و سالبه تقسیم می‌شود.

۳- قضیه محصوره بر اساس سور به کلیه و جزئیه تقسیم می‌شود. با توجه به نکات فوق تقسیم‌بندی قضیه حملیه به صورت زیر است.



مسلم غلامحسینی

استان مرکزی

درس هفتم منطق دهم
دبیر: سعیده ملا اسماعیلی

دبیرستان دخترانه زینبیه
آموزش و پرورش ناحیه ۲ یزد



احكام قضايا



- در درس ششم منطق خواندیم که قضیه ی محصوره به چهار دسته تقسیم می شود
- موجه ی کلیه : هر انسانی متفکر است
- موجه ی جزئیه: بعضی انسانها متفکر هستند
- سالبه ی کلیه:هیچ انسانی متفکر نیست
- سالبه ی جزئیه: بعضی انسانها متفکر نیستند
- اگر به یاد داشته باشید در مبحث قضایا گفتیم که می توان در مورد صدق و کذب قضایا قضاوت کرد یعنی گفت کدام درست است و کدام غلط است

هر فلزی رسانا است

فلز: موضوع

رسانا: محمول

صادق

بعضی فلزها رسانا هستند

فلز: موضوع

رسانا: محمول

کاذب

هیچ فلزی رسانا نیست

فلز: موضوع

رسانا: محمول

کاذب

بعضی فلزها رسانا نیستند

فلز: موضوع

رسانا: محمول

کاذب

اگر دقت کنید قضایای که مثال زدیم دارای موضوع و محمول

های یکسان هستند اما سور و کیف آنها با هم فرق دارد

به تغییراتی که در کم و کیف قضیه هایی که دارای موضوع و

محمول یکسان دارند اتفاق می افتد احکام قضایا می گویند

احکام قضایا به چهار دسته تقسیم می شود

تناقض

تضاد

تداخل

تداخل تحت تضاد

احکام قضایا

```
graph LR; A[تناقض] --- B[احکام قضایا]; C[تضاد] --- B; D[تداخل] --- B; E[تداخل تحت تضاد] --- B;
```

تناقض

تناقض زمانی اتفاق می افتد که در دو قضیه ای که موضوع و محمول آنها یکسان هست هم کیفیت قضیه (موجبه و سالبه بودن) ، هم کمیت قضیه (کلی و جزئی بودن) آنها را تغییر دهیم

پس در رابطه ی تناقض هم کیف عوض می شود هم کم!!

مثال: هر درختی گیاه است ← بعضی درختها گیاه نیستند

دقت کنید که سور کلی قضیه تبدیل به جزئی شد و قضیه موجبه تبدیل به سالبه

شد

رابطه ی تناقض در قضایای محصوره

پس رابطه ی تناقض در قضایای محصوره به این صورت است:

موجبه ی کلیه ← **سالبه ی جزئی**

هر انسانی متفکر است ← بعضی انسانها متفکر نیستند

موجبه جزئی ← **سالبه ی کلیه**

بعضی گیاهان سمی هستند ← هیچ گیاهی سمی نیست

سالبه ی کلیه ← **موجبه ی جزئی**

هیچ کتابی مفید نیست ← بعضی کتابها مفید هستند

سالبه ی جزئی ← **موجبه ی کلیه**

بعضی میوها شیرین نیستند ← هر میوه ای شیرین است

رابطه ی تناقض در قضیه ی شخصیّه

در رابطه ی تناقض در قضیه های شخصیّه فقط و فقط و فقط نسبت (کیفیت،
موجبّه و سالبه بودن) قضیه را تغییر می دهیم ؛ چون در قضیه شخصیّه
، موضوع قضیه مشخص و معین است و کمیت مطرح نیست ؛ فقط کیف قضیه را
عوض می کنیم (روی این نکته خوب دقت کنید)

سالبه ی شخصیّه

تناقض

موجبّه ی شخصیّه

مریم درس خوان نیست

تناقض

مریم درس خوان است



رابطه ی صدق و کذب در تناقض

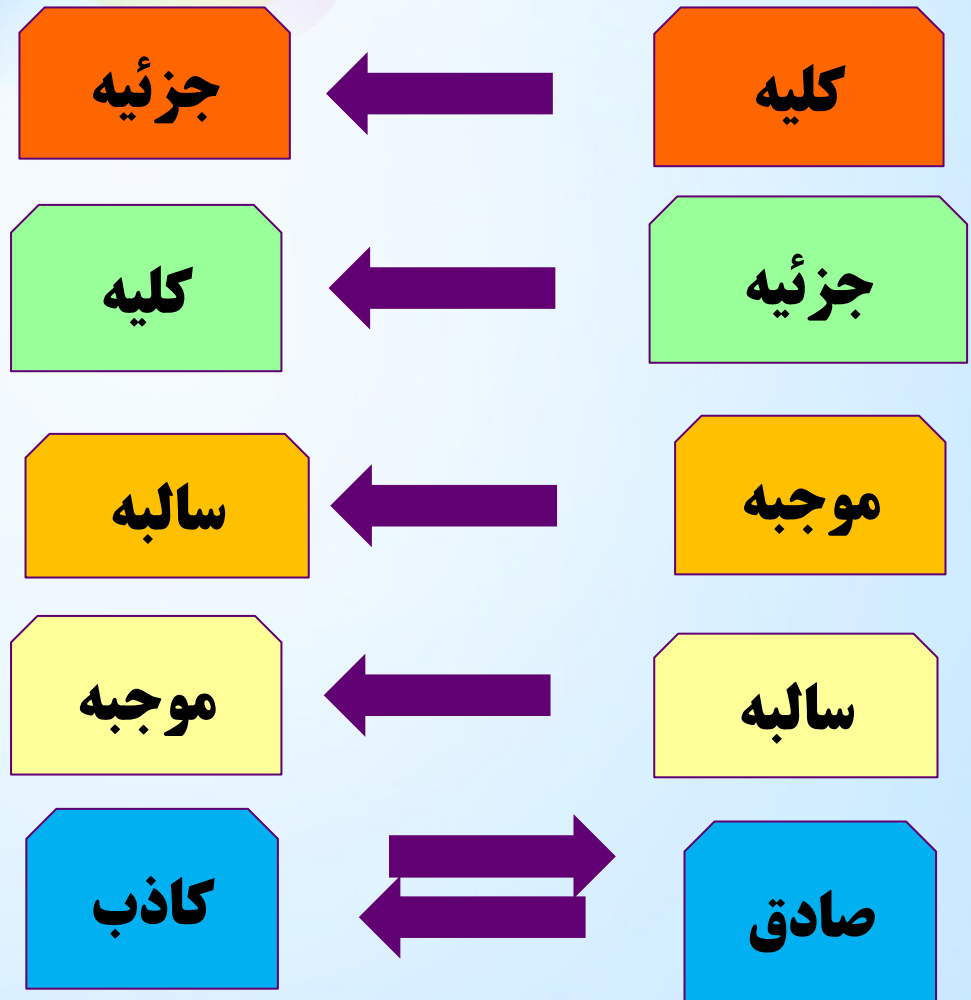
در رابطه ی تناقض بین دو قضیه ؛ اگر یکی از قضیه **صادق** باشد؛ حتماً حتماً قضیه ی دیگری **کاذب** است و اگر یک قضیه **کاذب** باشد؛ حتماً حتماً قضیه ی دیگری **صادق** است

محال و غیر ممکن است که هر دو قضیه صادق و درست باشند!! همچنین محال است که هر دو قضیه کاذب و غلط باشند

اگر قضیه ای صادق باشد حتماً تناقض آن کاذب است و اگر قضیه ای کاذب باشد تناقض آن حتماً صادق است

صادق \longleftrightarrow کاذب

پس در تناقض:



تضاد

رابطه ی تضاد؛ فقط بین دو قضیه ی کلی برقرار می شود، در تضاد؛ به هیچ وجه ، هرگز ، هرگز ، هرگز قضیه ی جزئی نداریم در رابطه ی تضاد فقط و فقط کیفیت (موجب و سالبه بودن فعل) قضیه را تغییر می دهیم و کاری به کمیت (سور کلی و جزئی بودن) آن نداریم چون سور دو قضیه متضاد همیشه کلی است

هیچ انسانی متفکر نیست
(سالبه ی کلیه)

تضاد (متضاد)

هر انسانی متفکر است
(موجبه ی کلیه)

پس دقت کنید که :::::::::::

**تضاد فقط در قضیه های موجبه کلیه و سالبه
کلیه است!!!!!!!**

**ما در رابطه ی تضاد به هیچ وجه با موجبه جزئیه
و سالبه جزئیه سر و کار نداریم!!!!!!!**

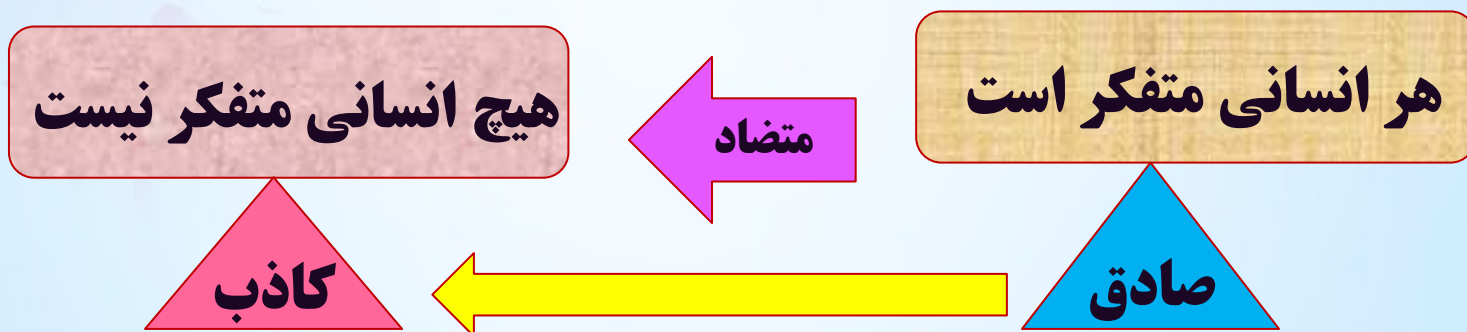
**دقت کنید که تضاد فقط و فقط و فقط در قضیه هایی اتفاق می افتد
که سور آنها کلی باشد (به علامت فلش دقت داشته باشید)**



**هر گاوی علفخوار است ← تضاد ← هیچ گاوی علفخوار نیست
پس ؛؛ فقط با تغییر کیفیت قضیه ی کلی به قضیه ی متضاد آن می رسیم**

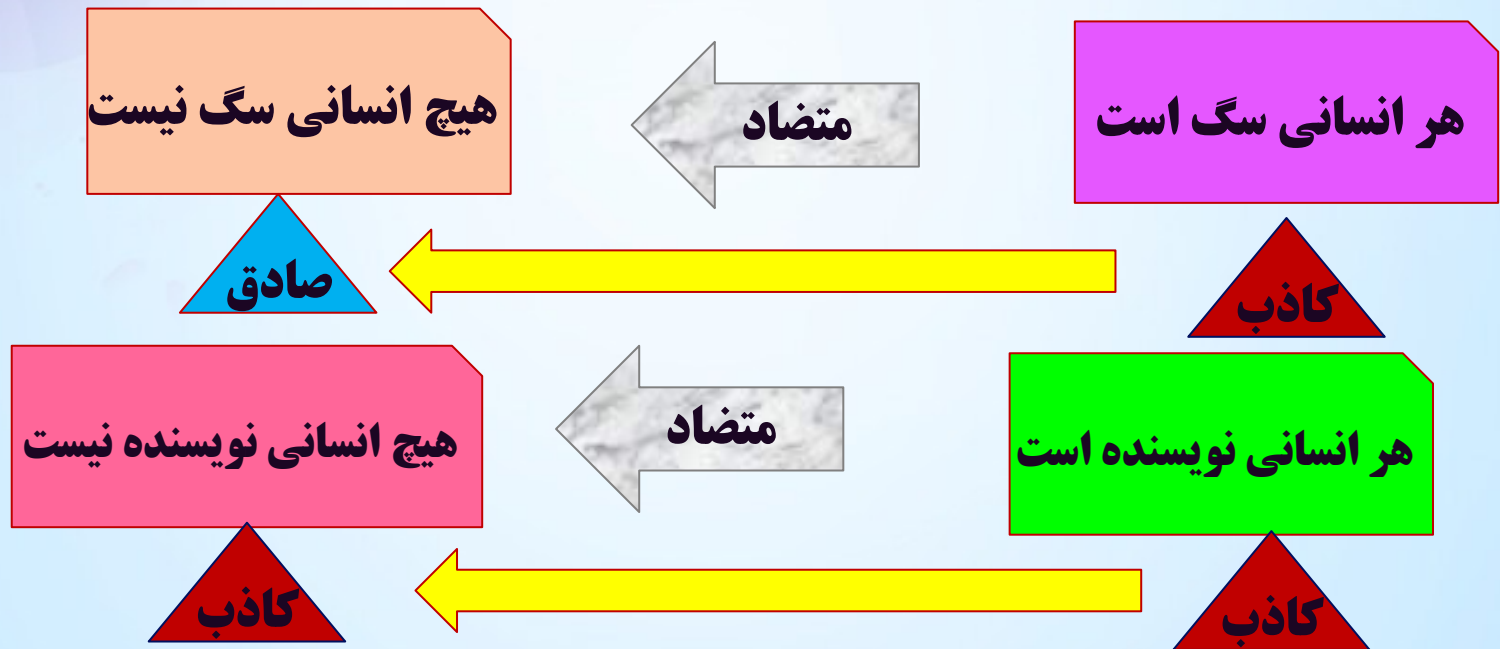
صدق و کذب در رابطه ی تضاد

در رابطه ی تضاد بین دو قضیه؛ اگر قضیه ی اول صادق و درست باشد؛ قضیه ی دوم حتماً حتماً غلط و کاذب است



دقت کنید قضیه ی اول درست و صادق است؛ پس قضیه ی متضاد آن ضرورتاً کاذب و غلط است (به علامت فلش توجه کنید قضیه ای که قبل از فلش قرار دارد اصل قضیه است و قضیه بعد از فلش نتیجه ی قضیه است)

اما اگر قضیه ی اول کاذب و دروغ باشد؛ صادق و کاذب بودن قضیه دوم نامعلوم است؛ چون گاهی اوقات متضاد قضیه صادق و درست و گاهی اوقات متضاد قضیه کاذب و غلط می شود ، به همین دلیل به هیچ وجه از کذب اصل قضیه نمی توان به صدق یا کذب متضاد آن پی برد



دقت کنید در مثال اول اصل قضیه کاذب و متضاد آن صادق شده اما در مثال دوم اصل قضیه کاذب و متضاد آن هم کاذب شده!!!!!!!

در منطق به دنبال یک قانون کلی هستیم ؛ در تضاد از صادق بودن
به کاذب بودن می رسیم اما از کاذب بودن به صادق بودن نمی
رسیم

پس براین اساس در قضیه ای که اصل آن **کاذب** باشد خیال خود را
راحت می کنیم و می گوئیم **متضاد آن نامعلوم است!!!**

کاذب



صادق

نامعلوم (?)



کاذب

تداخل

در تداخل فقط کمیت (سور جزئی و کلی بودن) قضیه را تغییر می دهیم اما کیفیت قضیه را به هیچ وجه تغییر نمی دهیم
پس؛ هر گاه کیفیت (موجب و سالبه بودن قضیه) قضیه را تغییر ندهیم و فقط کمیت را تغییر دهیم به قضیه متداخل دست یافته ایم

بعضی فلزها رسانا هستند

تداخل

هر فلزی رسانا است

بعضی مربعها مثلث نیستند

تداخل

هیچ مربعی مثلث نیست

تداخل قضیه های محصوره به این صورت است



صدق و کذب در تداخل

در تداخل بین دو قضیه به دقت توجه کنید

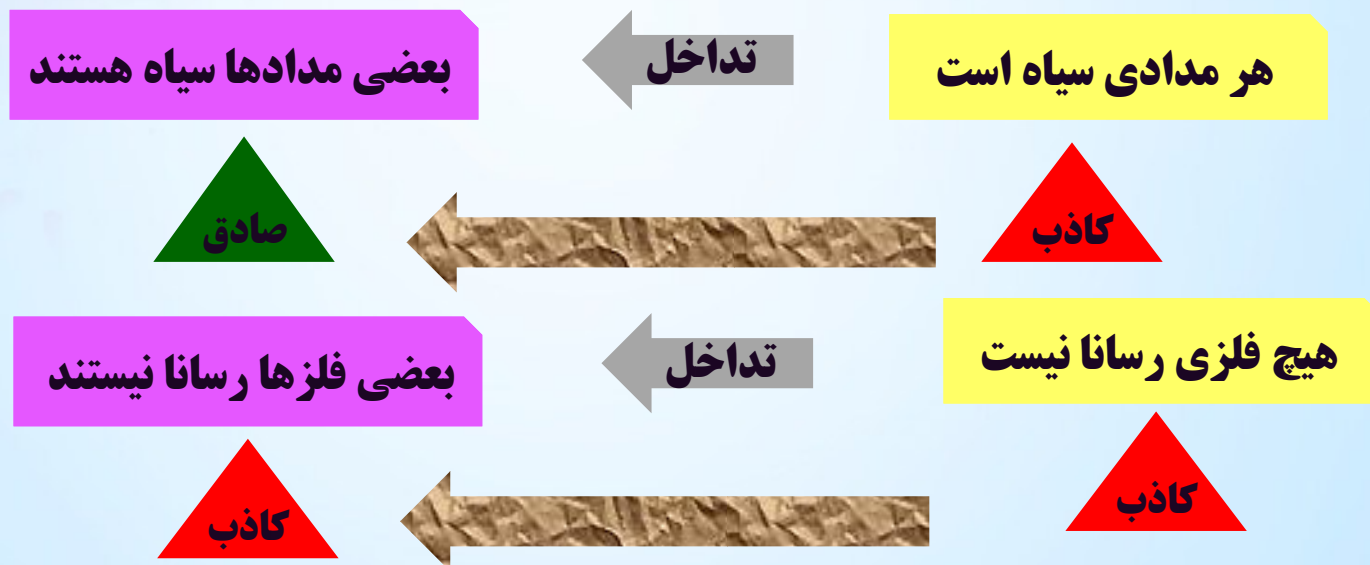
❖ اگر اصل قضیه کلی باشد (یعنی سور آن کلیه باشد) و درست و صادق باشد؛ قضیه
ی متداخل آن هم صادق است



❖ یعنی اگر مجموعه ای به صورت کلی صادق باشد و ما از کل مجموعه چند مورد
را انتخاب کنیم و در مورد آنها حکم دهیم باز هم صادق است!!!

❖ پس: در تداخل صدق کلی همیشه صدق جزئی را به دنبال دارد!!!

❖ در تداخل؛ اگر اصل قضیه کلی (موجه ی کلی، سالبه ی کلی) باشد و کاذب و غلط باشد؛؛ قضیه ی متداخل آن نامعلوم است یعنی قضیه متداخل آن در این حالت گاهی درست و صادق و گاهی غلط و کاذب می شود (به همین دلیل با وجود شرایط بالا با خیال راحت می گوئیم صدق و کذب قضیه ی متداخل در این حالت نامعلوم است)



❖ پس در تداخل از کذب کلی نمی توان به نتیجه ای مشخص دست یافت

در تداخل بین دو قضیه ، اگر اصل قضیه ، جزئی (موجه ی جزئی ، سالبه ی جزئی) باشد و صادق باشد قضیه ی متداخل آن نیز نامعلوم است چون گاهی اوقات صادق و گاهی کاذب است

مانند:

هر فلزی رسانا است

صادق

بعضی فلزات رسانا هستند

صادق

اما گاهی اوقات از صدق جزئی به کذب کلی می رسیم که این قانون غلط است:

هر دانش آموزی تنبل هست

کاذب

بعضی دانش آموزان تنبل هستند

صادق

پس در تداخل از صدق جزئی به صدق کلی نمی رسیم و نمی توانیم حکمی صادر کنیم

در تداخل هر گاه قضیه ، جزئی (موجه ی جزئی، سالبه ی جزئی) باشد و کاذب باشد ؛ قضیه ی متداخل آن که کلیه می شود ، هم کاذب است



مثال نقض

در تداخل از کذب کلی به کذب کلی نمی توان حکمی را صادر کرد و قانون کلی نداریم

اما از کذب جزئی به کذب کلی می رسیم

مانند: بعضی فلزات رسانا هستند هیچ فلزی رسانا نیست

در منطق ، در تمام موارد اگر جزئی کاذب باشد ، کلی هم کاذب می شود که به این حالت مثال نقض می گوئیم

یعنی اگر بخواهیم کلیت یک قضیه را نقض کنیم کافی است یک یا دو مورد کاذب از آن مثال پیدا کنیم و کل آن حکم را زیر سؤال ببریم به همین دلیل از کذب جزئی کذب کلی نتیجه به دست می آید

مثلاً اگر ادعا کنیم که میوه های این باغ همه انار شیرین و سالم هستند ، شخصی یک انار فاسد پیدا کند و بگوید این انار فاسد است ، پس این انارها فاسد هستند

**پس؛ در مثال نقض ؛ حکم کلی را به وسیله ی آوردن یک مثال
باطل می کنیم**

**فردی بگوید هیچ کتابی بیشتر از ۲۰۰ صفحه ندارد ، ما در جواب
بگوییم . کتاب منطق ما ۱۱۸ صفحه دارد (به راحتی می توانید مثالهای
مختلف بزنید سعی کنید چند مثال زیبا بزنید)**

مغالطه ی استثنای قابل چشم پوشی

**اگر کسی قضیه ای را به طور کلی مطرح کند و ما برای آن مثال نقض بیاوریم ،
برای آن استثنا بیاوریم و او استثنا را قبول نکند به آن مغالطه ی استثنای قابل
چشم پوشی گفته می شود**

**مثال: در یک رستوران صاحب رستوران تبلیغ کند که همه ی مشتریان از کیفیت غذای ما راضی
هستند. شخصی بگوید: پس چرا دیروز یک نفر اعتراض کرد؟**

صاحب رستوران جواب بدهد: او یک استثنا هست!

**پس: هرگاه برای ادعایی به صورت کلی مطرح شود، یافتن یک مثال نقض آن
حکم کلی را باطل می کند، در صورتی که با وجود پیدا شدن استثنایی در یک
حکم کلی همچنان بر حکم خود اصرار کنیم دچار مغالطه ی استثنای قابل**

چشم پوشی شده ایم

تداخل تحت تضاد

در تداخل تحت تضاد سور هر دو قضیه جزئی است و فقط و فقط نسبت بین دو قضیه را تغییر می دهیم

بعضی در ختان میوه دار نیستند

تداخل تحت تضاد

بعضی در ختان میوه دار هستند

در مورد صدق و کذب تداخل تحت تضاد

اگر اصل قضیه صادق باشد؛ تداخل تحت تضاد آن نامعلوم است و اگر اصل قضیه کاذب و غلط باشد تداخل تحت تضاد آن صادق است

عکس مُستوی

در صورتی که جای موضوع و محمول قضیه ی حملی را تغییر دهیم ؛ عکس مُستوی آن قضیه به دست می آید

دقت کنیم در عکس مستوی به هیچ وجه کیفیت قضیه (موجب و سالبه بودن قضیه) را تغییر نمی دهیم فقط و فقط و جای موضوع و محمول را عوض می کنیم



در مثال بالا دقت کنید : جای موضوع و محمول عوض شد اما کیف قضیه تغییری نکرد

صدق و کذب و سور در عکس مستوی

- ❖ در عکس مستوی **صدق و کذب قضیه تغییری نمی کند** ، یعنی اگر اصل قضیه **صادق** باشد ؛ عکس مستوی آن نیز **صادق** است و اگر اصل قضیه **کاذب** باشد باید عکس مستوی آن نیز **کاذب** باشد (به این نکته خوب دقت کنید)
- ❖ در عکس مستوی **کمیت قضیه (سور کلی و جزئی) تغییر نمی کند** و سور در همه قضایا به صورت یکسان است ، جز در «**موجبه کلیه**»
- ❖ **فقط و فقط و فقط در موجبه کلیه کمیت و سور آن به جزئی تغییر می کند** ؛ به این دلیل که اگر در عکس مستوی موجبه ی کلی ؛ سور قضیه به صورت کلی باشد **صدق و کذب قضیه دچار اشکال می شود** به همین دلیل عکس مستوی موجبه ی کلی به موجبه ی جزئی تغییر می کند

عکس مستوی در قضایای محصوره

رابطه ی عکس مستوی در قضایای محصوره به این صورت است:

موجبه ی جزئیّه

عکس مستوی

موجبه ی کلیه

موجبه ی جزئیّه

عکس مستوی

موجبه ی جزئیّه

سالبه ی کلیه

عکس مستوی

سالبه ی کلیه

عکس لازم الصدق ندارد

عکس مستوی

سالبه ی جزئیّه

مثال در مورد عکس مستوی در قضایای محصوره

چند مثال در مورد عکس قضایای محصوره

بعضی شکله مثلث هستند

عکس مستوی

هر مثلثی شکل است

بعضی شیرین ها میوه هستند

عکس مستوی

بعضی میوه ها شیرین هستند

هیچ اسبی گاو نیست

عکس مستوی

هیچ گاو اسب نیست

عکس لازم الصدق ندارد

عکس مستوی

بعضی رنگها سبز نیستند

نکته مهم

در عکس مستویِ سالبه جزئیة چون اکثر اوقات در
صدق و کذبِ عکس قضیه مشکل به وجود می آید و
قضیه از نظر صادق و کاذب بودن دچار اشکال می
شود؛ به همین خاطر در مورد سالبه ی جزئیة به هیچ
وجه عکس نمی گیریم

مغالطه ی ایهام انعکاس

در صورتی که در جابجا کردن اجزای قضیه ، قاعده ی عکس مستوی را به درستی رعایت نکنیم دچار مغالطه ی ایهام انعکاس می شویم
مثلا در عکس مستوی موجهه کلیه قاعده ای را که ذکر کردیم را رعایت نکنیم و عکس موجهه کلیه را به صورت موجهه ی کلیه بگیریم
یا اینکه از سالبه ی جزئیه که عکس لازم الصدق ندارد، عکس مستوی بگیریم

همه درختان گیاه هستند ← عکس مستوی همه ی گیاهان درخت هستند

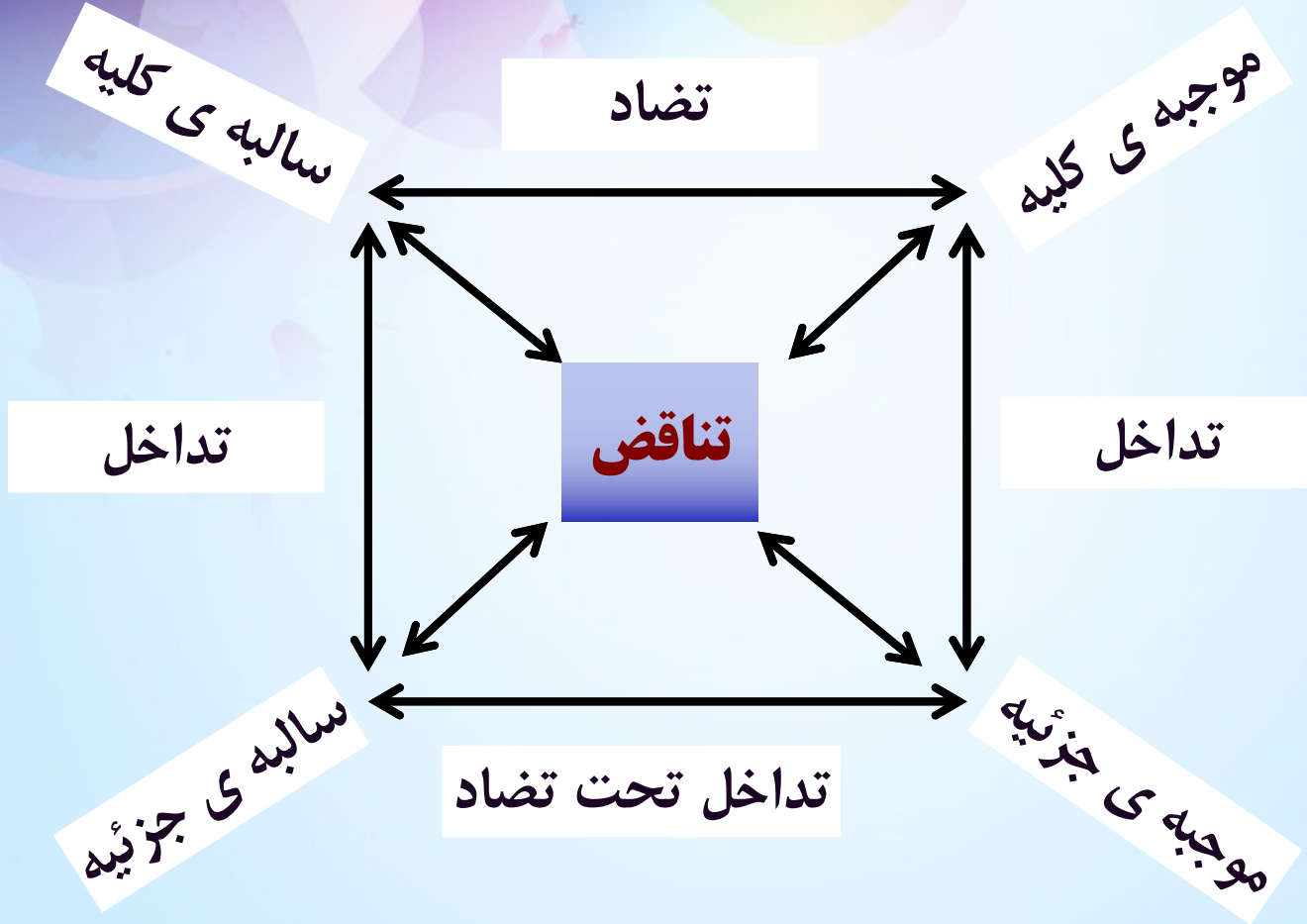
مغالطه ی ایهام انعکاس : چون عکس موجهه کلی : موجهه ی جزئی است و در این مثال به صورت موجهه ی کلی آمده

بعضی انسانها کودک نیستند ← عکس مستوی بعضی کودکان انسان نیستند

مغالطه ی ایهام انعکاس است : چون سالبه ی جزئیه عکس لازم الصدق ندارد

مربع تقابل

در مربع تقابل اگر دقت کنید رابطه ی دو به دو بین قضایا مشاهده می کنید که بین طرفین هر ضلع رابطه ای وجود دارد. با دقت به ضلعها و طرفین آنها دقت کنید



❖ اگر در مربع تقابل دقت کنید متوجه می شوید که:

❖ طرفین ضربدر وسط مربع حالت **تناقض** دارد

موجبه کلی \longleftrightarrow سالبه جزئی (تناقض)

سالبه ی کلی \longleftrightarrow موجبه ی جزئی (تناقض)

❖ ضلع های عمودی نشان از حالت **تداخل** دارد

موجبه ی کلی \longleftrightarrow موجبه ی جزئی (تداخل)

سالبه ی کلی \longleftrightarrow سالبه ی جزئی (تداخل)

❖ ضلع افقی بالا حالت **تضاد** را نشان می دهد

موجبه ی کلی \longleftrightarrow سالبه ی کلی (تضاد)

❖ ضلع افقی پایین حالت **تداخل تحت تضاد** را نشان می دهد

موجبه ی جزئی \longleftrightarrow سالبه ی جزئی (تداخل تحت تضاد)

از توجه شما سپاسگزارم



درس هشتم

قیاس اقترانی

در درسهای قبل خواندیم که :

قضیه در منطق به دو قسمت **حملی و شرطی** تقسیم میشود.
در قضیه حملی ، چیزی به چیزی به ایجاب یا سلب نسبت داده میشود.
از مقایسه دو قضیه حملی ، احکام تقابل و عکس بدست می آید.

مثال برای اقسام قضایای محصوره :

- موجبه کلیه : هر انسانی متفکر است.
- موجبه جزئیه : بعضی از انسانها شاعر هستند.
- سالبه کلیه : هیچ انسانی سنگ نیست.
- سالبه جزئیه : بعضی از انسانها مهندس نیستند.

مطالب درس جدید (نقشه ذهنی) :

قیاس اقترانی و اشکال آن

قانون نتیجه قیاس

دامنه مصادیق موضوع و محمول

شرایط معتبر بودن قیاس

مقدمه :

فعالیتهای فکری انسان : تعریف و استدلال

تعریف : در جواب "چیستی" می آید.

استدلال : در جواب "چرایی" می آید.

مثال برای استدلال :

چرا گل زیبا است؟

چون گل مخلوق خدا است و هر مخلوق خدا زیبا است ، پس : گل زیبا است.

مثال فوق یک استدلال است که در آن چند قضیه را کنار هم قرار می‌دهیم تا چرایی یک تصدیق را توضیح دهیم.

قیاس اقترانی :

به مثال زیر توجه کنید.

سقراط انسان است و هر انسانی فانی است ، پس : سقراط فانی است.

مثال فوق یک استدلال است که در منطق به این نوع استدلال قیاس اقترانی گویند.

زیرا ، دوقضیه اول آن ، حملی است. البته قیاس اقترانی شرطی هم داریم که در این کتاب منطق با آن کاری نداریم.

سقراط انسان است. حملی

هر انسانی فانی است. حملی

پس :

قیاس اقترانی : هرگاه دویا چند قضیه به عنوان مقدمه داشته باشیم که از آن دوزاتاً

قضیه دیگری به عنوان نتیجه بدست آید ، به این نوع قیاس ، قیاس اقترانی گویند.

در هر قیاس اقترانی چندین جزء وجود دارد که این قیاس از آنها تشکیل شده است.

اجزای قیاس اقترانی :

مقدمات قیاس : قضایایی است که برای توضیح دادن قیاس از آنها استفاده میشود که در قیاس یکی از آنها را صغرا و دیگری را کبرا می نامیم.

حدوسط یا اوسط یا واسطه : کلمه ای است که در مقدمه های قیاس تکرار میشود ، یعنی همان جزء مشترک در مقدمه ها است.

نتیجه : قضیه ای است که از مقدمه های قیاس بدست می آید.

مثال :

سقراط انسان است. هر انسانی فانی است. پس : سقراط فانی است.

در مثال فوق :

مقدمه اول : سقراط انسان است. **صغرا**

مقدمه دوم : هر انسانی فانی است. **کبرا**

نتیجه : سقراط فانی است.

حدوسط : کلمه "انسان" که در دو مقدمه قیاس یعنی صغرا و کبرا تکرار شده است.

جزئی که در قیاس اقترانی خیلی مهم است ، حدوسط است.

علت اهمیت حدوسط در قیاس اقترانی :

جزئی است که اگر در مقدمه ها نباشد ، از آن مقدمات نتیجه ای بدست نمی آید ، زیرا این جزء بین دو مقدمه ارتباط برقرار میکند.

مثال :

مقدمه اول : هر مادری مهربان است.

مقدمه دوم : بعضی انسانها زرنگ هستند.

نتیجه : -

زیرا در دو مقدمه باید جزئی مشترک (حدوسط) باشد که نتیجه بگیریم ، وقتی که این جزء نباشد ، یعنی که هیچ ارتباطی بین این دو مقدمه وجود ندارد ، پس نتیجه ای هم بدست نمی آید.

چگونگی تعیین قیاس اقترانی در مثالها :

۱ - ابتدا مقدمه ها را مشخص می کنیم و اولی را **مقدمه اول** و دومی را **مقدمه دوم** می نویسیم.

۲ - سپس نوع قضیه را در دو مقدمه تعیین می کنیم که **حملی** هستند یا **شرطی**

۳ - اگر هر دو مقدمه **حملی** بود ، **قیاس اقترانی** است.

۴ - **مقدمه ها را نامگذاری** می کنیم ، **مقدمه اول را صغرا** و **مقدمه دوم را کبرا** می نامیم.

۵ - **حدوسط** را در دو مقدمه مشخص می کنیم ، یعنی کلمه ای که در دو مقدمه تکرار شده است.

مثال برای مراحل فوق :

بعضی انسانها باهوش هستند. بعضی انسانها فیلسوف هستند.

مقدمه اول : بعضی انسانها باهوش هستند. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (انسانها)

مقدمه دوم : بعضی انسانها فیلسوف هستند. حملی کبرا

شما می توانید دوریا زیر حدوسط را در دو مقدمه خط بکشید.

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

مثال اول : هر شتری بچه زا است. هیچ کبوتری بچه زا نیست.

مثال دوم : بعضی پرهیزگاران عالم هستند. هر پرهیزگاری متفکر است.

مثال سوم : هر فرد شیعه مسلمان است. هر مسلمانی موحد است.

مثال چهارم : هر پرنده ای حیوان است. هر اسبی حیوان است.

مثال پنجم : هر درختی نامی (دارای رشد و نمو) است. هر نخلی درخت است.

مثال ششم : بعضی خیاط ها ماهر هستند. بعضی ماهران راننده هستند.

مثال هفتم : بعضی گلها صورتی نیستند. هر گلی گیاه است.

حل مثال اول :

مقدمه اول : هر شتری بچه زا است. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (بچه زا)

مقدمه دوم : هیچ کبوتری بچه زا نیست. حملی کبرا

حل مثال دوم :

مقدمه اول : بعضی پرهیزگاران عالم هستند. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (پرهیزگار)
مقدمه دوم : هر پرهیزگاری متفکر است. حملی کبرا

حل مثال سوم :

مقدمه اول : هر فرد شیعه مسلمان است. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (مسلمان)
مقدمه دوم : هر مسلمانی موحد است. حملی کبرا

حل مثال چهارم :

مقدمه اول : هر پرنده ای حیوان است. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (حیوان)
مقدمه دوم : هر اسبی حیوان است. حملی کبرا

حل مثال پنجم :

مقدمه اول : هر درختی نامی است. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (درخت)
مقدمه دوم : هر نخلی درخت است. حملی کبرا

حل مثال ششم :

مقدمه اول : بعضی خیاط ها ماهر هستند. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (ماهر)
مقدمه دوم : بعضی ماهران راننده هستند. حملی کبرا

حل مثال هفتم :

مقدمه اول : بعضی گلها صورتی نیستند. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (گل)
مقدمه دوم : هرگلی گیاه است. حملی کبرا

نکته : نقش حدوسط در قیاس اقترانی خیلی مهم است و با توجه به موقعیت حدوسط است که اشکال قیاس اقترانی شکل می گیرد.

بر اساس موقعیت حدوسط قیاس اقترانی به چهار شکل می تواند وجود داشته باشد و خارج از چهار شکل متصور نیست. زیرا حدوسط یعنی همان کلمه ای که در مقدمه ها تکرار میشود در دو مقدمه یا جای موضوع قرار می گیرد یا جای محمول.

اشکال قیاس اقترانی :

شکل اول : حدوسط در مقدمه صغرا محمول و در مقدمه کبرا موضوع است.

شکل دوم : حدوسط در دو مقدمه صغرا و کبرا محمول است.

شکل سوم : حدوسط در دو مقدمه صغرا و کبرا موضوع است.

شکل چهارم : حدوسط در مقدمه صغرا موضوع و در مقدمه کبرا محمول است.

مثال :

مقدمه اول : بعضی انسانها باهوش هستند. حملی صغرا
قیاس اقترانی حدوسط (انسانها)
مقدمه دوم : بعضی انسانها فیلسوف هستند. حملی کبرا

شکل قیاس را هم با توجه به موقعیت حدوسط درمقدمه ها تعیین می کنیم.

درمثال فوق ، حدوسط که کلمه "انسانها" است ، درمقدمه اول که صغرا است جای موضوع قرار دارد و درمقدمه دوم که کبرا است هم جای موضوع قرار دارد ، پس : وقتی حدوسط دردمقدمه صغرا و کبرا موضوع باشد ، شکل سوم است.

اشکال قیاس اقترانی به صورت شعر :

اوسط اگر حمل یافت بر در صغرا و باز وضع به کبرا گرفت ، شکل نخستین شمار

حمل به هر دو ، دوم ، وضع به هر دو ، سوم رابع اشکال را عکس نخستین بیار

یعنی حدوسط اگر محمول شد درمقدمه صغرا و باز موضوع شد درمقدمه کبرا ، شکل اول میشود و اگر محمول شد در هر دو مقدمه صغرا و کبرا ، شکل دوم میشود و اگر موضوع شد در هر دو مقدمه صغرا و کبرا ، شکل سوم میشود و برعکس شکل اول ، یعنی موضوع در مقدمه صغرا و محمول در مقدمه کبرا ، شکل چهارم میشود.

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

همان مثالهای قبل است ، یعنی ادامه توضیحات قبلی این مثالها است، و در اینجا باید شکل قیاس را تعیین کنیم.

مثال اول : هر شتری بچه زا است. هیچ کبوتری بچه زا نیست.

مثال دوم : بعضی پرهیزگاران عالم هستند. هر پرهیزگاری متفکر است.

مثال سوم : هر فرد شیعه مسلمان است. هر مسلمانی موحد است.

مثال چهارم : هر پرنده ای حیوان است. هر اسبی حیوان است.

مثال پنجم : هر درختی نامی (دارای رشد و نمو) است. هر نخلی درخت است.

مثال ششم : بعضی خیاط ها ماهر هستند. بعضی ماهران راننده هستند.

مثال هفتم : بعضی گلها صورتی نیستند. هر گلی گیاه است.

درمثال اول ، حدوسط کلمه "بچه زا" است که درمقدمه اول یعنی صغرا محمول و در مقدمه دوم یعنی کبرا نیز محمول است ، پس : شکل دوم است.

درمثال دوم ، حدوسط کلمه "پرهیزگار" است که درمقدمه اول یعنی صغرا موضوع و در مقدمه دوم یعنی کبرا نیز موضوع است ، پس : شکل سوم است.

درمثال سوم ، حدوسط کلمه "مسلمان" است که درمقدمه اول یعنی **صغرا محمول** و در مقدمه دوم یعنی **کبرا موضوع** است ، **پس** : شکل اول است.

درمثال چهارم ، حدوسط کلمه "حیوان" است که درمقدمه اول یعنی **صغرا محمول** و در مقدمه دوم یعنی **کبرا نیز محمول** است ، **پس** : شکل دوم است.

درمثال پنجم ، حدوسط کلمه "درخت" است که درمقدمه اول یعنی **صغرا موضوع** و در مقدمه دوم یعنی **کبرا محمول** است ، **پس** : شکل چهارم است.

درمثال ششم ، حدوسط کلمه "ماهر" است که درمقدمه اول یعنی **صغرا محمول** و در مقدمه دوم یعنی **کبرا موضوع** است ، **پس** : شکل اول است.

درمثال هفتم ، حدوسط کلمه "گل" است که درمقدمه اول یعنی **صغرا موضوع** و درمقدمه دوم یعنی **کبرا نیز موضوع** است ، **پس** : شکل سوم است.

نکته : این طور نیست که حدوسط در دو مقدمه فقط تکرار شود ، کافی باشد ، بلکه کلمه ای حدوسط است که شرایط زیر را دارا باشد.

شرایط حدوسط :

۱ - در دو مقدمه عیناً تکرار شود.

۲ - در دو مقدمه به یک معنا باشد.

مغالطه عدم تکرار حدوسط : اگر حدوسط در دو مقدمه یک یا هر دو شرط فوق را نداشته باشد ، استدلال یک قیاس نادرست است و نتیجه ای که از آن بدست آید نیز نامعتبر و نادرست است ، زیرا وقتی حدوسط شرایط بالا را نداشته باشد ، یعنی حدوسط محسوب نمیشود و این بدین معناست که دو مقدمه حدوسط ندارند و هیچ ارتباطی هم با یکدیگر نخواهند داشت ، پس ؛ اگر از چنین استدلالی نتیجه گیری شود ، نادرست است.

مثال برای عدم رعایت شروط حدوسط :

مثال اول : یخ از آب است. آب مایع است. **پس** : یخ مایع است.

مثال دوم : انگور شیرین است. شیرین همسر خسرو است. **پس** : انگور همسر خسرو است.

حال مثالهای فوق را بررسی می کنیم.

مثال اول :

مقدمه اول : یخ از آب است. حملی صغرا

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : آب مایع است. حملی کبرا

نتیجه : یخ مایع است.

حال که قیاس اقترانی است ، حدوسط را درمی نویسیم ، می بینیم که درمقدمه اول یعنی صغرا کلمه "از آب" است و باید همین کلمه درمقدمه کبرا نیز تکرار شود ، چون حدوسط کلمه ای است که در دو مقدمه تکرار میشود ، حال بررسی می کنیم که ببینیم حدوسط تکرار شده است یا نه ؟

برای اینکه ببینیم حدوسط درست است ، یعنی این قیاس حدوسط دارد یا نه ، در ابتدا بعد از پیدا کردن حدوسط ، شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ؛ در ابتدا شرط اول ، یعنی می بینیم که حدوسط عیناً تکرار شده است یا نه ، که می بینیم درمقدمه صغرا حدوسط کلمه "از آب" آمده است ، اما درمقدمه کبرا فقط کلمه "آب" آمده است ، پس می گوئیم چون حدوسط عیناً تکرار نشده است ، پس این کلمه نمی تواند حدوسط باشد ، یعنی این دو مقدمه حدوسط ندارند و هیچ ارتباطی هم بین دو مقدمه وجود نخواهد داشت. بنابراین نتیجه ای هم که بدست می آید ، نادرست است و به این نوع مغالطه ، مغالطه "عدم تکرار حدوسط" گویند.

چگونگی تشخیص شرط اول حدوسط :

در مثال فوق برای راحت تر تشخیص دادن شرط اول حدوسط به صورت زیر عمل می کنیم:

۱ - درمقدمه اول برای اینکه ببینیم حدوسط کلمه "آب" به تنهایی حدوسط است یا کلمه "از آب" ، کلمه "از" را از جمله حذف می کنیم.

۲ - سپس جمله را می خوانیم که میشود ، یخ آب است که معنایی ندارد و به همین خاطر باید کلمه "از آب" حدوسط باشد و همین کلمه درمقدمه دوم هم تکرار شود که می بینیم این طور نیست ، پس حدوسط محسوب نمیشود ، وقتی هم که حدوسط نباشد ، نتیجه ای بدست نمی آید و اگر هم نتیجه ای باشد ، نادرست است.

مثال دوم :

مقدمه اول : انگور شیرین است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : شیرین همسر خسرو است. **حملی** **کبرا**

نتیجه : انگور همسر خسرو است.

حال که قیاس اقترانی است ، حدوسط را می نویسیم و می بینیم که کلمه "شیرین" در دو مقدمه تکرار شده است ، پس باید حدوسط باشد ، به همین خاطر باید شرایط حدوسط را بررسی کنیم تا ببینیم که این کلمه ای که تکرار شده است حدوسط است یا نه؟

در ابتدا شرط اول را بررسی می کنیم که حدوسط باید عیناً تکرار شود و می بینیم که در دو مقدمه عیناً تکرار شده است ، پس شرط اول را دارد.

سپس به سراغ شرط دوم حدوسط می رویم و آن این است که حدوسط باید در دو مقدمه به یک معنا باشد و می بینیم که کلمه "شیرین" در مقدمه صغرا به معنای یک نوع طعم و مزه است و در مقدمه کبرا به معنای اسم و نام شخص است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیست ، یعنی این دو مقدمه حدوسط ندارند و ارتباطی هم بین این دو وجود ندارد و نتیجه ای هم که بدست آمده است ، نادرست است و این استدلال یک نوع **مغالطه "عدم تکرار حدوسط"** است.

توجه داشته باشیم که وقتی شرط اول حدوسط را بررسی کردیم و استدلال فاقد آن شرط بود ، دیگر شرط دوم لازم نیست که بررسی شود ، زیرا حدوسطی وجود نخواهد داشت ، مگر اینکه در سؤال از ما خواسته شود شرایط حدوسط را به طور کامل بررسی کنیم.

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

مثال اول : اوسیراست. سیربدبو است. **پس :** اوبدبو است.

مثال دوم : ماست از شیر است. شیربرای اسهال مضر است. **پس :** ماست برای اسهال مضر است.

مثال سوم : دوست من پروانه است. پروانه دارای دو بال است. **پس :** دوست من دارای دو بال است.

مثال چهارم : در باز است. باز پرنده است. **پس :** در پرنده است.

مثال اول :

مقدمه اول : او سیر است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : سیر بدبو است. **حملی** **کبرا**

حدوسط کلمه "سیر" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، حال شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شده باشد که می بینیم این شرط رعایت شده است. پس به سراغ شرط دوم می رویم که باید حدوسط در دو مقدمه به یک معنا باشد ، می بینیم که سیر در مقدمه اول به معنای رفع گرسنگی است و در مقدمه دوم به معنای نوعی سبزیجات است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیامده است یعنی این استدلال حدوسط ندارد و هیچ ارتباطی هم بین مقدمه ها وجود ندارد و **مغالطه عدم تکرار حدوسط** است و نتیجه ای که بدست آمده است نادرست است.

مثال دوم :

مقدمه اول : ماست از شیر است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : شیر برای اسهال مضر است. **حملی** **کبرا**

حدوسط کلمه "شیر" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، اما می بینیم که در مقدمه اول قبل از کلمه "شیر" حرف "از" آمده است ، حال باید ببینیم که حدوسط کلمه "ازشیر" است یا "شیر" ، پس شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شود. همانطور که گفتیم در مقدمه اول کلمه "از" را حذف می کنیم ، می بینیم که جمله به این صورت میشود ، ماست شیر است که بی معنی است ، پس باید حدوسط کلمه "ازشیر" باشد و در مقدمه دوم نیز عیناً همین بیاید که می بینیم نیامده است ، پس حدوسط این شرط را ندارد ، یعنی حدوسط محسوب نمیشود و **مغالطه عدم تکرار حدوسط** است و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

مثال سوم :

مقدمه اول : پروانه دوست من است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : پروانه دارای دو بال است. **حملی** **کبرا**

حدوسط کلمه "پروانه" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، حال شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شده باشد که می بینیم این شرط رعایت شده است. پس به سراغ شرط دوم می رویم که باید حدوسط در دو مقدمه به یک معنا باشد ، می بینیم که پروانه در مقدمه اول به معنای نام و اسم است و در مقدمه دوم به معنای نوعی حشره است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیامده است ، یعنی این استدلال حدوسط ندارد و هیچ ارتباطی هم بین مقدمه ها وجود ندارد و **مغالطه عدم تکرار حدوسط** است و نتیجه ای که بدست آمده است نادرست است.

مثال چهارم :

مقدمه اول : در باز است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : باز پرنده است. **حملی** **کبرا**

حدوسط کلمه "باز" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، حال شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شده باشد که می بینیم این شرط رعایت شده است. پس به سراغ شرط دوم می رویم که باید حدوسط در دو مقدمه به یک معنا باشد ، می بینیم که باز در مقدمه اول به معنای باز بودن است و در مقدمه دوم به معنای نوعی پرنده است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیامده است ، یعنی این استدلال حدوسط ندارد و هیچ ارتباطی هم بین مقدمه ها وجود ندارد و **مغالطه عدم تکرار حدوسط** است و نتیجه ای که بدست آمده است نادرست است.

حال باید بعد از نوشتن نوع قیاس ، نتیجه قیاس تابع چه قوانینی است؟

قانون نتیجه قیاس :

۱ - چون در مقدمه ها سور و موضوع و محمول و رابطه داریم ، پس در نتیجه نیز باید این اجزاء را داشته باشیم.

۲ - نتیجه تابع اَخَسِّ مقدمتین است.

۳ - اَخَس و پستی مقدمه ها به دو چیز است ، یکی سالبه بودن و دیگری جزئی بودن

۴ - اگر یکی از مقدمه ها سالبه باشد ، نتیجه نیز همیشه سالبه است.

۵ - اگر یکی از مقدمه ها جزئی باشد ، نتیجه نیز جزئی است.

استثناء : در شکل سوم ، نتیجه همیشه جزئی است ، یعنی همین که نتیجه داشت با سور جزئی شروع میشود ولی برای نسبت باید به مقدمه ها نگاه کنیم که اگر سالبه داشتیم ، نتیجه نیز سالبه خواهد بود.

۶ - حدوسط در نتیجه حذف میشود.

۷ - موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول نتیجه از مقدمه دوم بدست می آید.

مثال :

مقدمه اول : هر پرهیزگاری متفکر است. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (پرهیزگار)

مقدمه دوم : بعضی پرهیزگران عالم نیستند. حملی کبرا

حال باید نتیجه را بنویسیم که به صورت زیر عمل می کنیم :

قیاس اقترانی است و حدوسط کلمه "پرهیزگار" است که در دو مقدمه عیناً و به یک معنا تکرار شده است ، حدوسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم نیز موضوع است ، پس شکل سوم است ، برای نوشتن نتیجه اول باید سور را بنویسیم. در شکل سوم سور در نتیجه همیشه جزئی است ، یعنی با "بعضی" شروع میشود ، سپس حدوسط را در دو مقدمه خط می زنیم و کلمه ای که در مقدمه اول باقی مانده است یعنی "متفکر" را به عنوان موضوع نتیجه و کلمه ای که در مقدمه دوم باقی مانده است یعنی "عالم" را به عنوان محمول نتیجه می نویسیم و برای نسبت نیز به مقدمه ها نگاه می کنیم که می بینیم مقدمه دوم سالبه است ، پس نتیجه نیز سالبه می باشد. بنابراین نتیجه قیاس فوق این میشود :

نتیجه : بعضی متفکرها عالم نیستند.

نکته : در این درس از شما نتیجه را نمی خواهند ، یعنی تمرینات این درس بدین صورت است که مقدمه ها و نتیجه را به شما میدهند و از شما میخواهند که درست یا غلط بودن نتیجه را بررسی کنید که در مطلب پایانی این درس بدان می پردازیم.

در ابتدا برای بررسی اعتبار نتیجه قیاس باید دامنه مصادیق موضوع و محمول را در مقدمه ها و نتیجه تعیین کنیم.

اساس تعیین اعتبار یک قیاس : دامنه مصادیق موضوع و محمول

دامنه مصادیق موضوع و محمول :

همانطور که گفتیم ، قضایایی که سور دارند از چهار حالت خارج نیستند:

موجبه کلیه : هر الف ب است.

موجبه جزئیه : بعضی الف ب است.

سالبه کلیه : هیچ الف ب نیست.

سالبه جزئیه : بعضی الف ب نیست.

پس مصادیق موضوع و محمول را برای این چهار حالت بیان می کنیم.

در مورد موضوع باید بگوییم که :

سور کلی مشخص می کند که **همه مصادیق موضوع** مورد نظر هستند ، مانند : هر انسانی متفکر است که در این قضیه سور "هر" به همه انسانها اشاره دارد.

سور جزئی مشخص می کند که **بعضی از مصادیق موضوع** مورد نظر هستند ، مانند : بعضی از انسانها شاعر هستند که در این قضیه سور "بعضی" همه انسانها را در بر نمی گیرد و فقط بعضی از انسانها را شامل میشود.

در مورد محمول باید بگوییم که :

قضیه اگر سالبه باشد ، همه مصادیق محمول مورد نظر هستند.

قضیه اگر موجبه باشد ، بعضی از مصادیق محمول مورد نظر هستند.

پس با توجه به مطالب فوق مصادیق موضوع و محمول در قضایای محصوره به صورت زیر بیان میشود : (علامت مثبت برای همه مصادیق و علامت منفی برای بعضی از مصادیق می آید.)

مصادیق موضوع و محمول در قضایای محصوره :

— +

هر الف ب است.

چون "هر" دارد ، الف که موضوع است ، مثبت است و چون "است" دارد ، ب که محمول است ، منفی است.

— —

بعضی الف ب است.

چون "بعضی" دارد ، الف که موضوع است ، منفی است و چون "است" دارد ، ب که محمول است ، منفی است.

+ +

هیچ الف ب نیست.

چون "هیچ" دارد ، الف که موضوع است ، مثبت است و چون "نیست" دارد ، ب که محمول است ، مثبت است.

+ —

بعضی الف ب نیست.

چون "بعضی" دارد ، الف که موضوع است ، منفی است و چون "نیست" دارد ، ب که محمول است ، مثبت است.

پس : برای تعیین مصادیق موضوع به سورنگاه می کنیم :

اگر سورکلی باشد ، موضوع مثبت است.

اگر سورجزئی باشد ، موضوع منفی است.

برای تعیین مصادیق محمول به رابطه نگاه می کنیم :

اگر رابطه موجب باشد ، محمول منفی است.

اگر رابطه سالبه باشد ، محمول مثبت است.

نکته : در قضایای شخصیّه ، برای تعیین دامنهٔ مصادیق موضوع که سورنداریم ، چون همیشه همهٔ مصادیق موضوع مورد نظر هستند ، پس همیشه موضوع را مثبت می گذاریم. برای محمول هم مثل قضایای محصوره عمل می کنیم.



مثال : ابن سینا فیلسوف بزرگ اسلامی است. در این قضیه چون موضوع جزئی و شخصیّ است ، موضوع یعنی "سقراط" را مثبت می گذاریم و محمول هم با توجه به "است" یعنی "فیلسوف بزرگ اسلامی" را منفی می گذاریم.

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

مثال اول : بعضی گلها صورتی نیستند.

مثال دوم : هیچ مادری نامهربان نیست.

مثال سوم : بعضی دانش آموزان کوشا هستند.

مثال چهارم : هر انسانی اشرف مخلوقات است.

مثال پنجم : بعضی بیماریها سخت نیستند.

مثال ششم : هر گلی زیبا است.

مثال هفتم : هیچ اسبی آهو نیست.

در مثال اول ، برای موضوع که "گلها" است به سور که "بعضی" است نگاه می کنیم که منفی میشود و برای محمول که "صورتی" است به نسبت که "نیستند" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

+ —
بعضی گلها صورتی نیستند.

در مثال دوم ، برای موضوع که "مادری" است به سور که "هیچ" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "نامهربان" است به نسبت که "نیست" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

+ +
هیچ مادری نامهربان نیست.

درمثال سوم ، برای موضوع که "دانش آموزان" است به سورکه "بعضی" است نگاه می کنیم که منفی میشود و برای محمول که "کوشا" است به نسبت که "هستند" است نگاه می کنیم که منفی میشود.

بعضی دانش آموزان کوشا **هستند**.

درمثال چهارم ، برای موضوع که "انسانی" است به سورکه "هر" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "اشرف مخلوقات" است به نسبت که "است" است نگاه می کنیم که منفی میشود.

هر انسانی **اشرف** مخلوقات **است**.

درمثال پنجم ، برای موضوع که "بیماریها" است به سورکه "بعضی" است نگاه می کنیم که منفی میشود و برای محمول که "سخت" است به نسبت که "نیستند" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

بعضی بیماریها **سخت** **نیستند**.

درمثال ششم ، برای موضوع که "گلی" است به سورکه "هر" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "زیبا" است به نسبت که "است" است نگاه می کنیم که منفی میشود.

هر گلی **زیبا** **است**.

درمثال هفتم ، برای موضوع که "اسبی" است به سورکه "هیچ" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "آهو" است به نسبت که "نیست" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

هیچ اسبی **آهو** **نیست**.

بعد از این مباحث ، برای اینکه بتوانیم یک قیاس را بررسی کنیم که نتیجه معتبر دارد یا نه باید شرایط معتبر بودن یک قیاس را بدانیم تا بر اساس آنها یک قیاس را بسنجیم. یک قیاس باید سه شرط زیر را دارا باشد تا بتوانیم بگوییم که این قیاس منطقی و معتبر است.

شرایط اعتبار قیاس :

اول : حداقل یکی از مقدمات **موجبه** باشد.

دوم : **حدوسط** در یکی از مقدمات دارای **علامت مثبت** باشد.

سوم : هر کدام از موضوع و محمول که در نتیجه **علامت مثبت** داشته باشند ، باید در **مقدمه ای** که آمده اند نیز **علامت مثبت** داشته باشند.

نکته : قیاس در صورتی که حتی یکی از شرایط فوق را نداشته باشد ، نامعتبر است ، یعنی نتیجه آن نادرست است.

نکته مهم : در ابتدا قبل از بررسی شرایط اعتبار قیاس ، باید شرایط حدوسط بررسی شود. حال شرایط را با مثال بیشتر توضیح میدهیم.

شرط اول : حداقل یکی از مقدمات **موجبه** باشد.

این شرط بدین معناست که هر دو مقدمه نباید سالبه باشند و اگر یکی سالبه بود و دیگری **موجبه** بود ، درست است و یا اینکه هر دو **موجبه** باشند باز هم قیاس درست است و این شرط را دارد.

مثال : هیچ اسبی بالدار نیست. هیچ بالدار سم دار نیست. پس : هیچ بالدار سم دار نیست. در ابتدا باید تمامی مطالبی که گفتیم در این درس را می نویسیم.

مقدمه اول : هیچ اسبی بالدار نیست. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی **حدوسط (بالدار)**

مقدمه دوم : هیچ بالدار سم دار نیست. **حملی** **کبرا**

نتیجه : هیچ بالدار سم دار نیست.

سپس شرایط حدوسط را بررسی می کنیم تا ببینیم درست است یا نه ، می بینیم که حدوسط عیناً و به یک معنا در دو مقدمه تکرار شده است و شرایط آن رعایت شده است.

بعد شرط اول اعتبار قیاس را بررسی می کنیم ، یعنی می بینیم که رابطهٔ موجبه در دو مقدمه داریم یا نه ، می بینیم که هر دو مقدمه سالبه هستند ، پس این شرط رعایت نشده است.
پس :

این قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط اول را که باید یکی از مقدمه ها موجبه باشد را ندارد و نتیجهٔ بدست آمده نیز نادرست است.

شرط دوم : حدوسط در یکی از مقدمات دارای علامت مثبت باشد.

این شرط بدین معناست که حدوسط ، کلمه ای که در دو مقدمه تکرار میشود باید در یکی از مقدمه ها یا در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.

پس ما این شرط را بعد از شرط اول بررسی می کنیم. برای بررسی این شرط اول باید دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول را در دو مقدمه تعیین کنیم.

مثال : هر پرنده ای حیوان است. بعضی حیوانات آبی هستند. **پس :** بعضی پرندگان آبی هستند.

مقدمه اول : هر پرنده ای حیوان است. **صغرا** **حملی**

قیاس اقترانی **حدوسط (حیوان)**

مقدمه دوم : بعضی حیوانات آبی هستند. **حملی** **کبرا**

نتیجه : بعضی پرندگان آبی هستند.

بعد از اینکه نوع قیاس را تعیین کردیم ، شرایط حدوسط را بررسی می کنیم و می بینیم که حدوسط عیناً و به یک معنا در دو مقدمه تکرار شده است.

بعد شرط اول اعتبار قیاس را بررسی می کنیم که باید یکی از مقدمات موجبه باشد که می بینیم هر دو موجبه هستند و این شرط وجود دارد.

سپس به سراغ شرط دوم می رویم ، در ابتدا باید دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول را در دو مقدمه تعیین کنیم. می بینیم که حدوسط یعنی کلمهٔ "حیوان" در دو مقدمه علامت منفی دارد.

پس :

این قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط دوم را که باید حدوسط در یکی از مقدمه ها علامت مثبت داشته باشد را ندارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

شرط سوم : هرکدام از موضوع و محمول را که در نتیجه علامت مثبت دارند ، در مقدمه ای که آمده اند نیز باید دارای علامت مثبت باشند.

این شرط بدین معناست که بعد از تعیین دامنه مصادیق موضوع و محمول در نتیجه ، در صورتی که یکی از اینها علامت مثبت داشته باشند ، باید در مقدمه ای که آمده اند نیز دارای علامت مثبت باشند.

مثال : هیچ شیری پلنگ نیست. بعضی شیرها گربه سان اند. پس : بعضی پلنگ ها گربه سان نیستند.

مقدمه اول : هیچ شیری پلنگ نیست. \oplus \oplus صغرا حملی

قیاس اقترانی حدوسط (شیر)

مقدمه دوم : بعضی شیرها گربه سان اند. حملی کبرا

نتیجه : بعضی پلنگ ها گربه سان نیستند. \oplus

در ابتدا بعد از تعیین نوع قیاس ، شرایط حدوسط را بررسی می کنیم و می بینیم که حدوسط یعنی کلمه "شیر" در دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.

سپس شرط اول قیاس را بررسی می کنیم و می بینیم که یکی از مقدمه ها یعنی مقدمه دوم موجب است.

بعد شرط دوم قیاس را بررسی می کنیم و می بینیم که حدوسط یعنی کلمه "شیر" در مقدمه اول دارای علامت مثبت است.

بعد شرط سوم قیاس را بررسی می کنیم ، اول باید دامنه مصادیق موضوع و محمول را در نتیجه تعیین کنیم و ببینیم که کدامیک از اینها دارای علامت مثبت هستند ، می بینیم که کلمه "گربه سان" که در نتیجه محمول است ، علامت مثبت دارد ، باید این کلمه در مقدمه ای که آمده است نیز دارای علامت مثبت باشد که می بینیم "گربه سان" در مقدمه دوم آمده ولی دارای علامت منفی است.

پس :

این قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط سوم قیاس را که باید موضوع و محمول را که در نتیجه علامت مثبت دارند ، در مقدمه ها نیز علامت مثبت باشد را ندارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

نکات مهم :

۱ - قبل از بررسی شرایط اعتبار قیاس ، در ابتدا باید شرایط حدوسط بررسی شود.

۲ - شرایط اعتبار قیاس به ترتیب بررسی شوند.

۳ - در صورت بررسی شرط اول ، اگر این شرط وجود داشت به سراغ بررسی شرط دوم می رویم ، در غیر این صورت بررسی شرطهای دیگر لازم نیست ، زیرا قیاس اگر فقط یک شرط را نداشته باشد نیز نامعتبر است ، پس : بررسی همه شرایط اعتبار قیاس در صورتی که در سوال از ما خواسته شود لازم است.

به طور کلی : در این درس باید چهار نکته را یاد بگیریم تا بتوانیم مثالها و تمرینها را حل کنیم.

نوع قیاس ، شکل قیاس ، دامنه مصادیق موضوع و محمول ، شرایط اعتبار قیاس

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

مثال اول : بعضی برگها سبز هستند. هیچ برفی سبز نیست. پس ؛ بعضی برگها برف نیستند.

مثال دوم : هر اناری میوه است. هر گلابی میوه است. پس ؛ هر اناری گلابی است.

مثال سوم : بعضی انسانها شاعر هستند. هر انسانی فانی است. پس ؛ بعضی شاعرها فانی هستند.

مثال چهارم : هر شتری بچه زا است. بعضی پرندگان بچه زا هستند. پس ؛ بعضی شترها پرنده هستند.

مثال پنجم : بعضی گلها صورتی نیستند. هر گلی گیاه است. پس ؛ بعضی صورتی ها گیاه نیستند.

مثال اول : بعضی برگها سبز هستند. هیچ برفی سبز نیست. پس ؛ بعضی برگها برف نیستند.

مقدمه اول : بعضی برگها سبز هستند. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (سبز)

مقدمه دوم : هیچ برفی سبز نیست. حملی کبرا

نتیجه : بعضی برگها برف نیستند.

حدوسط یعنی کلمه "سبز" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.

یکی از مقدمه ها نیز موجبه است.

حدوسط یعنی کلمه "سبز" در مقدمه دوم علامت مثبت دارد.

کلمه "برف" که در نتیجه محمول است و علامت مثبت دارد ، در مقدمه دوم هم که آمده است علامت مثبت دارد.

پس : قیاس معتبر است و نتیجه بدست آمده نیز درست است.

مثال دوم : هر اناری میوه است. هر گلابی میوه است. پس ؛ هر اناری گلابی است.

مقدمه اول : هر اناری میوه است. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (میوه)

مقدمه دوم : هر گلابی میوه است. حملی کبرا

نتیجه : هر اناری گلابی است.

حدوسط یعنی کلمه "میوه" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.

یکی از مقدمه ها نیز موجبه است.

حدوسط یعنی کلمه "میوه" در هر دو مقدمه علامت منفی دارد ، در صورتی که باید حداقل در یکی از مقدمات مثبت باشد.

پس : قیاس نامعتبر است چون شرط دوم را ندارد ، یعنی حدوسط در هر دو مقدمه منفی است و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

مثال سوم : بعضی انسانها شاعر هستند. هر انسانی فانی است. پس ؛ بعضی شاعرها فانی هستند.

مقدمه اول : بعضی انسانها شاعر هستند. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی حدوسط (انسان)

مقدمه دوم : هر انسانی فانی است. **حملی** **کبرا**

نتیجه : بعضی شاعرها فانی هستند.

حدوسط یعنی کلمه "انسان" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است. هر دو مقدمه موجب هستند.

حدوسط یعنی کلمه "انسان" در مقدمه دوم علامت مثبت دارد.

شرط سوم هم لازم نیست بررسی شود ، زیرا موضوع و محمول هر دو علامت منفی دارند. **پس :** قیاس معتبر است و نتیجه بدست آمده نیز درست است.

مثال چهارم : هر شتری بچه زا است. بعضی پرندگان بچه زا هستند. پس ؛ بعضی شترها پرنده هستند.

مقدمه اول : هر شتری بچه زا است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی حدوسط (بچه زا)

مقدمه دوم : بعضی پرندگان بچه زا هستند. **حملی** **کبرا**

نتیجه : بعضی شترها بچه زا هستند.

حدوسط یعنی کلمه "بچه زا" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است. هر دو مقدمه موجب هستند.

حدوسط یعنی کلمه "بچه زا" در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

پس ؛ قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط دوم را ندارد و حدوسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

مثال پنجم : بعضی گلهای صورتی نیستند. هر گلی گیاه است. پس ؛ بعضی صورتی ها گیاه نیستند.

مقدمه اول : بعضی گلهای صورتی نیستند. $\begin{matrix} + & - \\ \text{حملی} & \text{صغرا} \end{matrix}$

قیاس اقترانی حدوسط (گل)

مقدمه دوم : هر گلی گیاه است. $\begin{matrix} - & + \\ \text{حملی} & \text{کبرا} \end{matrix}$

نتیجه : بعضی صورتی ها گیاه نیستند.

حدوسط یعنی کلمه "گل" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.
مقدمه دوم موجب است.

حدوسط یعنی کلمه "گل" در مقدمه دوم علامت مثبت دارد.

کلمه "گیاه" که در نتیجه محمول است ، در مقدمه دوم که آمده علامت منفی دارد.

پس ؛ قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط سوم را ندارد و محمول نتیجه در مقدمه دوم علامت منفی دارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

قضیه شرطی و قیاس استثنایی

قضیه گفتاری است که احتمال صدق و کذب در آن راه دارد.

قضیه یا حملی است یا شرطی

در قضایای حملی چیزی را بدون قید و شرط به چیزی نسبت می دهیم یا سلب می کنیم.



مانند: ایران کشور پهناوری است.

اما در قضایای شرطی، حکم به ثبوت یا سلب نسبتی می کنیم به شرط تحقق نسبتی دیگر



مانند: اگر باران نبارد محصولات کشاورزی از بین خواهد رفت.

در قضایای شرطی به اتصال و انفصال دو نسبت حکم می شود.

قضیه شرطی دو قسم است:

قضیه شرطی منفصل

قضیه شرطی متصل

اگر قضیه شرطی دارای پیوستگی و اتصال باشد، متصل است.

قضیه شرطی متصل

مانند:

اگر او موحد نباشد، مسلمان نیست.

اگر هوا خوب نباشد، آنگاه به تفریح نمی روم.

هرگاه فلز حرارت ببیند، آنگاه منبسط می شود.

اگر امروز جمعه باشد، تعطیل است.

دو جزء قضیه با یکدیگر اتصال و پیوستگی دارد. یا با هم به وقوع می پیوندند یا با هم به وقوع نمی پیوندند.

اجزای قضیه شرطی متصل:

اگر الف ، آنگاه ب

تالی (جزای شرط)

مقدم (شرط)

اگر احمد پرهیزگار باشد ، رستگار است.

تالی

مقدم

ساختار این قضیه به صورت «اگر-آنگاه-» است

ممکن است مقدم و تالی جابجا شود. مانند:

تیم ملی برنده خواهد شد ، اگر مربی خوبی استخدام کرده باشیم.

تالی

مقدم

تمرین‌ها را امشب می‌نویسم ، اگر وقت پیدا کنم.

تالی

مقدم

در قضایای شرطی متصل، لزوماً «مقدم»، جزء اول و «تالی»، جزء دوم نیست. به عبارتی اینگونه نیست که «مقدم»، حتماً در ابتدای قضیه بیاید و تالی در قسمت دوم باشد. بلکه «تالی» به لحاظ معنا دنباله ی «مقدم» است.

گاهی در مکالمات روزمره به جای لفظ «اگر» یا «آنگاه» الفاظ دیگری همچون «هرگاه»، «در این صورت»، «چنانچه»، «در صورتی که»، «به این شرط که» می آید.

اگر خوب ورزش کنی، در این صورت برایت تردمیل خواهیم خرید.

در زبان عادی یا ادات را حذف می کنیم یا به موارد دیگر تبدیل می کنیم.

در صورت تلاش به موفقیت می رسی

یعنی

اگر تلاش کنی موفق خواهی شد.

قضیه شرطی متصل به لحاظ طبیعت اتصال و ارتباطی که میان مقدم و تالی آن برقرار است به لزومیه و اتفایه تقسیم می شود.

قضیه شرطی متصل لزومیه:

قضیه ای است که میان دو نسبت، اتصال حقیقی برقرار است. منشأ این اتصال، پیوندی است که موجب می شود یکی از آنها مستلزم دیگری باشد.

بدین صورت که یکی از آن ها علت دیگری، و یا هر دو معلول یک علت می باشند.

مانند:

اگر آب گرم شود، منبسط می گردد.

در این مثال، مقدم، علت تالی است.

هنگامی که آب منبسط می شود، گرم شده است.

در اینجا برعکس قضیه قبل، تالی، علت مقدم است.

هنگامی که آب بجوشد، منبسط می شود.

در این قضیه، مقدم و تالی هر دو معلول یک علت هستند. زیرا جوشیدن و انبساط، هر دو، معلول یک درجه حرارت خاص می باشند.

قضیه شرطی متصل اتفاقیه:

قضیه ای است که میان دو نسبت، اتصال حقیقی برقرار نیست؛ زیرا پیوندی که ملازمه میان آن دو را ایجاب کند، وجود ندارد. اما اتفاقاً حصول تالی مقارن با حصول مقدم بوده است.

مانند:

مثل آنکه به طور اتفاقی چندین بار، احمد پس از شروع درس، وارد کلاس شده باشد که در این صورت گفته می شود:

هرگاه احمد وارد کلاس شود، درس از پیش شروع شده است.

مثال های دیگر:

اگر امروز شنبه باشد، آنگاه درس منطق داریم.

که این تقارن اتفاقی است.

اگر مریم درس بخواند، من هم درس خواهیم خواند.

اگر رضا به خرید برود، من هم خرید خواهیم کرد.

پس لزومی میان آنها وجود ندارد الا اعتباری که گوینده بیان کرده و خودش شرط کرده است.

اکثر قواعد قیاس های استثنایی که در قضایای
شرطی به دست می آیند ، در قضایای اتفایه
چندان نمی توانیم نتیجه گیری کنیم.

قضیه شرطی منفصل

هنگامی که دو جزء و نسبت قضیه با یکدیگر عناد و گسستگی داشته باشند ، به آن شرطی منفصل می گویند.

مانند:

امروز یا دوشنبه است یا سه شنبه

او یا شیرازی است یا اصفهانی

قضیه شرطی منفصل به سه قسم است:

مانعه الرفع یا مانعه الخلوّ

مانعه الجمع

حقیقی

ساختار قضیه شرطی منفصل به صورت «_ یا _ یا _»

قضیه شرطی منفصل حقیقی

هم درست بودن (صدق) دو طرف قضیه محال است و هم غلط بودن (کذب) دو طرف محال است.

(اجتماع و ارتفاع محال)

مانند:

یا این قضیه صادق است یا کاذب

این قضیه نمی تواند هم صادق باشد هم کاذب، نمی تواند نه صادق باشد نه کاذب

مثالهای دیگر:

یا قضیه شرطی، متصل است یا منفصل

یا عالم متناهی است یا نامتناهی

یا جسم مرکب است یا بسیط



منفصل مانعه الجمع (غیر قابل جمع در صدق):

درست بودن (صدق) دو طرف قضیه محال باشد اما غلط بودن (کذب) دو طرف قضیه محال نباشد
(اجتماع محال، ارتفاع جایز)

مانند:

« لحظه تحویل سال یا در قزوین هستم یا در ساری »

محال است در یک لحظه در هر دو جا باشد اما می تواند در هیچ کدام نباشد.

مثالهای دیگر:

یا آن میوه سیب است یا پرتقال

یا این فلز طلا است یا نقره

یا خودکار معلم قرمز است یا آبی

منفصل مانعه الرفع یا مانعه الخلو (غیر قابل جمع در کذب)

محال است دو طرف کاذب باشند در حالی که اجتماعشان جایز است.

(اجتماع جائز، ارتفاع محال)

مانند:

این جسم یا غیر سفید است یا غیر سیاه

می تواند هم غیر سفید باشد هم غیر سیاه، اما نمی تواند هیچکدام نباشد.

یک شیء یا علت است یا معلول

می تواند هم علت باشد هم معلول، اما نمی شود نه علت باشد نه معلول.

قضایای منفصل دارای سه حالت زیر هستند:

الف یا ب (نه هر دو و نه هیچ کدام)	منفصل حقیقی
الف یا ب (نه هر دو و شاید هیچ کدام)	منفصل مانع الجمع
الف یا ب (نه هیچ کدام و شاید هر دو)	منفصل مانع الرفع

میان دو جزء قضایای شرطی منفصل و دو قضیه حملی که دارای یکی از روابط تقابل هستند
از نظر صدق و کذب، تناظر برقرار است.

نسبت بین دو جزء قضیه شرطی منفصل حقیقی، **تناقض** است.

نسبت بین دو جزء قضیه شرطی منفصل مانعه الجمع، **تضاد** است.

نسبت بین دو جزء قضیه شرطی منفصل مانعه الخلو، **تداخل تحت تضاد** است.

➤ از مثال الاکلنگ برای رابطه تناقض، از مثال دو نفری که باهم اختلاف و دعوا دارند برای رابطه تضاد و از
مثال دو سرباز برای نگهبانی برای رابطه تداخل تحت تضاد، می توان برای بررسی اعتبار یا عدم اعتبار قیاس
استثنائی متناظر آنها استفاده نمود.

برای تشخیص اقسام قضایای شرطی منفصل از یکدیگر، دو سؤال مطرح می‌شود:

۱- آیا امکان دارد دو جزء قضیه منفصل با هم صادق باشند؟

۲- آیا امکان دارد دو جزء قضیه منفصل با هم کاذب باشند؟

اگر پاسخ به هر دو سؤال، منفی باشد، **قضیه حقیقی** است.

اگر پاسخ به سؤال اول، منفی باشد، **قضیه مانعه الجمع** (غیر قابل جمع در صدق) است

اگر پاسخ سؤال دوم، منفی باشد **قضیه، مانعه الرفع** (غیر قابل جمع در کذب) است.

قضیه شرطی سالبه:

هر قضیه شرطی ممکن است موجه یا سالبه باشد.

اگر از دانش آموزان پرسیده شود، سالبه قضیه زیر چیست؟

اگر باران ببارد هوا لطیف می شود

دانش آموزان پاسخ خواهند داد که:

اگر باران نبارد هوا لطیف می شود

اگر باران ببارد هوا لطیف نمی شود

اگر باران نبارد هوا لطیف نمی شود

که هر سه این ها اشتباه است.

با سالبه کردن مقدم یا سالبه کردن تالی یا هر دو قضیه سالبه نمی شود.

سالبه قضیه در شرطی ها به گونه ای است که

باید کل نسبت نفی شود.

یعنی اگر اتصال و انفصال را رفع کنیم، به قضیه شرطی سالبه دست پیدا خواهیم کرد.

چنین نیست که هر گاه کسی عالم باشد بافضیلت باشد.

صورت قضیه شرطی متصل سالبه به صورت زیر است:

چنین نیست که اگر الف آنگاه ب

مثال برای قضیه شرطی منفصل سالبه:

چنین نیست که مثلث یا قائم الزاویه باشد یا متساوی الساقین

زیرا بین این دو امر (قائم الزاویه بودن و متساوی الساقین بودن) معاندت و منافاتی نیست و اجتماع هر دو ممکن است.

در اینگونه قضایا چون انفصال را نفی کرده ایم، به قضیه شرطی منفصل سالبه دست یافته ایم.

صورت قضیه شرطی منفصل سالبه به صورت زیر است:

چنین نیست که یا الف یا ب

اقسام منفصله:

شرطی منفصل دو تقسیم دارد: ۱- عنادیه ۲- اتفاقیه

عنادیه

آن قضیه شرطی منفصلی است که میان طرفین آن تنافی و ناسازگاری حقیقی برقرار است؛ بدین نحو که ذات نسبت در هر یک از طرفین، با ذات نسبت در طرف دیگر تنافی و ناسازگاری دارد.

مانند : عدد صحیح یا زوج است یا فرد است.

اتفاقیه

آن قضیه شرطی منفصلی است که میان طرفین آن تنافی و ناسازگاری حقیقی ذاتی برقرار نیست؛ بلکه طرفین به طور اتفاقی و تصادفی، در اثر یک امر بیرون از ذات، با یکدیگر جمع نشده، و یکی بدون دیگری تحقق یافته است.

مانند: کسی که در اتاق نشسته، یا محمد است یا باقر است.

یا مانند: این کتاب یا در باب منطق است و یا مال حسن است.

قیاس استثنائی:

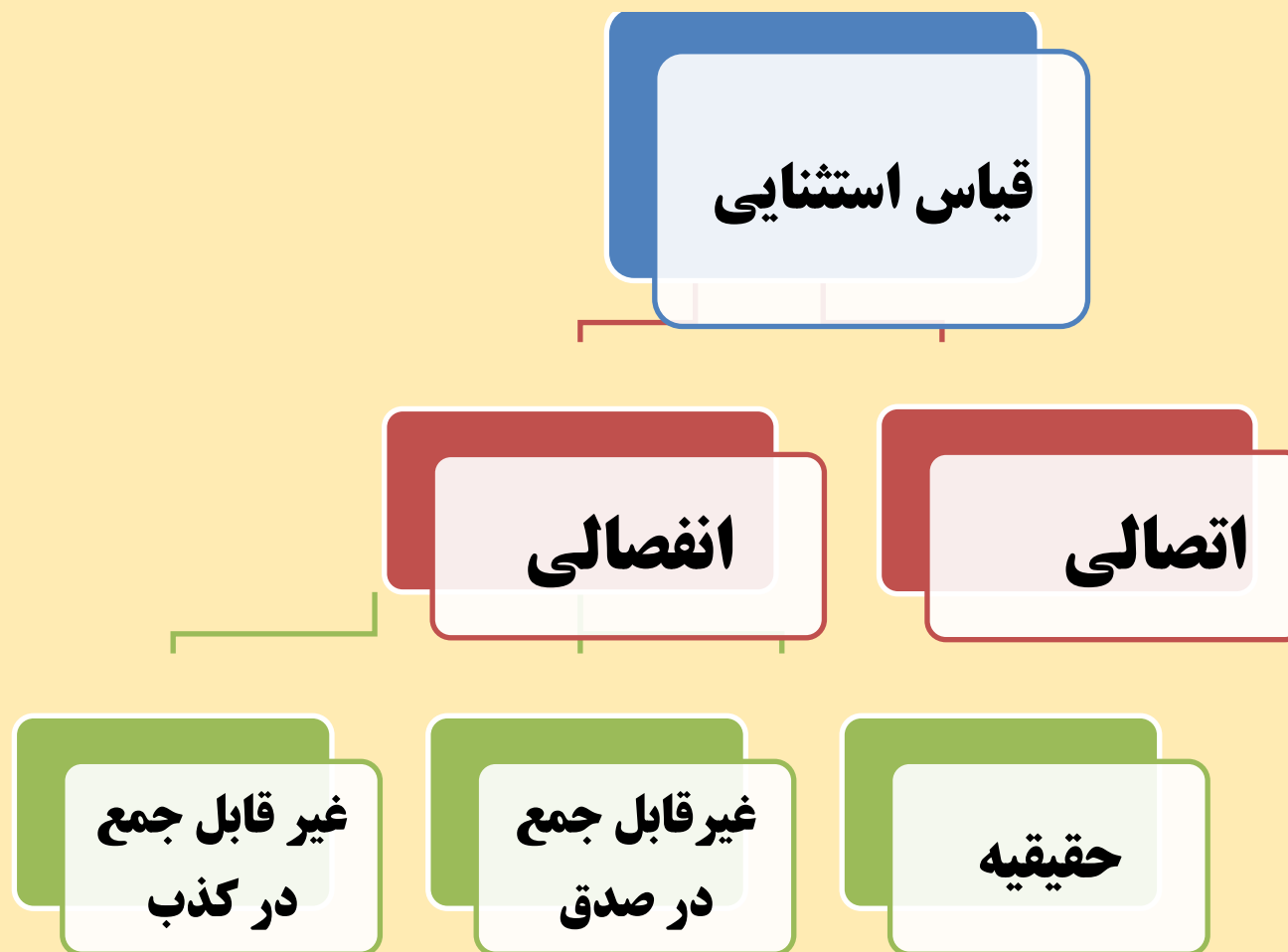
به قیاسی گفته می‌شود که عین نتیجه یا نقیض نتیجه در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده باشد.

مثال: اگر باران ببارد، هوا ابری است.
لیکن هوا ابری نیست.
 باران نباریده است.

(قضیه شرطی متصل)
 (قضیه حملی)

قیاس استثنایی از دو مقدمه تشکیل می‌شود که یکی شرطی و دیگری حملی است، نتیجه قضیه حملی است.

وجه تسمیه این نوع قضایا به استثنایی، لفظ «لیکن» است که از ادات استثناست.



قیاس استثنایی اتصالی

مقدمه اول قیاس استثنایی اتصالی، قضیه شرطی متصل است.

اعتبار یا عدم اعتبار قیاس استثنایی متصل به چگونگی مقدمه دوم آن یعنی به مقدمه حملی آن بستگی دارد که

چهار حالت داشته که فقط دوتای آن معتبر است؛ ۱- وضع مقدم ۲- رفع تالی

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می شود (قضیه شرطی متصل)

باران باریده (وضع مقدم) ← (قضیه حملی)

∴ پس هوا لطیف می شود (وضع تالی) ← قضیه حملی (خبری)

در قیاس فوق، حالت «وضع مقدم» معتبر است.

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می‌شود (قضیه شرطی متصل)

هوا لطیف نشده (رفع تالی) ← (قضیه حملی)

∴ پس باران نباریده است. (رفع مقدم) ← قضیه حملی (خبری)

در قیاس فوق، حالت «رفع تالی» معتبر است.

مغالطه رفع مقدم

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می‌شود

باران نباریده (رفع مقدم)

∴ نامشخص؟

در قیاس فوق، حالت «رفع مقدم» **نا معتبر** است.

مغالطه وضع تالی

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می شود

هوا لطیف شده (وضع تالی)

∴ نامشخص؟

در قیاس فوق، حالت «وضع تالی» **نا معتبر** است.

«مغالطه وضع تالی» و «مغالطه رفع مقدم»



نتیجه گرفتن از حالات نامعتبر قیاس استثنائی اتصالی



قیاس استثنایی انفصالی

مقدمه نخست قیاس استثنایی انفصالی می تواند یکی از سه قضیه شرطی منفصل باشد. لذا به سه حالت تقسیم می شود:

قیاس استثنایی انفصالی حقیقی:

مقدمه نخست قیاس استثنایی منفصله حقیقی، قضیه شرطی منفصل حقیقی است که هم صدق و هم کذب دو جزء آن محال است و همچون رابطه تناقض، از صدق یکی به کذب دیگری و از کذب یکی به صدق دیگر جزء می رسیم.

بنابراین با چهار حالت در این قیاس مواجه هستیم که هر چهار حالت آن معتبر است:

اثبات یکی از طرفین ← نفی طرف دیگر ← نفی یکی از طرفین ← اثبات طرف دیگر

انفصالی حقیقی: اثبات یکی از طرفین ← نفی طرف دیگر

مثال:

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن کلی است

پس: جزئی نیست. (معتبر)

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن جزئی است

پس: کلی نیست (معتبر)

انفصالی حقیقی: نفی یکی از طرفین ← اثبات طرف دیگر

مثال:

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن کلی نیست

پس جزئی است. (معتبر)

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن جزئی نیست

پس کلی است. (معتبر)

قیاس انفصالی غیر قابل جمع در صدق (مانعه الجمع):

یکی از مقدمات این قیاس، قضیه شرطی منفصل مانعه الجمع است.

با توجه به شرایط و قواعد شرطی منفصله مانعه الجمع از چهار حالتی که این قیاس می تواند داشته باشد فقط دو حالت اثباتی آن معتبر است.

صدق (اثبات) یکی از طرفین ← کذب (نفی) طرف دیگر

مثال:

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن سه شنبه است

پس: چهارشنبه نیست. (معتبر)

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن چهارشنبه است.

پس سه شنبه نیست. (معتبر)

دو حالت دیگر معتبر نیست: کذب (نفی) یک از طرفین ← نتیجه نامشخص

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن چهارشنبه نیست

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن سه شنبه نیست.

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

قیاس استثنایی انفصالی غیر قابل جمع در کذب (مانعه‌الرفع)

یکی از مقدمات این قیاس، قضیه شرطی منفصل مانعه‌الرفع است.

با توجه به شرایط شرطی منفصل مانعه‌الرفع تنها دو حالت از چهار حالت تشکیل دهنده این قیاس معتبر می‌باشد یعنی حالات کذبی اجزاء:

نقی و کذب یکی از طرفین ← اثبات و صدق طرف دیگر

مثال:

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن گرما ندارد

پس: نور دارد (معتبر)

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن نور ندارد

پس: گرما دارد (معتبر)

دو حالت دیگر نامعتبر است یعنی:

اثبات یکی از طرفین ← نتیجه نامشخص

مثال:

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن گرما دارد

لیکن نور دارد

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

با تشکر از همراهی شما همکاران گرامی

فاطمه السادات شریف زاده

سرگروه فلسفه و منطق استان مازندران



محتوای نوشتاری کتاب: منطق سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹	به نام خدا معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبردی کشوری فلسفه تولید کننده در استان خراسان شمالی	فصل: هفتم درس: دهم نام طراح: فیروزه شهرستان: بجنورد
---	--	--

عنوان درس: سنجشگری در تفکر

اهداف کلی درس:

- آشنایی با تفکر انتقادی و چستی آن
- توجه به مغالطه در اثر عوامل روانی
- جمع بندی درس منطق و بازگشت به هدف منطق، که جلوگیری از مغالطات است.

اهداف جزئی درس:

- آشنایی با تفکر انتقادی
- آشنایی با خطاهای ذهنی
- آشنایی با چند مغالطه در اثر عوامل روانی
- مغالطه مسموم کردن چاه
- مغالطه تله گذاری
- مغالطه توسل به احساسات
- مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی

خلاصه درس:

در منابع فارسی از تفکر انتقادی با عناوین زیر یاد شده است:

تفکر انتقادی = تفکر نقدی = تفکر نقادانه = تفکر سنجشگرانه = سنجشگرانه اندیشی = اندیشه انتقادی و ...

گفتنی است که انتقادی بودن در اینجا تنها جنبه سلبی ندارد، بلکه به معنای بررسی نکات مثبت و منفی است. شاید بهترین معادل آن در زبان فارسی «تفکر سنجشگرانه» یا «سنجشگرانه اندیشی» باشد.

تفکر نقادانه:

۱. تفاوت تفکر نقادانه و غیرنقادانه
 ۲. ویژگی های متفکر نقاد و غیر نقاد
 ۳. سؤالات اصلی در تفکر نقادانه
- تفکر نقادانه یا سنجشگرانه، فراگیری تفکر و تفکر کردن درباره نحوه صحیح تفکر است.
 - تفکر نقادانه همان فراگیری و کاربرد اصول و قواعد منطقی است.
 - تفاوت مهم تفکر نقاد و غیر نقاد: جدی گرفتن فرایند تفکر و توجه آگاهانه به آن و پرسیدن سؤالات درست و به جا است.
 - متفکر نقاد هنگام شنیدن یک مطلب یا تصمیم گیری درباره یک موضوع، آن را از وجوه مختلف بررسی می کند.